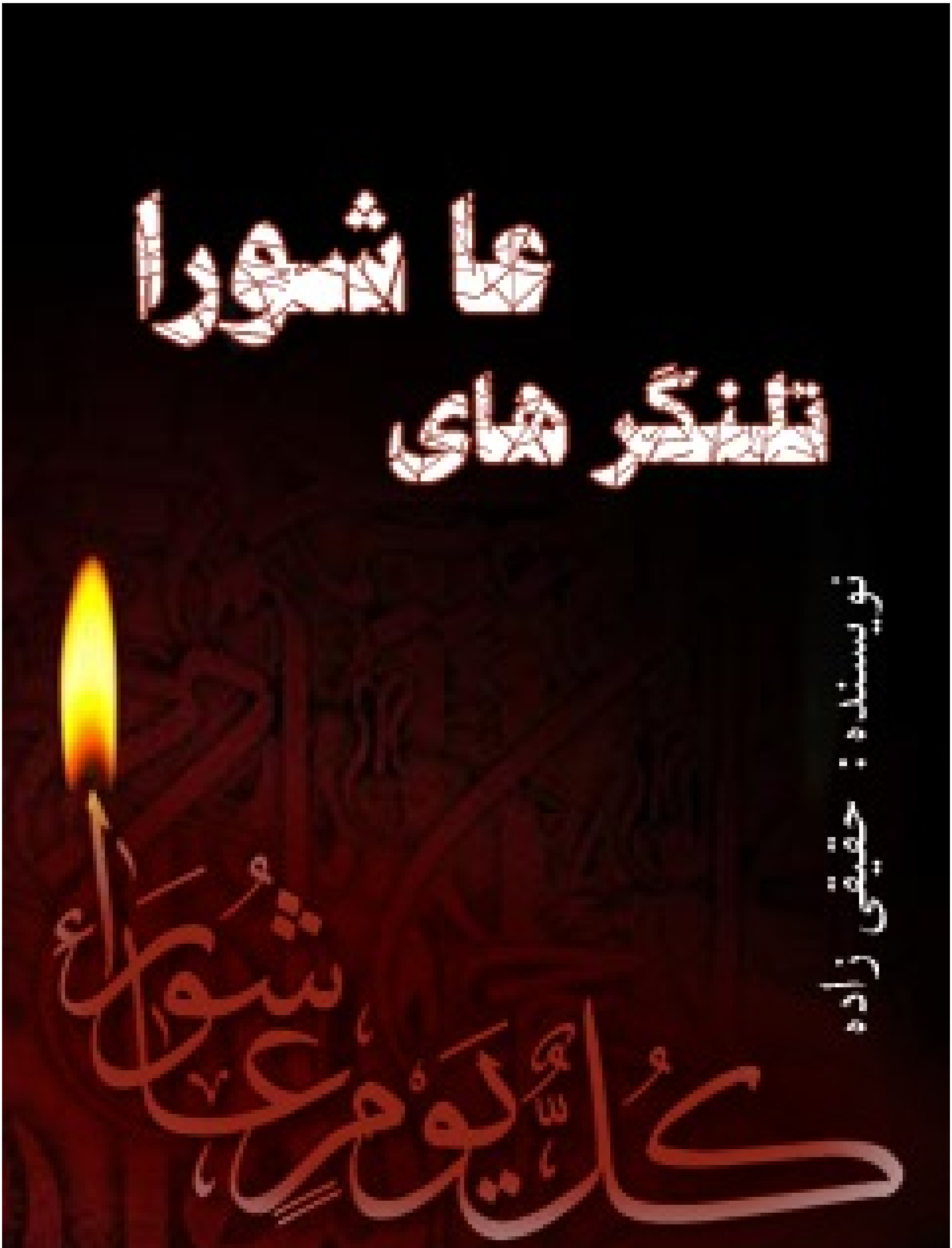

عاشورا
تلنگر های
نویسنده : حقیقی زاده
كل يوم عاشوراء

بسم الله الرحمن الرحیم

تلنگر های عاشورا

نویسنده:

عباسعلی حقیقی زاده

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تلنگر های عاشورا

مشخصات کتاب

نویسنده :عباسعلی حقیقی‌زادهه
ناشر : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم والعاقبه لاهل التقوی والیقن.، یا ایها الناس انما بغیکم علی انفسکم،)قرآن الکریم)
بنام خداوند بخشنده مهربان وحسن عاقبت برای اهل تقواویقین است.ای مردم ،نتیجه ظلم شما به خودتان برمی گردد.
رستگاری انسانها منوط به اعمالشان است، واز آنجائیکه در دنیا درگیر وساوس شیطانی وانسانی وخواسته های مادی وحیوانی هستیم،در انسانهای معمولی ایجاد کشش وجذابیت میکند، که نها یتا خواسته های حسی انسان تا مین می شود. ولی جهت رستگار ی جاویدانی، از دستورالعملهای خداوند متعال (کتا ب الله) وگفتار پیامبران وجانشینان آنها بایستی پیروی نمود، ودر این راستا باید از دریا های رحمانیت به دریای رحیمیت وسپس از دریای و لایت گذر نموده تا انشا الله به رستگاری و رضایت پروردگار و بهشت نا ئل شویم.
خلقت الهی، یا سنگ وخاک ،یا درخت وگیاه، یا حیوان ومشتقات آنهاست.برای اجسام خاکی و سنگی حرکات آنچنانی که به فوریت بدید بیایند، مشهود نیست، ودرختان وگیاهان رشد و نمو آنان باشرایط لازم و در طول و عرض محدودی است وحیوانات وجانوران دارای حس گرسنگی وشهوت وقدرتند و برای خود هیچ محدویتی قائل نیستند. ولی انسان که اشرف مخلوقات است، بایدبه خود متذکر شود که، من انسانم. نه سنگم نه گیاهم ونه حیوان، بلکه انسانم که خداوند متعال برای جاویدان بودن خلقم نموده نه برای چند دهه زود گذر دنیا، چون در قرآن کریم، خبر به تاریک شدن خورشید و دیگر ستارگان وآتش گرفتن دریاها وپراکنده شدن کوهها می دهد، ولی انسان پس از گذراندن چند مر حله به جاودانگی خواهد رسید.
موجوداتیکه در زمین خلق شده اند، از بدوخلقت، شامل رحمانیت خالق خود که خدای لاشریک است قرار می گیرند، (سوره حمد خلاصه شده کل قرآن است و مهمترین فراز آن رب العا لمین است ،که هر گونه شرک را نفی می کند)تا آخرین لحظه حیات.
از پایان حیات به بعد، شرایط انسانها بستگی به اعمالشا ن و رحیمیت خداوند که تنها شامل حال مومنین ومومنات میشود، خواهد داشت وسپس کسانی به رستگاری میرسند که از دریای ولایت (اطاعت از پیامبر وائمه اطهار) گذر کرده باشند.
در روابط حشر و نشرهای روزمره انسانها بعضا به اقدامات فرصت طلبها بر خورد می کنند، که ناشی از بی دینی ودنیاطلبی وحرص و ولع به دنیای گذرا ست. دلیل آنهم از هابیل وقابیل وبرادران یوسف وپادشاهانی که بیش از یک فرزند ذکور داشتند، پر واضح است.
از طرف دیگربرای انجام هر کاری احتیاج به دانائی ودارائی داریم،امام حسین علیه السلام دانای مطلق انسانهای زمان خودش بودوایشان علاوه برتمکن مالی (موقعیکه به کربلا رسیدند تمام اراضی آن منطقه را از صاحبانشان خریداری کردند) که به شهادت تاریخ به تجارت عادلانه، پیامبر ودیگر ائمه مبادرت داشته اند.ولی دارائی حسین مال وثروت وقبیله وعشیره وزن وفرزند وبرادر وياورنبود،بلکه دارائی را فقط درعبودیت وبندگی می دانستند،عبادت اوبود که دستش را پرکرده بود،وخود را ازغیر خدا بی نیاز میدانست،چون حسین کارش عندالله و فی سبیل الله بود،که تا قیامت کارش باقیست،ولی اگر برای مقاصد دنیوی ومردم بود همان روزهای اول قیچی شده بود.وبدست فراموشی،درحالیکه هر سال محرم وصفر باشکوه تروگنج واقعه کربلا۔ گران قیمت تروپر

محتواتر به مردم جهان ارائه می شود.

دشمنت کشت ولی نورتو خاموش نگشت آری آن جلوه که خاموش نشود نور خداست

الله متم نوره ولا کره المشرکون.(خداوند نور خودش را تکمیل وجاودانه می کند اگرچه مشرکان خوششان نیاید.)

دارئی اگرمی خواهی داشته باشی باید کارت برای خدا وعبودیت او باشد ولاغیر.دارائیهای دنیوی مقطعی است ،وحداکثر تا لب مرگ وگور است (مگر اینکه با آن مال آخرت را تحصیل کنیم)لذا دانائی ودارائی باهم موفقیت می آوردودین، انسان رادر علم کمک میکند.ونتیجه دینداری بهشت است.دین وایمان یعنی قبول ولایت علی بن ابیطالب ویازده فرزندشان.و ولایت یعنی علاوه برمحبت وعشق اطاعت از دستورات واعمال ایشان است .کلمه ایمان از امن می آیدیعنی پناهگاه داشتن،واسلام ،گفتن شهادتین است .آقا امیرالمومنین فرمودند ،کامل نمیشود ایمان بنده تا مرا به نورانیت قبول داشته باشد .(اول ما خلق الله نوری)پیامبر فرمودند اولین چیزیکه خداوند خلق کرد نورمن بوده است وبقیه ماخلق الله از نور پیامبروعلی خلق شده است وفرمودند من وعلی یک نور بودیم وبه قدرت خداوند ۱۴۰۰۰ سال طواف کردیم بعدا خداوند مرا محمد وترا علی اعلان کرد.علی علیه السلام نور بوده است ودر زمان حضرت ابراهیم وموسی وعیسی حضور داشته .

عالم دیگر بدست آور که در زیر فلک گر هزاران سال می مانی همین روز وشب است

نقل است از ایشان که فرمودند:سعادت انسان درچهار چیز است.

۱-آنکه تاکی دردنیا میمانی به همان اندازه جمع مال کن.(سعادتند کسی است که امروزش فردایش راآباد کند.نه اینکه فکر کند دنیا جایگاه ابدی اوست وفقط دیگران میمیرند)

۲-در برزخ وقیامت چقدر میمانی ،همان مقدار بار وتوشه بردار.

۳-تحمل عذاب جهنم را چقدر داری؟ به همان اندازه گناه کن.

۴-به پرورگار متعال چقدر محتاجی ؟به همان اندازه اورا عبادت وبندگی کن.

بعد از دانائی ودارائی،متخلق به اخلاق حسنه ومکارم اخلاق شدن است،که باختصارعبارتند از ۱-یقین:(شامل علم الیقین که اطلاع تئوری داشتن از هر مطلبی است وعین الیقین که با چشم نظاره کردن وحق الیقین که لمس کردن ودربوران آن قرار گرفتن است۲ –قناعت ،به آنچه خداوند از راه حلال برایش مقدر کرده راضی باشد۳-صبر درثروت ،وصبر در گناه و صبر درمصیبت۴-شکر(بابروالدین میسر است)۵- رضای پروردگار درکل امور۶-حسن خلق(رعایت حدود الهی ویاد مرگ)۷-سخاوت(بخشش بدون منت) نقل است سائلی از حضرت یعقوب چیزی خواست،ویعقوب گفت بعدا میدهم وداشت ونداد،خداوند هم یوسفش راازش گرفت واورا کورکردو به روایتی گوساله ای را جلو مادرش ذبح کرد ۸-غیرت،نسبت به ناموس ودین وشخصیت ۹-شجاعت(درکلام وعمل)۱۰-جوانمردی ومروت،که آقا یمان اسوه مکارم اخلاق مذکور بودندوبرای دیگران راهکارهای زیرارائه میشود.

اولین راهکار – قبول کردن و اطا عت از دستورات بحق مکتب هدایتگر قرآن و سنت است، بطوریکه قبل از هر اقدامی، نظر قرآن و سنت را چراغ راه خود قرار دهیم وسپس قدم برداریم، تا در صراط مستقیم واز تاریکی دور، و بسوی نور نزدیک شویم.

در این راستا آیاتی که در یکی از سور قرآن است، بیاری آیه دیگرآمده ومشابه آنرا در احادیث وروایات معصو مین داریم که مکمل یکدیگرند.

با مطابقت زندگی روزمره خود،و با رویه فوق، مدینه فاضله وزندگی برزخی بهشتی خواهیم داشت. بنده کمترین، در حد بضاعت خود هر چند نا چیز، با استعانت از خداوند متعال وچهارده معصوم پاک شروع میکنم. باشد که تنها به گریه کردن بر مصائب آقایمان ابا عبدالله الحسین علیه السلام بسنده نکنیم (اگر چه عزاداری واشک ریختن در امتحان عظیم آن بزرگوار از قدر وارزش

والائی برخودار است) وبیش از لبیک گفتن به عزاداری ،به اهداف ودرسها ورهنمودها واندیشه ها وآههای درونی آن بزرگ مرد تاریخ بشریت لبیک گوئیم تا انشاالله در لبیک گفتن به صاحب الزمانمان آگاهانه لبیک گفته وصدای یابن الحسن در کنارش تقوا وعدالت واخلاق دیده شود،نه شعار باشدوشرمندگی وگناه و................................

لذا با استعانت از خداوند متعال و انبیا و اولیا خصو صا، چهارده معصوم علیهم آلاف تهیت والسلام، بنا به انگیزه اینکه من اصبح ولم یتمم به امور المسلمین (کسیکه شب خود را صبح کند وفعالیتی برای مشکلات مسلمین در فکر وعمل نداشته باشد مسلمان نیست)تلنگری که به بنده عنایت شد وآن تلنگر از این قرار بود :

اواخر ماه محرم سال ۱۴۳۳قمری بود که بر روی یک بنر، واقعه کربلا را مشاهده کردم که در زیر آن نوشته بود ما برای عاشورا چه کرده ایم؟!!!

لذا با توجه به اینکه ما انسانها تاریخ را میسازیم و شروع تاریخ ما از انتهای نسل قبل است و با دست نوشته ها و خاطرات و کتب به جا مانده از پیشینیان ، کارها و تجربیات آنها را استمرار میدهیم و این مسیر ادامه دارد تا ظهور حضرت بقیت الله الاعظم که بشر تا آنموقع ۲/۲۷ علم و تکنولوژی را بدست آورده و در حکومت ایشان به ۲۵/۲۷ علم دست خواهد یافت. ازطرف دیگر نوع حکومت و ایدئولوژی و محیط وثروت و مادیات، بسیاری از افراد عادی را همچون سیل با خود می برد، در حالیکه افراد قلیلی هستند که همچون کوه استوار و پای برجا میمانند (پیامبران وائمه اطهار واولیا) و با استمداد از نیرویهای لایزال الهی، حکومتها و مادیگرائیها و ناسیونالیستهاو...را تغیر داده و فقط بدستورات خالق بی همتا عمل میکنند. تا در این راستا بندگان خوب که اطاعت از اوامر و نواحی الهی می کنند، بهشتی شوند، و معاندان و مترفین و متکبرین و طاغوت صفتان و متابعین آنان که در خط شیطانند به جهنم. بنابراین در حد بضاعت کم و ناقابل خود تصمیم به نوشتاری هر چند ناچیز در انجام وظیفه خود جهت بزرگ مرد تاریخ و بشریت که الگو واسوه انقلابات موفق جهان بوده اند راجمع آوری و به سمع و نظر شیعیان جهان برسانم.

باشد که همچون حیوانات و پرندگان و چرندگان و جامدات و سیا لات که به فطرت و غریضه و آنچه برایشان مقدر شده است و خود تکرار مکررات است نه نوآوری، عمل نکرده باشیم، زیرا پس از نعمت حیات و هستی نعمت عقل و ادراک از اعظم نعم است .آدم که از بهشت رانده گشت پس از توبه و انابه و قبولی ترک اولی، جبرئیل بر او ناظر شد و سه هدیه از طرف خداوند آورد ، مشروط بر اینکه آدم یکی از آن سه را انتخاب کند. وآن سه هدیه ۱- عقل ۲- حیا ۳- دین بود.

بنابراین حضرت آدم فقط حق انتخاب یک مورد را داشت، لذا آدم نعمت عقل را انتخاب نمود و جبرئیل آن دو را هم فرو گذاشت ،آدم علت آن را پرسید جواب شنید حیاء و دین در کنار عقل است و هر کجا عقل باشد حیاء و دین هم وجود دارد و هر سه هدیه از آن توست که رستگار شوی.

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

ا لسلام علی مهدی وعلی آبا ئه طاهرین

الهم صل علی محمد وآل محمد وعجل فرجهم والعن عدوهم و بارک علی ابراهیم وآل ابراهیم انک بصیر با لعباد(ثواب هزار صلوات داردوقدرت صلوات را امام محمد باقرعلیه السلام،بشنوید که می فرمایند:اگر صبح از خواب بیدار شدید وبنا به دلایلی نماز شب را نخواندید ویک صلوات بفرستید ثواب نماز شب را به شما خواهند داد.)

تلنگرهای عاشورا

(درس ها و عبرت های عاشورا)

حیاط روح به علم است وفوت روح به جهل است. صحت روح به یقین است وآنچه با عث مردن روح است شهوت است که غفلت می آورد وروح بخواب ومرگ می رود.

روحت را اگر حفظ کردی روحت بیدار است وبیداری روح صحت وسلامت روح است.وقلب انسان به موعظه زنده می شود .نفست را بوسیله ذهد بمیران وبه گذشته ات افسوس مخوروبه آنچه در دستت هست مقرور نشو،وقلب را بوسیله حکمت ودانش نورانی کن.

بـا نگرشی گـذرا به رسالت حضرت ختمی مرتبت و مجاهـدتها و تبلیغات ایشان در طول ۲۳ سال، انسان نماهای جاهلیت را تا حدودی از قهقرائی و جهالت و سبوئیت به انسانیت و تعالی سوق دادند که متأسفانه باشهادت ایشان مسیر حق از جاده اتوبان انسانیت به جاده خاکی، پر از سنگلاخ جاهلیت دیگری سوق داده شد و کم کم تلاش های آن بزرگوار و خلیفه بر حقش مولی الموحدین حضرت علی بن ابیطالب، بخاطر شیطنت ها و هوا و هوسها و مقدم داشتن نفس بر عقل بدست فراموشی گذاشت تا جائی که اقدام به شهادت بزرگ مرد تاریخ بشریت کرده و بخاطر تعصبات جاهلیت خود که در کُرک هوا و هوس مخفی شده بود و ایمانی ظاهری و ریاکارانه را مطرح کرده بود را به جامعه ارائه می داد که با مخالفت حسن بن علی ابتداً و سپس حسین بن علی با دستگاه ریاکارانه معاویه و یزید ادامه یافت، تا جائی که در سفر حج واجب آن امام سوم واجب تر دیدند که حج واجب را به عمره تبدیل کرده و در هجرت خود بنا به دعوت کوفیان به طرف کوفه هجرت نمودند که در این زمینه کتاب هایی نوشته شده و از چهل منزل ایشان و بخوردهایشان نقل ها شده که ذکر مجدد آنها را لزومی نیست ولی آنچه قابل تحمل و بررسی است عوامل مؤثر در مقابله با حق و حقیقت و رهبری عادل و دانا و پاک را بر رهبران ناحق و ریاکار و نادان و ناپاک ترجیح داده و از پیروی آنان تا جایی پیش رفته که منتهی به شهادت فرزند پیامبر و عزیز طفل شیرخوار ایشان و اسارت خاندان نبوت و رسالت شده و متأسفانه این همه شرور را جنبه عبادت و جهاد جاهلان داده و به علت شعور و بصیرت دینی دست به بزرگترین جنایت تاریخ انسانیت زدند.

عاشورا غیر از درس، یک صفحه عبرت است، انسان باید به این صفحه نگاه کند تا عبرت بگیرد، اینکه حسین بن علی علیها السلام در مرکز اسلام، در مدینه به دنیا بیاید و پس از گذشت کمتر از یک قرن جگر گوشه پیامبر اکرم را به شهادت برسانند قابل تجزیه و تحلیل است.

حادثه عاشورا، بی شک از عظیم ترین رخدادهایی بوده که در تاریخ بشر موجی عظیم پدید آورده و مسلمانان و غیرمسلمانان را با ارزش های متعالی و مفهوم حیات بخش و هدفدار آشنا ساخت و انگیزه های مبارزه برای حفظ کرامت انسان و نفی سلطه ستم را در انسان ایجاد کرد، با تقویت نمود. هر اندازه که مسلمانان و انسان ها با درس های نهفته در آن حرکت خونین و عمیق آشناتر شده از آن بهره بیشتری برده اند و به همان میزان عزتمند و بزرگوارانه زیسته و پایه های حکومت طاغوت ها را لرزانده، درس هایی که از عاشورا می توان گرفت، در سخنان امام حسین علیه السلام و عملکرد یارانش، درس ها و عبرت هایی است که تاثیر آنها در زندگی و فکر مسلمانان بایستی الگو شود و در جای جای زندگی آنها را پیاده نمود.

می دانیم که امام در حکم کعبه است و مردم در حکم طواف، بنابراین تکلیف است که مردمان مسلمان پیرامون امام باشند و برای حُسن عاقبت دارین از امام معصوم و عالم و عادل خود پیروی کنند. به همین دلیل امام حسین علیه ا لسلام در هجرت خود از مدینه به کوفه با زن و فرزند خویشان خود هجرت نمودند، چون یقین به صحت راه خود داشتند.

یقین منجر به علم و عمل صالح می شود و شک و تردید و دو دلی منجر به جهل و عمل غیر صالح می شود، کسانی که غذای پاک و حلال و به اندازه تناول می کنند، از فکر پاک و طیب و عمل صالح برخوردارند و برعکس کسانی که از غذاهای شبهناک و حرام تغذیه می شوند ویا هر غذائی را می خورند نوعاً دارای افکار پلید و اعمالی شنیع می باشند. لذا در اتمام حجتی که آقا اباعبدالله الحسین با یزدیان انجام دادند، فرزندشان می پرسند، پدرجان مگر ما بر حق نیستیم، حضرت می فرمایند چرا فرزندم و

سؤال می¬کنند، پس چرا حرف حق را نمی پذیرند امام می فرمایند شکم¬هایشان از حرام پرشده است، لذا نه حرف حق را می پذیرند و نه تشخیص می دهند.شکم هایشان از حرام پرشده است، لذا نه حرف حق را می پذیرند و نه تشخیص می دهند.و برای هدایت اینگونه افراد هیچ امیدی نیست،که جایگاه ایشان جهنم است،چون عناد دارند. عمان سامانی در محاربه آن موحد صاحب یقین در مصاف با مشرکین وپیغام آوردن جبر ئیل امین از حضرت رب العا لمین وافتادن آن حضرت از زین ذولجناح آن رخش وزین بر زمین ،که سلام الله علیه ،و لعنت الله علی اعدائهم الی یوم الدین به شعر در آورده است ،بدین منوال

گشت تیغ لا مثا لش گرم سیر از پی اثبا ت حق و نفی غیر

ریخت بر خاک ازجلادت خون شرک شست زآب وحدت از دین،زنگ وچرک

جبرئیل آمد که ای سلطان عشق یکه تاز عرصه میدان عشق

دارم از حق بر تو ای فرخ امام هم سلام وهم تحیت هم پیام

گوید ای جان ،حضرت جان آفرین مر ترا، برجسم وبر جان آفرین

محکمیها از تو میثاق مراست رو سپیدی از تو ،عشاق مراست

این دوئی با شد ز تسویلات ظن من توام، ای من ،تودر وحدت،تومن

چون خودی رادر رهم کردی رها تو مرا ،خون من ترایم ، خو نبها

مصدری وما سوامشتق، تراست بند گی کردی ، خدائی حق ،تراست

هر چه بودت،دادهای اندر رهم در رهت من هر چه دارم ،میدهم

کشتگا نت را،من دهم زندگی دو لتت را تا ابد پا یند گی

شاه گفت ،ای محرم اسرار ما محرم اسرار ما،از یار ما(به جبر ئیل)

گر چه تو محرم ، بصا حبخا نه ای لیک تا اندازه ای ، بیگانه ای

آنکه از پیشش، سلام آورده ای وآ نکه از نزد ش، پیام آورده ای

بیمجاب، اینک در آغوش من ا ست بی تو ،رازش ،جمله در گوش منست

از میان رفت ، آن منی و آن تو ئی شد یکی مقصود وبیرون شد دوئی

گر تو هم بیرون روی اولی تر است زآنکه غیرت آ تش ، این شهپر است

جبر ئیلا رفتنت زاینجا نکوست پرده کم شو در میان ما و دوست

رنجش طبع مرا ما یل مشو در میان ما ودوست حا ئل مشو

از سر زین ،بر زمین آمد فراز وز دل و جان برد ،جا نان را نماز

با وضو ئی از دل وجان شسته دست چار تکبیری ،بزد بر هر چه هست

گشته پر گل ،ساجد ی عما مه ا ش غر قه اندر خون ،نماز ی جامه اش

بر فقیه از آن رکوع وآن سجود گفت اسرار نزول ،وهم صعود

بر حکیم از آن قعود وآن قیام حل نمو د اشکا ل خر ق و التیا م

وآن سپاه ظلم وآن احزاب جور چون شیا طین مر نمازی را بدور

تیر بر با لای تیر بیدریغ نیزه، بعد از نیزه ،تیغ از بعد تیغ

قصه کو ته شمر، ذی الجوشن رسید گفتگو را آتش ،خر من رسید

ز آستین غیرت، برون آورد دست صفحه را شست و قلم را سر شکست

از شنیدن دیده، بی تابست وگوش شد سخنگوی از زبان من ،خموش
آنکه عمان را در آوردی بموج گاه بردی در حضیض وگه به اوج
نا له های ،بیخودانه ،بس کشید اندر اینجا ، پای خود واپس کشید
بیش از آن یارای در سفتن نداشت قدرت زین بیشتر گفتن نداشت
شرمسارم از معانی جو ئیش عذر خواهم ،از پر یشان گو ئیش
حق همیداند که غا لی نیستم اشعری واعتزا لی نیستم
اتحادی وحلو لی نیستم فارغ از اقوال بی ،مغیستم
لیک من دارم دل دیوانه ای با جنون خو یش از خرد بیگا نه ای
گا هگا هی ،از گر یبا ن جنو ن سر بشیدا ئی،همی آرد برون
سعیها دارد پی خامی من سخت میکو شد ،ببد نا می من
لغزشی گر رفت نی از قا ئل است آنهم از دیوانگیهای دل است
منتهی چون رشته با شد با حسین (علیه السلام) شا ید ای دانا کنی گر غمض عین
قا فیه مجهو ل اگر شد در پذیر وآن چه با شد شور ودور وزیر و پیر
د ل بسی زا ین کار کرده است و کند عشق از این بسیار کرده است وکند
چو نکه از اسرار ، سنگین بار شد نام او گنجینه اسرار شد

درس دیگر، عمل حُربن زیاد بود، که اگر چه سد راه امام معصوم شد ولی در اشتباه خود پافشاری نکرد و در زمانی که تشخیص داد که دینش وجه المصالحه دیگران است از لشکر یزدیان فاصله گرفت و به امام خود پیوست وا لامعاند می شد.بنده فکر میکنم،حر ازسیاسی کاریهای حکام زر و زور و تزویربه ستوه آمده بود و از آنجائیکه ملاقات اولی ودومی با دخت پیامبر، تنهاجنبه تزویروریا داشت، والا سند فدك فاطمه الزهرا که ملك تلك اوبود را محترمانه تقدیم کرده وحق ولایت را به صاحبش(امیرالمومنین) واگذار و از کرده های خود ابراز ندامت کرده و از اطاعت هوای نفس وشیطان همچون حرسر باز زده وخود ودیگران را از معضلات دارین نجات می دادند وبه توبه واقعی وخالصانه عمل میکردنند. ولی آزادگان از اشتباه دیگران پند وعبرت

میگیرند وآنچه را خدا وپیامبر وامام معصوم تائید میکنند را عمل می کنند تا انشا الله رستگار دارین شوند.

درس دیگر اینکه:

آدمی از بی بصری بندگی آدم کرد گوهری داشت ولی خرج قباد و جم کرد
یعنی از خوی غلامی زسگان پست تر استمن ندیدم که سگی پیش سگی سرخم کرد(اقبال)

در اعتقادات مسلمین، اعتقاد به وحدانیت باریتعالی و یگانگی او و شریك قرارندادن، کسی یا چیزی را با اورا توحید گویند و هر چیز که محبت آن بر محبت خداوند و اوامرش مقدم شود شرك است.

بیش از چهارهزار سال است که انسان ها برای اینکه منطق خود را بر دیگری یا نژادی تحمیل کنند، درگیر قتل و کشتار و کشمکش می باشند ولی تنها راه صلح و آسایش، قبول قانون الهی است، حتی کسانی که می گویند، دین قانون جنگل است، معتقد به قانون جنگل هستند که اصول خودش را دارد.

لذا بدترین نوع زندگی، زندگی بدون قید و بند و قانون است و بهترین نوع زندگی، زندگی در لوای قانون اسلام است، در کشورهای اروپایی کم کم به تعالی قوانین اسلام پی برده اند و برای مثال قانون ارث اسلام و ازدواج و طلاق اسلام را از ضروریات

جامعه مترقی خود دانسته و از آنها پیروی می کنند که به مرور به بقیه حقیقت های آن خواهند رسید. انشاالله
بعضاً در انتخابات و تصمیم گیری های خود، متکی به عقل می باشند که چیز خوبی هم هست ولی آیا همه عقول از یک میزان بهره مندند یا عقل علماء و عوام و پیامبران و ائمه متفاوت است، اگر چنین است باید از عقل کامل که شامل عقول و اوامر پیامبران و ائمه اطهار است پیروی نمود تا هیچگونه پشیمانی در زندگی دنیوی و اخروی خود نداشته باشیم.
اینگونه کسان دارای بصیرت و بینش الهی شده و راه را از چاه تمیز داده و با پیروی از چراغ های هدایت(پیامبران و ائمه) به سلامتی به مقصد خواهند رسید.
در نقطه مقابل کسانی که از بصیرت الهی بهره ای ندارند، دائماً در شک و دودلی و تردید به سر برده و این شک او را به تاریکی و گمراهی و هوا و هوس دنیوی سوق داده تا جائی که نه از دنیا و نه از آخرت بهره ای نخواهد برد.
در تعقیب نماز مغرب از خداوند بصیرت در دین و یقین در قلب و اخلاص در عمل را استمداد می کنیم که هرکدام لازم و ملزوم یکدیگرند.
بصیرت در دین، یعنی در مسائل روزمره و تکراری غرق نشویم و سعی کنیم از یکنواختی به پویایی و شکوفا شدن برسیم و در این راستا احتیاج به دقت عمل و کیس و زیرکی داریم که معنای آن سیاست زندگی است که منطبق بر شرع و عقل می باشد نه اینکه سیاستی داشته باشیم که با قرآن و عترت در تضاد بوده باشند. در جنگ صفین آقا امیرالمؤمنین با معاویه بن ابوسفیان در جنگ بودند و شخصی به آقایمان امیرالمؤمنین عرض کرد. یا علی،معاویه خیلی سیاست دارد! حضرت علی علیه السلام فرمودند اینها شیطنت است نه زیرکی و من از او زیرک ترم.
کائنات افتاده دام علی استحضرت خضر خود تشنه نام علی است
نام مولا زینت عرش است اگرنام زینب، زینت نام علی است
دید مولایمان فقط به مقطع جنگ و حکومت چند روزه دنیا نبوده است و بصیرت ایشان تا قیامت و بهشت و جهنم را رصد می نمود.حب علی جنده ، وصی ا لمصطفی حقا، قسیم النار والجنه (محبت ودوستی علی علیه السلام سپری است در مقابل آتش،وصی وجانشین بحق پیامبر،وتقسیم کننده بهشت ودوزخ است.از طرف دیگرهر کس بمیرد ،قبل از مرگ امیر المو منین را می بیند.(مو من با روی باز وکافر ومنافق با ترش روئی) ایکه گفتی فمن یموت یرنی، جان فدای کلام شیرینت، کاش روزی هزار بار من، مردمی تا بدیدمی رویت .علی کسی است حضرت خضر ،در زمان حضرت موسی علیه السلام،اقراربه پیروی او وفرزندانش داشته وکرامات الهی را بسبب پیروی کامل ازطریقت وشریعت وحقیقت علی علیه السلام می داند.وپیروانش در زندگی گذرای دنیا مصداق بارز این بیت هستند. در طریقت،هرچه پیش سا لک ،آ ید خیر اوست درصراط المستقیم،کسی گمراه نیست
در آن شرایط سخت جناب عماره یاسر که از یاران مخلص و همیشگی امیرالمؤمنین علیه السلام بود،به روشنگری افراد کم بصیرت پرداخت و به افراد متزلزل و دمدمی مزاج ، حقیقت را بازگو می کرد و در این راه جان خود را از دست داد.
او می گفت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از طرف خداوند برگزیده شده است و اولی و دومی غاصب خلافتند و سومی با تزور و خدعه بر روی کار آمده است و ابوسفیان که پیرمردی نابینا شده بود، در جلسه ای که عثمان و معاویه و چند نفر دیگر از بنی امیه حضور داشتند، سوال کرد آیا غیر از بنی امیه کس دیگری هست و چون مطمئن شده تأکید نمود که رسالت پیامبر را حکومت و پادشاهی به حساب آورید و سعی کنید آن را دست به دست دهید و از بنی امیه خارج نشود.
لذا معاویه که در زمان عثمان دارای موقعیتی بود، از امکانات بیت المال بی حد و حصر بهره مند شد و از همان زمان شیطنتهای ایشان شروع و برنامه ریزی شد، لذا اگر چه سقیفه بنی ساعد، اولین جلسه خیانت به مسلمین بحساب می آید(بر حسب ظاهر،درصورتیکه در حجه الوداع ،درمکه نقشه قتل پیامبربخاطر خیانت عایشه وحفضه ازابلاغ ولایت امیرالمومنین توسط فرشته

وحی به رسول الله سقیفه اولی بوده است.که بحمدالله موفق نشدند) ولی، ترفندهای معاویه که تا زمان امام باقر و امام صادق علیها السلام به طول انجامید و حکومت استبدادی از ضرباتی که بر پیکر اسلام و خصوصاً تشیع وارد آورد، هنوز تاثیرات آن را در جوامع اسلامی شاهدیم.

موجی به جنبش آمد و برخاست کوه، کوه ابری به بارش آمد بگریست زار، زار

در نامه ای ابوبکر به پدر خود نوشت که مردم مرا برای کهولت سن، بعد از پیامبر انتخاب کردند(و الّا از من با فضیلت تر و با علم تر بود) پدرش در جواب نوشت اگر سن مطرح است من که پدر تو هستم به امر خلافت سزاوارترم. ولی حقیقت مطلب در این بوده است که کسانی که ایمان در قلبشان رسوخ نکند موقعی که فتنه ای پیش آید یا فرصت طلبی می کنند و یا از صحنه خود را فرار می دهند.

پس از فوت ابوبکر، خلیفه زور و تزویر با عده و نیروئی که از قبل تهیه دیده بود و به آنها وعده و وعید داده بود برسر کار آمد و خود بارها اقرار نمود که اگر علی علیه السلام نبود، عمر هلاك می شد تا اینکه در بستر مریضی به او گفتند حقیقت را بگو و خود و دیگر پیروانت را از دست آتش جهنم نجات بده، او گفت النار و لا عار(یعنی من آتش را بر ننگ و عار ترجیح می دهم) و پس وی چنانچه می دانید قدرت ظاهری به دست عثمان و امویان افتاد و تا جائیکه توانستند به دنیاطلبی خود ادامه دادند که منجر به شهادت امام حسین علیه السلام و هفتاد یك تن از یارانش و اسارت فرزند کبار و خانواده اش انجامید که امام حسین در یکی از سخنان خود به لشکریان یزیدی در حال اتمام حجت بود که شمر لعنت الله علیه به امام گفت تو تا زمانی دیگر کشته خواهی شد و امام فرمودند این خبر را پیامبر از قبل به من دادند که تو به دست سگی از بنی امیه به شهادت خواهی رسید. در تاریخ می خوانیم که شمر لعنت الله علیه از یاوران امیرالمؤنین علیه السلام در جنگ صفین بوده و حتی جزء جانبازان بوده و در جنگ نهروان جزء توابین می شود که از کشته شدن نجات پیدا کند و از آنجا به لشکر معاویه می پیوندد و بعضاً حافظ قرآن بوده ولی بصیرتی نداشتند و هدفشان در این بوده که از دیگران عقب نمانند و دین لقلقه زبانشان بود و به آن احاطه داشتند تا منافعشان تامین شود. ولی به محض اینکه احساس ضرر مالی یا جانی می کردند، با دین کاری نداشتند. قرآن در سوره اعراف می فرماید برای ایشان قلب هست ولی ایمان ندارند و برایشان گوشی هست ولی حرف حق را نمی شنوند و برای ایشان چشم هست ولی با آنها چیزی را نمی بینند بعضی کور دلند.

بصیرت و بینایی با تفکر و تحقیق و منطق و علم و درایت و آینده نگری اجین است و از پیروی کورکورانه و برای بدست آوردن مطامع دنیوی زندگی جاویدان خود را برای چند روز دنیا از دست نمی دهند.

ابوا لفضل العباس علیه السلام:برادر بزگوارآقا امام حسین علیه السلام هستند،که با وجود اینکه از پدر یکی واز مادر دوتا بودنند،به مردم جهان درس وفا داری به برادر وامام برحق خود آموختند.و ثا بت نمودن ،برادری به وفاداری ورعایت حدود الهی است،نه به عده وعوده(تعدادو ظواهر).زیرا یو سف یازده برادر داشت وهمگی بر علیه او شدند ،وآقا ابا عبد الله در کربلا یك برادر داشت ،که افضل از یازده برادر یوسف بودند،چون در زیارتشان می خوانیم السلام علیك ایها العبد الصا لح المطیعی لله ولرسو له........

با ید این دیده واین دست دهم قربا نی تا که تکمیل شود،حج من و تقذیرم

نام ابوالفضل و صاحب الزمان هر دو روی حروف ابجد ۳۳۱ می شود.

شاعری در این مورد می گو ید :

دامن علقمه و باغ گل یاس یکی استقمر هاشمیان بین همه ناس یکی است

سیر کردم عدد ابجد و دیدم به حسابنام زیبای اباصالح و عباس یکی است

بایداین دیده واین دست دهم قربانی تا که تکمیل شود،حج من وتقدیرم

خوش است غمزه، دریغا که جاودانی نیستپس اعتماد بر این چند روز فانی نیست

پس اعتماد بر این چند روز فانی نیستخوش است عمر، دریغا که جاودانی نیست

در حدیث قدسی آمده است،دین اسلام همچون درخت ثابتی است در زمین،که ریشه این درخت، ایمان (اعتقادات قلبی و اعمال صالح) است وتنه وساق آن،نماز است وآبیاری آن انفاق وخمس وذکاه است وشاخه آن روزه وبرگ آن حسن خلق ومیوه اش تقوا (اجتناب از حرام وگناه وعمل به واجبات و ترک محرمات)است .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هرکس بخواهد از شر فتنه ها در امان بماند باید به ولایت امیرالمؤمنین تمسک بجوید.

و فرمودند: یا علی اگر خداوند به وسیله تو یک نفر را هدایت کند، برای تو بهتر است از دنیا و آنچه در آن است.

و به علی علیه السلام فرمودند: علی را بعد از خودم برای شما خلیفه قرار دادم تا زندگی مسلمانان را شکوفا کند و مظلومان را پناه باشد و حدود خداوند را بر تجاوزکاران به پا دارد.

حسین بن علی علیه السلام آنچه بصیرت و آگاهی و اتمام حجت باید برای یزیدیان اعلام کنند، انجام دادند من جمله اینکه اِن لَم یکن لکُم دینٌ و کنتم ولاتخافون المعاد فکونوا احواراً فی الدنیا: اگر دین ندارید و از معاد نمی ترسید، لااقل در دنیا آزاده باشید.

درس آزادی بدنیا داد افکار حسین(علیه السلام)بذر همت در جهان افشاند رفتار حسین (علیه السلام)

و به شیعیان خود سفارش کرد:

ای شیعیان من اگر آب گوارا نوشیدید پس مرا یاد کنید و یا اگر نام (خبر) غریب یا شهیدی را شنیدید، پس بر من بگیرید، من فرزند پیامبر هستم، که بدون جرمی مرا کشتند و بعد از کشتن من با اسبهای چالاک استخوانهای مرا نرم نمودند، ای کاش شما روز عاشورا نظاره گر من بودید که چگونه برای کودکم طلب آب کردم و آنها(یزدیان) به من رحم نکردند.درس این فراز رقت قلب وترحم است،نه قسی القلب وبی رحم بودن،بخصوص در برابر ذریه معصومین ومحبان ومدعیان محبانشان.

قال الصادق علیه السلام:من بکی او ابکی او تباکی علی الحسین مجبت له الجنه(هر کس گریه کند یا بگریاند یا شبیهه گریه کنندگان در آید،برای حسین علیه السلام،بهشت براو واجب می شود.(لازم به تذکر است این روایت را درکنار آیات قرآن باید قرار داد وبه هردو عمل کنیم)

ماه محرم اولین ماه سال قمری است و در گذشته در این ماه جنگ حرام بود (و هم اکنون) چرا که شروع سال با شادی و سرود و جشن برگزار می شد همانند ماه فروردین سال شمسی ما ایرانیان ولی بنی امیه لعنت ابدی را بر خود و نیکان و آیندگانشان خریدار شدند و با بشهادت رسانیدن آن امام همام ماه محرم را با حزن و غم و اندوه و اشک و آه توأم نمود که می خوانیم

بازاین چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین

بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است

جن و ملک بر آدمیان نوحه می کنند

گویا عزای اشرف اولاد آدم است

گر چشم روزگار به رو زار می گریست

خون می گذشت از سر ایوان کربلا

روزی که شد به نیزه سر آن بزرگوار

خورشید سربرهنه برآمد ز کوهسار

عرش آن زمان، به لرزه درآمد که چرخ پیر

افتاد در گمان که قیامت شدآشکار

مسئله کربلا یک حادثه یا واقعه نبود بلکه یک فرهنگ بود که استاد آن حسین بن علی علیه السلام است.

پیامبر اکرم فرمودند: هرکس حسن و حسین و فرزندان آنها را با اخلاص دوست بدارد، آتش جهنم بصورتش نمی خورد و هر چشمی در روز قیامت گریان است، مگر چشمی که در مصیبت حسین اشک بریزد، خداوند به عوض شهادت امام حسین علیه السلام امامت را در نسل او، شفا را در تربت قبر او و اجابت دعا را در زیر قبه او قرار داد.

عالم همه محو گل رخسار حسین استذرات جهان در عجب کار حسین است

دانی که چرا خانه حق گشته سیه پوشیعنی که خدای تو، عزادار حسین است

امام رضا علیه السلام فرمودند:

برای مثل حسین علیه السلام باید گریه کنند که گریه بر او گناهان بزرگ را پاک می کند و رسول خدا فرمودند: همانا حسین دری است از درهای بهشت، کسی که با او دشمنی کند بوی بهشت را خداوند بر او حرام می کند.

و فرمودند: اَنا مِن حسین و حسین مِنی: من از حسینم و حسین از من است

روشن جهان ز نور جمال محمد استخرم ز چشمه های کمال محمد است

ما دست کی زنیم ،به دامان دیگران تا دامن محمد وآل محمد است

ائمه اطهار علیهم السلام دنیا در نظرشان کوچک بوده است و کرامت انسان بزرگ خود را مبتلا به معصیت و گناه نکردند چون معصیت ابدیت و آدمیت انسان را تحلیل می دهد.

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشقثبت است در جریحه عالم دوام ما

افرادی که دارای بصیرت هستند نگاهی سطحی ندارند، بلکه نگاه هایشان جامع و عمیق به مسائل قرآنی است.

شب عاشورا امام حسین علیه السلام به یاورانشان فرمودند اگر کسی حق الناسی در زندگی اش است یا بدهکار مردم است من بیعتم را از او بر می دارم و راضی نیستم بگویند، یاران حسین به ما بدهکار بودند و فرمودند: پیرو ما خانواده کسی نیست که مال مؤمن را از راه حرام بخورد.

و پدرشان امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: اعتماد کردن به افراد، قبل از آزمون و امتحان وی ساده لوحی است.

و قال امام سجاد علیه السلام: اِنَّ لَعَمی العباس درجهٔ یوم القیامهٔ یغبِطه جمیع الشهداء

امام زین العابدین علیه السلام فرمودند: همانا برای عمویم حضرت عباس علیه السلام در روز قیامت درجه و مقامی است که همه شهدا به حال او غبطه می خورند. وایشان دارای بصیرتی نافذ بودنند که این نوع بصیرت اطلاق شده است باینکه میدید آنچه امام می دیدند واگرچه امام نبودنند ولی قرین عصمت بودند.به همین دلیل تاآخرین نفس وتا آخرین قطره خونشان به امام وبرادرشان وفادار بودن اسلام علیک یا عبد الصالح المطع لله وللرسول.......

و از معصوم علیه السلام رسیده است، کسی که به عمد زیارت آقا اباعبدالله الحسین را ترک کند، عاق پیامبراکرم خواهد شد.

و اما وراثت آقا امام حسین بهترین وراثت، از نظر پاکی، خداوند تعهد کرده است که رجس و پلیدی را از اهل البیت دور کند.جد بزگوارشان خاتم پیامبران،پدرشان اولین امام وجانشین پیامبرومادرشان باعث مباهات جهانیان،مخصوصاپیامبران وائمه اطهاروبرادرشان دومین امام معصوم وخواهرشان علل مبقیه کربلا(زیرا کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود) ونه فرزندشان امام بر حق،که آخرینشان علاوه برامام بودن ،مصلح وعدالت گستر واحیا کننده دین و.......جهان خواهند بود.

درس های عاشورا به نظر بنده حقیر شامل موارد زیر است .

۱-درس کمک و یاری کردن دین:
اِن تنصرکُم الله ینصر کم :اگر دین خدا را یاری و کمک کنید، خداوند هم شما را یاری خواهد کرد. که آقا اباعبدالله برای یاری دین خدا هجرت کردند و فرمودند اگر دین محمد به جز با کشته شدن من تحقق پیدا نمی کند پس ای شمشیرها مرا بگیرید.کسیکه محبت امیرالمومنین علیه السلام وذریه اورا دردل داشته باشد مومن است، وکسیکه عداوت ایشان راداشته باشد کافر است.علاقه ومحبت به اهل البیت موجب عزت ودوستی ودشمنی بااین خانواده موجب خضلان وخواریست دردنیاوآخرت.حتی درموقع فوت وبرزخ وقیامت عزتی اگر هست ازبرکت اهل البیت است(ولی نسبت به صاحب الزمان علاقه واحترام بیشتری باید قائل شویم(اگرچه کلهم نورواحدند)
امام صادق علیه السلام میفرمایند،اگر زمان اورادرک کنم حاضرم تمام عمردرخدمت ایشان باشم ودرفکر ایشان گریه وزاری میکردند.

درس ظلم ستیزی واجتنا ب از پذیرش ظلم:

۲-ظلم ستیزی با کفار ومنافقین :در مقابل ظلم و ستم و زورگویی تا پای جان استقامت ورزید. و فرمود من زندگی با ظالمان را جز ذلت و خواری نمی دانم و کشته شدن در راه آزادگی را جز رستگاری نمی دانم.ظلم ستیزی آنقدر تاکیدشده،که بر قبورمنافقین نه توقف کنید ونه نماز بخوانید.(چون منافقین ازکفاربدتروخطرناکترند،چون دروغگوئیشان کمترین نکبتشان است)
۳-تعین وتائید اسلام :در راه رسیدن به هدف از اتمام حجت و هدایت دیگران چه در راه رسیدن به کربلا و چه در مقابل لشکر یزید و فرماندهانش به عنوان امر به معروف و نهی از منکر دست از این ضرور ت دین برنداشت. ومی فرمود :هر گز هدف،وسیله را تو جیه نمی کند .
۴- اتمام حجت:در روز عاشورا شروع کننده جنگ، لشکر یزدیان بودند و حتی قبل از روز عاشورا موقعی که حُر سد راه امام شده از طرف یاران امام پیشنهاد جنگ داده شد ولی ایشان ابتداء به جنگ را نپذیرفتند.
۵- آزادگی ،وآزاد اندیشی وآزادیخواهی : به زور، یاران را در صحنه جنگ نگه نداشتند و حتی پیشنهاد نمودند از تاریکی شب می توانید استفاده کرده و از صحنه گریز نمائید. آنان که ماندند، جایگاه خود را در بهشت دیدند. به همین دلیل شب عاشورا همه شاد بودند و حتی با یکدیگر شوخی می کردند.
۶-یقین کامل : با یقین عمل کردندو دیگر هرچه تکلیف است باید انجام داد و در این راستا خوف و ترسی و نگرانی نداشتند. اِنَّ اولیاءَ الله لا خوفٌ علیهم و لا هُم یحزَنون. (همانا کسانی که دوست خدایند نه ترسی دارند نه غصه ای) . میوه یقین، توکل ، اخلاص ، تحمل مصیبتهاست ویقین انسانها موقعی تحقق می پذیرد که به اصلاح نفس پرداخته باشد .در حکایت حضرت ابراهیم علیه ا لسلام که از خداوند متعا ل سئوا ل می کنند، زنده شدن چگونه است؟وخداوند می فرماید مگر ایمان نداری؟ ابراهیم میگوید،ایمان دارم ولکن لیطمئن قلبی .لذا خداوند دستور میدهد ،چهار مرغ (طاوس ،خروس ،کلاغ ،وکبو تر) را سر شان را ببرد وتن آنان را مخلوط کرده وآنان را در با لای قلعه ده کوه قراردهد وسر های آن چهارمرغ را در دست گرفته و هر کدام راجدا گانه صدا کند.وابراهیم علیه ا لسلام چنین کرد ،وبه قدرت پروردگار اجزا واعضای هر مرغ به سر خودش می پیوندد ویقین حضرت ابراهیم کامل می شود.در تفسیر است که چهار مرغ مذ کور هر کدام دارای صفت زشتی هستند ،طاوس دارای صفت قبیح تکبر است،همان صفتی که شیطان رابعد ششهزار سا ل عبادت رانده درگاه ا لهی نمود. وخروس دارای صفت زشت شهوت پرستی است وکلاغ

دارای صفت زشت آ ما ل وآرزوهای طو لانی است وکبو تر دارای صفت قبیح لهو ولعب است وانسان کا مل همه امور نفسی را در اختیار خود دارد نه اینکه تابع آنها با شد. و اما م حسین علیه ا لسلام به یقین رسیده بودنند ،زیرا اسوه آیه یا ایتهل النفس المطمئنه ارجی الی ربک راضیتا مرضیا فدخلی فی عبادی والدخلی جنتی (ای نفس مطمئن بیا بسوی پروردگارت که او از تو راضی وخشنود است ،پس داخل شو جزء بندگانم و داخل شو در بهشت خودم . در قرآن کریم یکی حضرت ابراهیم ودیگری حضرت امام حسین (طبق آیه مذ کور) را بعنوان نمونه افرادیکه به یقین رسیده اند مطرحند . کسانیکه در صد د اصلاح نفس خود هستند، و از خرد گرائی وعقلمندی استفاده می کنند،به یقین میرسند. موانع یقین شش مورد است که بطوراختصار عبارتند از: ۱-عجب وغرور ۲- مزاح وشوخی بیش از اندازه ۳-همنشینی با افراد نادان ۴- غضب ۵- گوش نکردن به گفتار خردمندان وسا لمندان با تجربه۷-پر حرفی، یکی از آفتهای پر حرفی ،کم عقلی و خطا و گناهان زبان است .و پر حرفی روی عقل انسان ،اثر منفی میگذارد .

درسی دیگر از عاشورا، رَجَز خوانی یاران آقا اباعبدالله الحسین و خود ایشان می باشد و کسانی رجز می خواندند که اولاً شجاع بوده و هیچ ترس و واهمه ای از مرگ نداشته باشند و ثانیاًدارای فضیلت های خانوادگی بوده باشند، که در روی زمین جزء آقا اباعبدالله الحسین در آن روز با فضیلت تر و عالم تر و شجاع تر و محقق تر از ایشان بر خلافت حقه جد بزرگوارشان نبود و پیروی همه مسلمانان از ایشان واجب بود و امتناع و سرپیچی از ایشان موجب خزلان، دنیا و آخرت خواهد شد.

۸- فرماندهی : مدیریت خانواده و سپاه را به بهترین آرایش و توصیه ها سفارش و اسقرار دادند به طوری که فرمانده یمین و یسار و قلب لشکر را تعیین نمودند و در لحظه آخر که از حضرت زینب پیراهنی خواستند و پیراهنی تنگ برای ایشان آورده شد، قبول نکردند و پیراهن راحتی خواستند.

۹- بصیرت : با بصیرتی که داشتند و بنا به مصالحی حضرت سجاد علیه السلام مریض بودند رسالت اسراء را به خواهرشان زینب واگذار نمودند و ایشان را علت باقیه تعیین نمودند و کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود ولی با افشاگری حضرت زینب کل یومٍ عاشورا و کل اَرضٍ کربلا را محقق نمودند.

۱۰- رعایت حدود وحکم الهی :رعایت موازین شرعی و حدود الهی در بدترین شرایط جنگی و آن خواندن نماز بود که منجر به شهادت چند نفر از محافظین گردید. لذا نماز اول وقت را برای هیچکاری نباید به تاخیر انداخت(مگر حفظ مال و جان و آبرو) و نماز امام برای حفظ دین بود که از مال و آبرو و جان مقدم تر است.

۱۱-لقمه حلال : کسانی که لقمه هایشان حلال و طیب است از فکری و بصیرتی پاک برخوردارند و فکری شفاف وسالم دارند،اثر لقمه حلال قبول حق وحقیقت است. لذا موعظه و نصیحت و ارشاد را دوست دارند، اگرچه به اهدافشان نرسند .و برعکس کافر همه را به کیش خودمی پندارد. اگر کسی از راه حرام وگناه بخواهد به مقصد برسد،هر گز نمی تواند به مقصد برسد ،زیرا ید الله فوق اید یهم (دست قدرت الهی با لا تر ین دستها ست).

۱۲- وفای بعهد : وعده خداوند حق و حتمی است، ولی وعده شیطان و سلاطین و صاحبان ظلم و جور سراب است، لذا آنچه امام به یارانش گفت محقق شد ولی آنچه به یزیدیان وعده داده بودند یا وفا نکردند و یا به حداقل دهان آنها را بستند. شرف و دین خود را یزیدیان فروختند که چی بخرند.

۱۳-مقدس مآبی: دینداری که دچار یک سری کارهای روزمره گی و تکرار و صرفاً جهت ثواب و اجر آخرتی و کسب بهشت باشد تا جائی که به خود و مال و خانواده اش کوچکترین ضرری نرسد و سعی کند در کسب دنیا از دیگران عقب نماند منجر به کوردلی و بی بصیرتی شده و حداقل راضی به ظلم و جور ظالمین خواهد شد ولی آقا اباعبدالله درس بصیرت در دین و توجه به احکام و آیات الهی با درک کامل آن را به بشریت آموزش داد.

حسین فرمودند: اگر مردم مرگ را آنگونه که باید و شایسته است، درست درک می کردند و به امام آن می اندیشیدند هر آیینه

دنیا خراب می گشت.

من بزودی می روم و مرگ بر انسان جوانمرد عار نیست، مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است.

۱۴-اتمام حجت با یاران:در شب عاشورا، تاریکی شب بر همه جا سایه افکنده و سکوتی عمیق همه را به فکر فرو برده بود، تنها صدایی که به گوش می رسید، کلمات روحبخش و دل انگیز مردی بود که از اعماق وجودش سخن می گفت و چون سخنانش از ایمان کامل و ولایت علی بن ابیطالب و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نشأت می گرفت بر جسم و جان اثر می گذاشت.

۱۵-مدیریت بحران : امام می گفت بیعتم را از شما برداشتم به هرکجا می خواهید بروید، از تیرگی شب استفاده کنید، فردا روز جنگ است و مسلم هرکس در در اینجا بماند کشته خواهد شد، تصور نکنید فردا بر دشمن پیروز می شوید و غنیمت به چنگ می آوریو و به حکومت و سلطنت می رسیم. اگر شرم و حیای شما از من مانع از آن است که مرا ترک کنید، سرم به زیر می اندازم تا آزادانه به هر کجا می خواهید بروید و جان خود را نجات دهید. از این فراز نتیجه می گیریم در این شرایط حساس امام با کمال صداقت و راستی با حاضرین سخن گفتند و این خود درسی است در شرایط سخت زندگیمان با دیگران.

۱۶-نقض عهد در مقابل امام معصوم : گروهی آرام آرام در دل شب از نظرها ناپدید شدند، لحظاتی بدین منوال گذشت و سرانجام عده ای که تن به قضای الهی سپرده بودند و مرگ را با آغوش باز پذیرفته بودند ماندند، درسی می گیریم که عهد نابستن به از آن است که ببندی و نپائی.

۱۷-وفاداری یاران : ا مام پس از فرونشستن هم همه ها، سربرداشتند و خطاب به یاران فداکار و جانبازان رشید خویش فرمودند: عزیزان من، سپاهیان یزید با من جنگ دارند و مقصود آنها این است که مرا از پای در آورند، شما خون خود را مریزید و به دیار خویش بازگردید ناگهان خروشی از جمعیت مانده برخاست و همه یک دل و یک زبان گفتند آیا برویم و شما را به دشمن واگذاریم، آیا ما زندگی کنیم و سپاهیان پلید یزید، دستهای ناپاک خود را به خون شما بیالایند، مرگ برای ما از این زندگی گواراتر است. از این فراز استفاده می کنیم که همانطوری که پیامبر به مؤمنین از خودشان اولی تر بوده است چه برسد به ماه و مقام و آبرویشان

ما شیعیان بایستی در پیاده شدن اوامر الهی و پیامبر اکرم و مراجع محترم، خواسته های آنان را بر خود مقدم بداریم و مطمئن باشید که هم در دنیا و هم در آخرت چندین برابر جبران خواهد شد.

۱۸-خدعه دشمن: روز عاشورا علمدار لشکر ابوالفضل العباس بودند و حتی شمر امان نامه ای برای حضرت عباس آورد که ایشان جواب دندان شکنی به وی دادند ولی شرمنده امام حسین علیه السلام شد، درسی که از این فراز می گیریم افرادی مانند شمر که برای دنیا خود از دروغ و تزویر و دین فروشی و قتل نفس زکیه ابائی ندارد، فکر می کنند بقیه هم قابل خریدند و در صورتی که زهی خیال باطل که قیمت حضرت عباس از صدها لشکر یزدیان بالاتر بوده و هست.

۱۹-تشنگی: حالتی بود که در آن روز گرم تاب و توان را از همه بخصوص کودکان و رزمندگان عاشورا گرفته بود. ولی محروم شدن از آب، کامیاب شدن را به دنبال داشت زیرا کلمه محرومیت بار منفی دارد. هیچکس دوست ندارد محروم باشد، اما اگر محرومیت را در مقابل اشباع و قبل از کامیابی قرار دهیم نه تنها بار منفی نخواهد داشت بلکه وجودش ضرورت هم پیدا می کند، لذا گفته اند:

آب کم جوی تشنگی آورد بدستتا بجوشد آب از بالا و پست

۲۰-سقای کربلا :حضرت عباس برادر ناتنی امام بودندولی خدمات وفداکارهایشان ازبعضی از برادان تنی ستوده تربود،چون معرفت امام شناسی ایشان کامل بود.عباس بمعنای شیربیشه است.واین لقب بخاطر تبحر در جنگ وستیز با دشمنان بوده بطوریکه بعضی اورا

در نبرد بـا امیرالمومنین شبیه کردنـد.نـام دیگرعباس قمر بنی هاشم(ماه بنی هاشم)ونام دیگرایشان علمـدار کربلا،بطوریکه تمام پرچم ودسـته پرچم سـوراخ سوراخ شـده بود ولی محـل گرفتن پرچم سـالم که حـاکی ازقـدرت علمـدار است.دروصف او ژولیـده شـاعر معاصرچنین سروده است:

چشم هااز هیبت من در تاب بود محوچشمم،چشمهاوچشم من بر آب بود

چشم گفتم،چشم دادم،چشم پوشـیدم زآب من سـرا وپـا چشم وچشـمم جـانب اربـاب بود مأموریت حضـرت ابوالفضل العباس برای آوردن آب از طرف امام و برادر بزرگوارشان ابوالفضل العباس شیرمردی بود که کسـی جرأت مبارزه کردن با ایشان را نـداشت. و برای آوردن آب چند مشک آب به فرات برد و با تشـنگی زیاد به توصـیه پدر بزرگوارشان درماه مبارک رمضان و احترام امام خود از خوردن آب امتنـاع ورزیـد تـا از کوثر و آب حقیقی سـیراب گردد. پس از پرکردن مشـک ها به طرف خیمه ها حرکت نمود که چنـد پلیـد شـیطان صـفت با کمین نمودن در پشت نخلها و تیرانـدازی و محاصـره نمودن ایشان بطور ناجوانمردانه دو دست ایشان را قطع نمودنـد ولی بـا قـدرتی که ایشـان داشـتند با مهارت سواری که داشـتند با دنـدان های مبارکشان مشک آب را گرفته و به خیام اباعبدالله الحسـین حرکت نمودند و امیدوار بودند، تا جائی که نامردی تیری به مشک پرتاب نمود. و با کمین نمودن دشـمنان از راه دور به تیراندازی و حملات شمشیر و نیزه در حالی که ایشان را محاصره نموده بودند، ناجوانمردانه دو دست ایشان را قطع نمودند و نهایتاً به شـهادت حضرت ابوالفضل علیه السلام انجامید، در حالی که لب تشنه بود و در فرات اگرچه می توانست آب بنوشد ولی به احترام برادر بزرگورشان صـرف نکرد.امام سـجاد علیه ا لسـلام فرمودنند،خداوند رحمت کند عمویم حضـرت ابو ا لفضل العباس را ،که با ایثار و جانبازی ،خود را فدای راه برادرش نمود تا اینکه دستها یش قطع وشهید گردید .ودو با ل به او عنایت شد، تا با ملائکه در بهشت پرواز نماید.

هر گل که شکفته شدگل یاس نشد هر سنگ درخشنده که الماس نشد

آمد به جهان فزون علمدار سپاه در رتبه کسی حضرت عباس نشد

در زیارتنامه ایشان می خوانیم السـلام علیک یا عبـد الصالـح المطیع لله ولرسوله ولامیرالمومنین سـلام بر توای بنـده صالـح خداوای کسیکه مطیع پیامبر وامیرالمومنین وامام زمان خود بوده ای،بطوریکه در سن ۳۵سالگی آثار سجده در پیشانیش آشکار بود،ودر همه زمینه ها بصـیرت نافض داشـتند واگر چه امام نبودند،ولی در ذهد وتقواوعلم وقدرت وذکاوت زبان زد بودند.بطوریکه خواسته های مردم بعضا بوسـاطت ایشـان توسـط امـام حسن مجتبی وامـام حسـین علیهم السـلام به اجـابت میرسـید.دیگر اوصـاف وکرامـات آن بزگوارآنقدر زیاد است که خود کتاب جاگانه ای را می طلبد.

عدد عباس (علیه السـلام) به حروف ابجد ۱۳۳ می باشد که مطابق است با کلمه باب حسـین (علیه السلام)و کلمه صاحب الزمان واز ختم های مجرب آنست که اگر کسی حاجتی دارد در یک مجلس یکصدوسی وسه مرتبه بگوید:یا کاشف الکرب عن وجه الحسین اکشف کربی بحق اخیک الحسـین علیه السـلام (ای برطرف کننده اندوه ازچهره حسین ،برطرف کن اندوه مرا بحق برادرت حضرت حسین علیه السلام)خداوند حاجتش را برآورد.

(سحاب رحمت– صفحه ۴۹۸)

۲۱–شـهادت:شـهادت شـهامت است، آخرین فردی که در مقابل یزدیان حمله کرد و از حریم اسـلام محمدی و خیاماهل البیت دفاع کرد، امام حسین علیه السلام بودند که هفتاد و یک تن شهید را شاهد بودند و برای اتمام حجت نهایی از قدرت لدنلی استفاده نمود که با هر حرکت و حمله فوج لشـکر یزیـدان راقلع و قمع می نمود و کسـی جلودار ایشان نبود تا جائی که فرماندهان لشـکر نزد عمر سعـد آمدنـده و گفتنـد مـا قادر به کشـتن حسـین بن علی علیه السـلام نیستیم، عمر سـعد لعنت الله علیه ایشان را تحقیر نمود و گفت چگونه ممکن نیست، گفتنـد او فرزنـد علی علیه السـلام است و کسـی را یارای مبارزه با او را نـدارد، لذا با ناجوانمردانگی از دور و

نزدیک با شمشیر و سنگ یکباره بر آن بزرگوار حمله ور شدند و کاری کردند که شیطان را مسرور نمودند. ودر این راستا بی حیایی را به حد اعلا رساندند که بعضی از وقایع عاشورا را مانند جسارت ساربان جهت بردن غنائم قلم از ادای آن قاصر است ولی در زیارت ناحیه مقدسه که یکی از زیارات مشهور و مطلقه امام حسین علیه اسلام است. این زیارت از امام زمان علیه السلام صادر شده و صحنه کربلا و حادثه بزرگ عاشورا را به زیباترین وجه در مقابل چشمان اشکبار و قلب داغدار شخص زائر مجسم می نماید و او را در متن واقعه عاشورا قرار می دهد و آنگاه که سراسر وجود انسان را سرشار از عشق و معرفت کرده، جانش را تولی و تبری مأنوس می سازد و سلام بر امام حسین علیه السلام و یارانش و بیزاری از یزید و یزیدیان تاریخ را ورد قلب و زبانش می نماید، مزد سالار شهیدان علاوه بر احیای دین جدشان و استمرار راه و روش ایشان و دیگر ائمه اطهار تا ظهور آخرین ذخیره ولایت، وخداوند شفای امراض را درتربت قبر او(نشانه تربت حقیقی ایشان این است که روز عاشوراآلوده به خون میشود)واجابت دعا را درزیرقبه او(انشا الله)وشفاعت امت جدش را(به شرط اینکه حق الناس بگردنشان نباشد)در قیامت قرار داده است .

۲۲- پناه رانده شدگان:

هرکسی از هر دری رانده شده و از همه کس مأیوس باشد، پناهگاهشان مقد متاً اهل البیت هستند و نهایتا خداوند متعال، لذا هر کسی بطریقی به دین الهی وصل شود و محکم آن را بگیرد و از حریم دین دفاع نماید، خداوند متعال او را آنقدر قدر و منزلت و اعتبار می دهد که در زمین و اسمان از او با عظمت یاد کنند. و امام حسین علیه السلام الگو بوده و هست.

۲۳- رنگ دین:

بهترین رنگها در دنیا و آخرت، رنگ بندگی و دینداری واقعی است و چه زیباست شخص دیندار که رنگ عوض نکند و در هیچ شرایطی دین به دنیا نفروشد و امام حسین علیه السلام در این مورد هم الگو و اسوه بوده و هست. سربلند ی ار که خواهی با همه یک رنگ باش****قالی از صد رنگ بودن زیر پا افتاده است

۲۴- عبو دیت واقعی :عبد واقعی سه نشا نه دارد .

عبد واقعی ، خودش را ما لک نبیند بلکه ، خود را امانت دار بدا ند .

عبد واقعی ، هر چه در زند گیش پیشآ مد (موارد غیر منتظره وغیر پیش بینی شده) پیش آید را مصلحت خدا میداند، وغم وغصه ای ندارد .

عبد واقعی ، درهر زمان و در هر مکان ، راضی به رضای خداست .در غیر اینصورت تو در بند خویشی ،نه در بند دوست وخلاف طر یقت بود که از خدا ،جز خدا طلب کند. لذا امام حسین علیه ا لسلام عبودیت خود را از طفو لیت الی عرفه والی کربلا به سرحد نهایت رسا نیدند،تا جا ئیکه خداوند متعال آیه یا ایتهل النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیتا مر ضیه فدخلی فی عبادی ودخلی جنتی (ای نفس مطمئن که به حقیقت عبو دیت وبندگی رسیدی،بپیوند به دیگر بندگانم وداخل شو در بهشت خودم) را به وی اطلاق کرد .

۲۵- تقوا:

کسی که شیرینی گناه را تعطیل کند به تقوا می رسد.

گناه لذت آنی و زودگذر دارد، ولی خستگی گناه طولانی و عذاب آور است . تا مادامیکه توبه کند و به شرایط توبه همچون حرّ عمل کند.

بنده ای که تقوا ندارد، بد دل است و کینه توز و این شخص همچو ظرف کثیفی است که هرچه داخل آن ریخته شود، اگر تمیز و مرتب و شیرین و گوارا باشد به علت کثیفی ظرف آن چیزهای تمیز را هم آلوده و کثیف می کند، مثل ثروت حلال و پاک که آمیخته به ثروت حرام و کثیف شود، همانند ویروس همه آنها را بی برکت و حرام می کند تا مادامیکه آنچه حرام ومال کثیف بوده

از ثروت حلال و پاک خارج شود.

۲۶- پختگی:

مراحل پختگی هر چیزی با گرم شدن و داغ شدن و پخته شدن است، ولی بعضاً در مرحله گرم شدن می رسند و متوقف می شوند و مجد داً سرد می شوند.

و بعضاً در مرحله داغ شدن می رسند و متوقف می شوند و مجد داً سرد می شوند.

ولی بعضاً دو مرحله قبل را طی طریق نموده و به مرحله پختگی می رسند، حال اگر سرد شوند، دیگر به خامی بر نمی گردند، لذا افرادی که در دینداری پخته شوند و مراحل اعتقادی خود را به یقین برسانند، محال است دیگر به بی ایمانی نزول کنند، مگر در مراحل تحقیق و شک که همان گرم شدن است ، بوده باشند. آقا امام حسین علیه السلام، سرآمد پختگان تاریخ بشریند، زیرا هیچ چیز جلودار ایشان در لقاء الله و رسیدن به هدف مبارکشان که همان اهداف جد بزرگوارشان و پدر و برادر گرامیشان بود مانع نشد و از این آزمایش بزرگ سربلند و پیروز شدند.

ایشان زندگی جاویدان را که پس از زندگی چندساله دنیاست، ترجیح دادند و به پیروانشان راهنمایی کردند که بهای بهشت در دنیا کسب می شود و در عالم برزخ و قیامت برداشت زراعت دنیاست، بنابراین کسانی که به پختگی ایمان رسیده اند، اگر حقی از ایشان ضایع شده به دفاع می پردازند، اگر طرفشان فردی مؤمن و موحد است، با او مدارا و حتی گذشت می کنند، ولی اگر طرفشان فردی معاند و فاسق و فاجر و لامذهب، مثل یزید و بنی امیه است تا پای جان مبارزه کرده و در آخر الامر اگر به مقتضات زمان و مکان نتوانست و توان بیشتری برای احقاق حق خود نداشت آن را به خداوند و ائمه معصومین واگذار می کند . که ایشان را کسی یارای استقامت و دفاع ندارد و شکست ناپذیر مطلقند. و قطعاً هم در دنیا و هم در اخرت عقوبت افراد خاطی به شیعیانشان را خواهند داد. (لذا در احقا ق حق بهترین رویه ،روش حضرت فاطمه زهرا علیهم السلام است.)

زیرا پیامبر اکرم فرمودند: کسی که ابتداً مخاصمه بین دو مسلمان را ترک کند برای او بهشت را تضمین می کنم(البته به شرطها و شروطها) بطور یکه (ترحم بر پلنگ تیز دندان نباشد *****ستمکاری بود بر گوسفندان) نباشد.

۲۷-استقامت تا پایان جان:

نقل است ، مسئله خمس مال که برای مسلمانان مطرح شد، بسیاری از مسلمانان زبانی زیربار نرفتند و از دادن خمس امتناع ورزیدند، لذا پیامبر اکرم با جمعی از یارانشان به تائب رفته و قصد هدایت و راهنمایی داشتند، ولی مردم تائب به مقابله با حضرت و یارانشان برخاسته و با چوب و سنگ به ایشان حمله ورد شدند.

دختری فرزانه یهودی به پدر خود گفت: پدرجان محمد(صلی الله علیه و آله) دعوی پیامبری می کنند و من در تورات موسی و انجیل حضرت مسیح تحقیق کرده ام و هر دو پیامبر سلف خبر آمدن پیامبر آخرالزمان را در تورات و انجیل داده اند، اجازه بدهید من بروم و با ایشان صحبت کنم اگر او حق گفت و من حقیقت برایم ثابت شد شما هم بپذ یرید و الا د ین او را نپذ یرید.

پدر قبول کرد و آن دختر به ملاقات پیامبر رفت، بدون مقدمه پیامبر فرمودند تو فرزند فلان شخص یهودی هستی و پس از مطرح نمودن حقایق تورات و انجیل دختر به پیامبر ایمان آورد و در مراجعت به پدرش گفت پدرجان به من ثابت شد که محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست، پدر دختر که مردی متعصب و معاند بود به دخترش توهین کرد و از او خواست که دست از ایمانش بردارد لذا او امتناع کرد و با ضربه پدرش نقش بر زمین شد و او را تهد ید کرد ، اگر از ایمان جدیدش دست بر ندارد ،او را خواهد کشت و چون دختر فرزانه اسقامت و پایداری به عقیده و دین محمد صلی الله علیه و آله نمود بر هر کف دست دخترش یک میخ کوبید و دو میخ در چشمانش و یک میخ در قلبش تا جائی که کلمات اشهد ان لا اله الا الله محمد رسول الله دختر قطع شد.

پدر ناراحت و غمگین شد از او سوال کردند برای مرگ(شهادت) دخترت ناراحتی ،پدر گفت نه برای اینکه نتوانستم او را از عقیده

اش منصـرف کنم ناراحتم، ببینید چه خونهایی پای درخت اسـلام عزیز ریخته شده ،تا این مذهب به دست من وشما رسیده است .از طرفی درس می گیریم پـدر مسائل را ازپائین ومادی می نگرد ولی دخترمسائل زنـدگی دنیا از بالا وجنبه توحیدی واینکه دنیا مزرعه آخرت است،وبرزخ وقیامت برداشت زراعت وکاشت دنیاست.لذا با آغوش باز وسکینه قلب شهادت را می پذیرد.

۲۸-روش زندگی:

رویه زنـدگی پیامبرو ائمه اطهار علیهم السـلام ، همگی بر مبنای سادگی و پاکی و صـداقت و بنـدگی خداوند اسـتوار بوده و هسـت ولی خلفای ناحق و معاویه و یزید و... تصـمیم به جایگزینی اشرافیت و پادشاهی و پیروی از اوامر و دستورات نفسانی(شیطان درون) و ابلیسـی نمودنـد و در این راسـتا از هیچگونه جنایت و دروغ و تجاوز و طغیان و بـدعت فروگزاری نکردند. زیرا دنیا برایشان نقد و آخرت که جزء امور غیبی و اعتقادیست نسیه است. پیامبران و ا ئمه اطهار هم حرفشان برحسب ظاهر نسیه و غیرشـهود بوده است تا افراد امتحان و درجه ایمان آنها مخفی شود.

شیطان و شـیطان صـفتان به نقد و شـهود می اندیشند، چون به مسائل غیبی و قیامت(که نسیه است) اعتقادی ندارند، امروز هم تکرار همـان روزهای تاریخی است، بنابراین بایـد به حجت الهی در زمان فعلی که حضـرت بقیـهٔ الله اعظم روحی لک الفـدا و مراجع عزام توجه و تبیعت کنیم.

۲۹- آرامش در دین:

هر شخصـی در دنیـا یـک قلب دارد که کـارش پمپاژ نمودن خون در سراسـر بـدن است ولی قلب مؤمن عرش الرحمان است. مؤمن دارای قلب مطمئنه است زیرا قلبش نه برای دنیاست نه برای آخرت، بلکه برای اطاعت از مولای مطلق خود که خـداست و نماینده او که حجت هرعصـر و زمـان است و دیگران قلبشـان یـا تمایـل به دنیـاست که فقط دنیایی فکر می کننـد و دنیایی عمل می کننـد و یا تمایـل به آخرت دارد که برای آخرت تجارت می کننـد و هرکاری را به آخرت ربط می دهنـد. عظمت انسان به طرز فکر و عمل و ایمانش بسـتگی دارد، نه به ثروت و مقام و آن هم از نوع غصب و حرامش، ای انسان تو موجود با ارزشـی هستی تو باید خلیفه خدا باشی نه نماینده شیطان و در طی راه از هیچ چیز و هیچکس نهراسی زیرا و من یتوکل علی الله فهو حسبهٔ هرکس به خدا توکل کند، او را کفـایت می کننـد.خداونـد متعال ،جن و اانسان را خلق نکرده ، مگر برای عبادت وبنـدگی واین عبودیت وبنـدگی بخود انسان تعالی وشخصـیت میدهد.والا خداوند متعال هیچگونه نیازی به هیچ موجودی ندارد.و میفرماید :من نکردم خلق تا سودی کنم *بلکه بر بندگام جودی کنم

۳۰- مشکلات در زندگی مشکلات با زندگی:

همه انبیاء و ائمه معصومین در زندگیشان مشـکلاتی داشـته اند و زندگی آنها بر حسب ظاهر با ناملایمات و مخالفتها و سـختی هایی توأم بوده ولی بعد از اینکه عمل به تکلیف نموده اند دیگر به آنچه خداوند متعال برایشان مقدر کرده است راضـی بودند وهسـتند و با زندگیشان بطور مسالمت آمیز کنار می آیند و با زندگی سرجنگ نداشته ،و ندارند. لذا چون راضی بودنند از آرا مش بر خوردار بودنند،وهستند.

گناهان دنباله دار و استمرار یافته:

بعضـی از گناهـان در یک مقطعی شـروع و در همان زمان به پایان می رسـد که یا توسط توبه و یا تلافی نمودن و حلالیت طلبیـدن، خاتمه می یابد، ولی بعضـی از گناهان علاوه بر اینکه از اقدام کننده، توبه و تلافی و حلالیتی بعمل نیامده و اثر آن گناه تا نسل های آینـده و بعضاً تا ظهور حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف ادامه می یابد و دیگران هم به آن گناه بدعت عمل می کنند، لـذا اینگونه گناهان ،دنباله دار و اسـتمرار یافته می گویند که هرچه به آن گناه عمل شود به حساب بنیانگذارش هم حساب می شود

و گناه عاملان هم به حساب خودشان است.

اللهم العن اوّل ظالم ظلمه بحق محمد و آل محمد و آخر تابع له علی ذالک

خداوندالعنت کن اول ظلم کننده را بحق محمد و اهل البیت محمد و آخر کسی که تابعیت می کند از آن ظالم.

از جمله گناهان دنباله دار نگفتن بسم الله الرحمن الرحیم با صدای نسبتاً بلند و آشکار و حذ ف جمله حی علی خیرالعمل در اذان و حذف اشهد ان علی ولی الله و نسخ نکاح متعد د و محدود کردن مهریه زنان به بیش از چهارصد درهم و کتمان حقیقت تا وقت مرگ (النار و لاعار) و تبعیض طبقانی و مخلوط نمودن حق و باطل و باطل را توجیه کردن و هدایت و رهبری و امامت را با حکومت پادشاهان عوض نمودن و .... همه جزء گناهان دنباله دارند.

۳۱–ظرفیت وجودی افراد در دنیا و آخرت:

ظرفیت یعنی گنجایش و تحمل و مقاومت در اوامر و نواحی قدرت مطلقه حضرت باری تعالی، بنابراین هرچه ظرفیت پذیرش انسان بیشتر باشد، عنایت پروردگار هم افزایش می یابد مثلاً ظرفیت پیامبراکرم اگر دریا باشد بعضی ظرفیتشان به اندازه یک کاسه یا یک قطره است و بعضی ظرفشان وارونه است و قابلیت پذیرش هیچ چیز و منطقی را نخواهد داشت.لذا انسا نهای عادی چون معصوم نیستند ،نه لیا قت هدایت کامله را دارند ونه ظرفیت کامل را،چون هدایت با شکر گذاری رابطه مستقیم وتنگا تنگ دارد .وگناه اگر توبه وباز گشت نشود منجر به گمراهی است . امت اسلام تا زمانیکه پیامبر در میان آنان باشد،عذابی برایشان نازل نمی شود(حتی بعد از شهادتشان) لذا خداوند به مسلمینی که گناه می کنند ،غضب کرده وگرانی وکوتاهی عمر وسود نکردن تجار وخشک شدن دریاها وروخانه هاوحبس نمودن باران و امورشان را به افراد بی کفایت و نامرد وامی گذارد.ریشه غضب ا لهی در بی ظرفیتی وگناه بندگان است وشکر گذاری (نه تنها با ذکر وقلب ،بلکه با جوارح واعضای بدن) موجب پیدایش ظرفیت و نزول نعمت خواهد شد.

داستان های قرآن کریم برای درس و عبرت و آموزش ما انسانهاست لذا چنانچه همه انسانها ظرفیت پیامبر را داشته باشند تا حایی که به درجه پیامبران سلف برسند، برای افاضه فیض خداوند متعا ل هیچ کار دشوار و غیرممکنی نخواهد بود بعضی داستان حضرت یوسف را که احسن القصص قرآن است، فقط بطور سطحی و اتفاقی و شانسکی نگاه می کنند و می گویند حضرت یعقوب پیامبر، یک پسرش را از دیگران بهتر دوست می داشت و این دوست داشتن ایجاد حسادت و دشمنی با دیگر برادرانش شد و برادران او را به بهانه بازی و گردش همراه خود به چراگاه بردند و تصمیم داشتند او را بکشند که با وساطت یکی از برادرانش او را به چاه انداختند و برحسب اتفاق کاروانی از آن محل می گذشت و او را از چاه بیرون کشید و الی آخر...

درس این داستان از قرآن این است که چرا پدر(حضرت یعقوب) او را بیشتر دوست می داشت جواب اینکه او با دقت و با ادب و متد ین تر از دیگر برادرانش بود و خداوند بخاطر ظرفیت بالا-یی که او از خود نشان می داد، اراده نمود که اورا به اوج عزت و شوکت برساند و هرچه یوسف اذیت می دید از دیگران، در عوض به آنها خوبی می کرد و برای هدایتشان به درگاه خداوند دعا می فرمود.درخبربدین مضمون آمده است که حضرت یعقوب درفراغ یوسف بسیارگریه میکرد.تا اینکه همسا یگان به در خانه یعقوب آمدند وگفتند ،مدتی است از یوسف خبری نیست،حضرت یعقوب با ناراحتی ابراز داشت ،بله این چنین است،ولب به شکوه وشکایت گشود،که ناگهان چشمش سفیدونا بینا گردید.علت را از خداوند جویا شد،وحی آمد هر آنچه به آن علاقه داری واز دست دادی وبرایش اندهگین شدی شرك است،و هرآنچه محبوب تو بود واز دادی ومتاثر شدی کفر است،مگر در راستاما، لذا در قرآن آمده است، به حقیقت ذهد وایمان نخواهید رسید تا اینکه،آنچه دوست دارید اگر از دست دادید ناراحت نشوید،واگرنعمتی بشما روی آورد،آن نعمت را از جانب خداوند بدانیدوزیاد خوشحال نشوید.

و باید توجه داشت هر فکر و اندیشه و عمل ما در زندگی خودمان و حتی در نسل آیندگان مؤثر است.و این تاثیرات، همگی در زندگی برزخی و جاویدان ما مؤثرند، که گفته اند:

نطفه پاک بباید که شود شامل فیض **********ورنه هر سنگ و گلی لولو و مرجان نشود

پایبند بودن به قول و قرارداد:

در اسلام طبق آیه فی عهد هم راعون مسلمان موظف است به قول و عهد خود وفادار باشد اگرچه طرف مقابل خلف وعده نماید. لذا قرارداد صلح امام حسن علیه السلام برای برادرشان امام حسین علیه السلام محترم بود اگرچه از همان اول معاویه بن ابی سفیان قرارداد و مفاد آن را نقض نمود، و معاویه ابتداً نقض قرارداد نمود، تا جائی که فرزند خبیثش را جانشین خود نمود، و یزید که فردی شرابخوار و قمار باز بود و میمون باز بود و به زور می خواست از امام حسین علیه السلام بیعت بگیرد که امام علیه السلام تا پای جان خود و عزیزانش مقاومت نمودند و این درس آزادی و آزادگی ایشان برای بازماندگان و نسلهای آینده است که اگر قرار داد از یک طرف نقض شده و لزومی به رعایت آن نیست.

مضافاً به اینکه بهشت محل استقرار انبیاء و پیامبران و ائمه اطهار و مقربان الهی است و کسانی که در دنیا با این گروه مخالفت می کردند و درصد د انتقاد و مسخره و اذیت و آزار اینان بوده اند، چگونه می خواهند در بهشت با خوبان باشند این امکان آنقدر محال است که بخواهیم، آب و آتش ،شب و روز و زشت و زیبا را با هم مخلوط کنیم و هیچ اتفاق ناگواری نیفتد.

استعمارگران غرب و شرق براین باورند که اگر بخواهیم به کشورهای مسلمان سلطه پیدا کنیم بایستی ولایت علی بن ابیطالب و فرزندانش را کتمان کنیم و با تزویر و ریا و نفاق حقانیت حضرت علی ابن ابیطالب و شیعیان را کتمان نمائیم آن وقت می توان مسلمین را تحت سلطه خود در آوریم. لذا با ایجاد شبهه و دروغ و دنیا طلبی ایجاد تفرقه نمود که متاسفانه تا حدودی هم موفق شده اند. مگر اینکه بیداری مسلمین ادامه یابد و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهورشان محقق گردد.

۳۲- شفاعت آقا اباعبدالله الحسین و دیگر معصومین:

کلمه شفاعت به معنای واسطه و میانجیگری کردن، مقام پایین تر از مقام بالاتر و از شفع گرفته شده است، به معنای دو تا، ولی اینچنین نیست که مقام دون از مقام فوق اگر خواسته ای داشت، حتماً اجابت شود و اگر اجابت نشود مقام دون حق اعتراضی داشته باشد. در آیه ۶۴ سوره نساء خداوند متعال می فرماید:

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلاَّ لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَآؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُواْ اللّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا

و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به توفیق الهی مردم از او اطاعت کنند و اگر آنان به خود ستم کرده بودند پیش تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می‌کرد قطعا خدا را توبه‌پذیر مهربان می‌یافتند .

لذا مسأله شفاعت سنتی است الهی که حتی در مورد پیامبران سلف هم جاری بوده و هست حال اگر از امام معصوم که جانشین به حق پیامبر خاتم است شفاعت بخواهیم کاری منطقی و پسندیده است، نه شرکی که وهابیت به شیعیان افترا می زند.

و حتی فرزندان یعقوب در سوره یوسف بعد از اینکه متوجه شدند خطا کردند، نزد پدر آمدند و گفتند ای پدر برای ما از خدا آمرزش بخواه که ما گناهکار و از لغزشکاران بودیم.

و حضرت یعقوب گفت به زودی (صبر نمود تا شب جمعه فرا برسد و در آن شب دعا نمود) آ مرزش خواهم برای شما از پروردگار خود، همانا او است آمرزنده و مهربان. از آیات ۹۶ و ۹۷ سوره یوسف و چندین آیه دیگر، هر عقل سلیمی تشخیص می دهد که در مکتب تشیع بن بست وجود ندارد و اگر خدای ناکرده فردی دچار معصیتی شد و بلافاصله نادم و پشیمان گردید و به درگاه خداوند متعال توبه نمود و به مسئله برزخ و قیامت هم اعتقاد دارد و باید کمک شود که دیگر مرتکب گناه دیگری نشود، لذا باب شفاعت باز شد تا کسانی که به گناهی آلوده شده اند، در اسرع وقت توبه نموده و با وساطت یکی از معصومین به درگاه خداوند متعال رفته و خود را پاک نمایند. (

در روایت است افراد زاهـد و پرهیزگار و عابـد در قیامت با فوریت داخل بهشت می شونـد ولی افرادی ،همچون علماء با تقوا و ائمه اطهار و پیامبران تا پیروانشان وارد بهشت خواهند شد که پیروانشان هم حق شفاعت خواهند داشت ولی کمتر.

۳۳- درس دیگر: میـدان مسابقـات حق و بـا طـل ،وبـا طل با باطل و حق با حق بوده(وخواهـد بود ،چون کل یوم عاشورا وکل ارض کربلا).

در جوامع اروپـائی فعلی که قائـل به تسـاوی حقوق بـانوان وآقایـان در همه زمینه ها می باشـند ،تا جائی پیش رفته انـد ،که حتی در مسابقات شنا ،با وضع جاهلیت اولی ،در ماهوارهها به نمایش گذاشته شده،واین را برای خود افتخار ی مدانند ،در صور تیکه زیر لوا وفرمانـدهی شیا طیننـد، در قرآن کریم والمومنون والمومنـات ،مطر ح شـده وبر تری هر کـدام را به تقوا وعلم وعمل صا لحی که به طبقه هفتم برسد می داند.

در تقسیـم کـار بین آقـا یمـان امیر المو منین و فاطمه الزهرا، کار داخل خانه به حضـرت زهرا وکار خارج خانه به حضـرت علی علیه السلام واگذار شد. واز این تقسیم کار حضرت زهرا فو ق ا لعاده مسرور شدند.(البته این بدین مفهوم نیست،که اگر خانمی در رشته ای تخصصی پیدا کرد،یا مدارجی را طی نموده ،در خانه بماند و زحمات وی فنا شود، بلکه بایستی حضور این بانوان در مراکز لازم مشهود شـود ،بـا مـوازین فقهی و شـرعی (در غیر اینصورت بهـتر است ،در منزل از طریق دنیـای مجـازی مرتبـط شونـد ،که به گنـاه نیفتنـد.در کربلااهـل حق ،که شامـل امـام حسـین و اهـل البیت و یاورانشـان می شدنـد ،در مصـاف بـا یزیـدیان یک نوع مسابقه می دادنند،ودر سبقت گرفتن به دفاع و جهاد تا شهادت نوع دیگر،همینطور لشگر یزید ویزیدیان.

چقـدر خوب بود مسابقاتمـان از مسابقات امام حسـین و ابو الفضل وامامم حسـین وزینب ا لگو می گرفتنـد.حتی در امور خانوادگی جای مسابقات فرشته ها خالی ،واکثرا در صدد مسابقه شیطانی ودنیا پرستیند،مگر اینکه توبه از گناه کنند.

۳۴-درس دیگر: اینکه علل وریشه یابی عمل نکردن به حـدود الهی موارد زیادیست.ولی سه مورد آن در صـدر علل قرار دارد. وعبا ر تنداز:

۱-نداشتن علم ۲- نداشتن آگاهی ۳- زیر بار حرف حق نرفتن .

در مورد نداشـتن علم وآگـاهی اختصا ص به منافقین وکفار دارد .ولی درمورد زیر با نرفتن چه مجوزی داریم، من وشـما که ادعای شیعه بودن داریم ،بایستی از خط ومشی ائمه اطهار علیهم ا لسلام پیروی کنیم ،من باب مثال ،آقایمان امام صادق علیه السلام دوستی داشـتند،که یـک مرتبه به دیگری فحاشـی کرده بود.امـام رفـاقت خود را بـا او قطع کردننـد. لـذا رویه چهار ده معصوم برای شـیعیان حجت است ،نه اعما ل مردم جاهل یا مغرض.

۳۵- دعای توسل:

از جمله ادعیه هـای شـیعیان دعای توسل است که در این دعا از چهارده معصوم و خود خداونـد متعال اسـتعانت خواسـته شـده برای اسـتجابت دعاهای مشـروع شیعیان که وهابیت آن را شرک می داند، اولاً بنا به دلایل گذشته و صدها دلیل دیگر شرک نیست، بلکه توحید محض است ثانیاً کسـی که دعای توسل را می خواند به فراز یا وجیهاً عندالله اشـفعی لنا عندالله که می رسد با خود می گوید آن معصـومی را کـه مـن می دانـم درب خـانه آبرو دارد و او را شـفیع قرار می دهـم چه ویژگی هـایی دارد حـداقل بایـد به یکی از ویژگی های آن شخصـی که صدا می زنم و از او کمک می خواهم خود را مزین کنم مثلاً از پیامبر، حسن خلق از علی علیه السـلام تقوا، و از امام حسن مجتبی علیه السـلام حلم و بردباری و درایت و شـجاعت از امام حسـین علیه السـلام و از امام زین العابـدین علیه السلام زهد و نشر علوم و الی آخر

(نـا گفته پیـداست صـفات حمیـده معصومین علهیم السـلام همه در حـد کامـل بوده است ولی در هرکـدام نسـبت به زمان ، یکی از صفـات حمیـدشان شـاخص و الگو بوده است و امـام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف همه آنها شاخصـها و الگو ها را خواهند

داشت .(چون ایشان از تقیه مبرا خواهند بود.)

لذا بایستی سنخیطتی از اعمال و صفات معصومین را دارا باشیم و در فرازهای آخر دعا توسل بدون تعصب به ایشان می گوئیم: ای بزرگواران من شما را شفیع قرار دادم به درگاه باری تعالی و اگر چنانچه کسانی را بهتر از شما می یافتم از آنان کمک می خواستم(یعنی شما بهترین خلق،و بهترین آفرینش و گل سر سبد بشریت هستید)

لذا با دوست داشتن شما و عمل نمودن به دستورات و رویه شما به شما نزدیک شدم و از طریق شما به درگاه خداوند متعال راهنمایی گشتم، شما را بلد راه بودید و هستید و خواهید بود و دیگران که خود در گمراهیند، چگونه می توانند راهنما و هدایتگر دیگران باشند.داستانی از یکی از محبا ن امام حسن العسکری علیهم السلام نقل شده است،که بخاطر فقر وتنگدستی اقدام به سوراخ نمودن دکان صرافخانه ای می کند ،که شبگردان محل متوجه میشوند،واو رادستگیر نموده،به نزد داروغه آورده،و داروغه دستور هشتاد تازیانه میدهد،شخص خاطی میگو ید،من ازشیعیان امام حسن عسکری هستم ،واگر بمن شلاق بزنی بلائی برایت نازل میشود.لذا داروغه او رانزد امام آورده وادعای اورا باز گو میکند،ولی حضرت میفرما یند او دروغ می گوید.بنابراین داروغه به دو نفراز ما مورانش دستوراعما ل شلاق را میدهد،ولی شلاقها به او اصا بت نمی کند، وبا سعی بیشتر شلاقها به خود ما موران وداروغه بر خورد کرده وبه زمین پرتاب مشود.داروغه فکر می کند ،شاید تبا نی شده ،محل وماموران را عوض میکنند، باز همان وضعیت را مشا هده می کنند.وخا طی را به نزد امام آورده و می پر سند،چگو نه است ؟ امام می فرمایند، اینکه به او صد مه ای وارد نمی شود، این کرامت از ناحیه او نیست، بلکه از ناحیه ماست.وآن بجهت این است که او(شخص خاطی) محبت ما اهل البیت را بدل دارد.حا ل تصور کنید ،کسی که شیعه واقعی باشد چگونه حمایت میشود. وامام درسوال داروغه که مگوید ،شما دروغ گفتید .او ازشیعیان شما نیست ؟ ومی فرمایند،او محب ما ست وشیعیان ما بر اثر فقر وتنگدستی مرتکب کار حرامی نمی شوند وکسی را با خداوند شریک نمی کنند،و باعث آبروی ما هستند.و به آنچه خداوند از حلا ل روز یشان قرار داده اکتفا می کنند،وعلاوه بر ایما ن دارای عمل صالح وخداپسندانه هستند. و ایمان به خدا دارند،و خداوند رابا صفات خداعین ذات و یکی میدانند،و نسبت به پیا مبران ایمان دارند وهمه گفتارشان را قبول دارند وعمل می کنند.و عقیده دارند که ائمه اطهارهیچکس از امت پیامبربالاتر از ایشان کسی را نمی دانندو اگر همه امت پیامبر اعمالشان در کفه ای از ترزو (ضر بت علی یوم الخندق افضل من عبادته الثقلین ، پیا مبر فرمودنند ضربه ای که یلی علیه السلام در جنگ خندق به عمر بن عبدود وارد کردنند از عبادا ت جن وانس بالا تر است ،چون تمام کفر در برابر تمام ایمان ایستاده بود) و امیر المو منین را در کفه دیگر قرار دهند،ترجیح دارد مقدارش ، مانند آسمان بر زمین وطرف مقا بل یک زره بی مقدار.و شیعیان ما از هیچ چیز و حتی مرگ واهمه ای ندارند.و برادرانشان را بر خود ترجیح می دهند ولا اینکه خودشان احتیاج داشته باشند.و آنها کسانیند که خداوند در جا هائیکه نهی کرده وجود ندارند،و در جاهائیکه امر فرموده از آنها خالی نیست .(مانند مساجد ،زیارات قبور ائمه اطهار وروضه ها و هیئت ها)انشا الله بنده وشما از شیعیان حقیقی آن بزرگواران باشیم.

بزرگ فلسفه قتل شاه دین (حسین) این است

که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است

حسین مظهر آزادگی وآزادیست

خوشا کسی که چنین مرام وآئین است

نه ظلم کن به کسی،نی به زیرظلم برو

که این مرام حسین است ومنطق دین است

همین نه گریه بر آن شاه تشنه لب کافیست

که درک آن سبب عز وجاه وتمکین است (دیوان خوشدل)

۳۶-نزول ملائکه : آیه الـذین قالو ربنا ا لله ثم استقا موا تتنزل ملائکه(آنانیکه گفتند خدای ما خدای واحد است نه خدایان زر وزور تزویرو مـال وجـاه ودر این راستا استقا مت ورزیدنـد،ما ملا ئک وامـدادهای غیبی خود برایشان می فرستیم،ا لبته بلا فاصله بعـد از استقامت در برابر هوا های نفسانی، وآقاابا عبد الله الحسین اگر مادر گرامیشان هم در قید حیات بودند،در صحنه کربلا حضور می یا فتنـد.زیرا هـدف اصلی احیای دین جـدشان وجاری وساری شـدن قوانین قرآن بوده،که در این راستا زن وفرزنـدان وخواهرخود را همراهی نمودنـد.واین بزرگترین درسـی است که برای تحقق پیـدا نمودن اهـداف الهی نبایـد ملاحظه کاری نمود،وبرای فرار از حق وحقیقت،طرفداری نمود.و امـام بعـد ازاین استقامت ،نیروهـائی همچون ملائـک واجنه که به کمـک ایشـان آمدننـد،ولی ایشـان از دریـافت کمکشـان امتناع ورزیدنـدوفرموده باشـند ،خداونـد می خواهـد مرا شـهید ببینـد.ودرس دیگراینکه چه بسا گناهی که دامنه قیامت استمرار دارد،وعقوبت پیروان آن گناه هم بحساب خودشان هم بحساب ابـداع آن منظور میشود،لذا،اگراولی ودومی وسومی شیطنت نکرده بودند،نه فدک فاطمه علیها سلام غصب می شد، نه بی حرمتی و شـهادت دخت پیامبرونه شـهادت امیر ا لمومنین ونه سبطین پیامبر علیهم السلام ونه اسارت خاندان رسا لت و..

۳۷- درسـی که از امـام حسـین علیه ا لسلام گرفته می شود،خود وخانوادمـان را تـا حـد امکـان از شـرور وگناه باز داریم و به ثواب وصـلاح و راهنمـائی از درگاه خداونـد متعال واهل البیت مسئلت نمائیم که روزی حلال وتقوا را پیشه خود نما ینـد و دین به دنیای خود ودیگران نفروشـند ودرنسلشان تـا قیامت جزئی ازیاوران آن جهار ده نور پاك ومعصوم وچراغهای هـدایت وبنـدگی خـداوند باشـند انشا ا لله. در پایـان این دروس یـادآور می شوم،این فرازهـا تنهـا قطره ای ازدریـای فضا ئل و آن امام شـهید است،که به ذهن وعقل کمترین رسیده،زیرا شـهید عاشق خداست وخداوند متعال خود را دیه او قرار داده ودرک بی نها یت سخت است،چون شهید از همه خوبیهای دنیوی گذشـته ودیگر هیچ چیزی جز ا طا عت مولی (خداوند متعال) وپیروی او برایش مهم نیست، لذا بجای عاشق شـدن به ثروت ومقـام وجمـال و زیبـائی و.......... ،عاشق خالق ثروت ومقام وزیبائی و...........خواهـد شـد.ودر این مرحله است که میتوان برای وصا ل به خالق ازهمه دنیا وما فیها گذشت.وچهار ده معصوم علیها سلام اسوه و الگوی بشر یتند.

آنکس که ترا شناخت، جان را چه کند سرمایه وعیال وخانمان را چه کند

دیوانه کنی ،هر دو جهانش بخشی دیوانه تو هر دو جهان را چه کند

من احبنی عشقنی،ومن عشقنی قتلنی،و من قتلنی والیه ا لدیه، ومن علیه ادیه.

کسی که به من محبت کند ،من به او عشق می ورزم وکسی که بمن عشق ورزد او را مکشم(شهید میکنم) وکسی را که کشتم، دیه او بر من واجب می شود. ومن خودم دیه اویم ،یعنی شهید به وصا ل حق وحقیقت وبندگی رسیده است.

در خبر است مردم هفت گروهند:

۱-شـیر صـفتان،آدمهای حریص ۲-روبـاه صـفتان، آدمهای مکار ۳- خوک صـفتان،آدمهـای گنا هکار۴- سگـک صـفتان،آدمهائیکه زبانشان شر دارد.

۵-گر گک صفتان،آدمها ئیکه برای فروش مدح وبرای خرید،مذ مت جنس را می گویند.۶-گوسفند صفتان، آدمهای مو من۷-فرشته صفتان،آدمها ئی هستند به ظاهر انسان ولی در باطن از شهرو دیار دگرند.وحتی تا جائی تعالی پیدا می کنند که آنچه در وحی ناید آن شوند،

دل نعره زنان ملک جهان می طلبد پیوسته حیا ت جاودان می طلبد

مسکین ،خبرش نیست که صیاد اجل سر در پی او نهاده ، جان می طلبد

۳۸- زینــــــب علــــــل مبقیـــــه کر بلاـــــــاست : چـــــون کر بلاــــــ در کر بلاـــــــ می مانــــــد اگر زینب نبود.. مکتب صبر را در این عالم

غیر تو نیست مقتدا زینب

زآنکه آموختی هزاران درس

در بر دخت مصطفی زینب

صدیقه توانا، عقلیه دودمان وحی، تربیت شده خاندان نبوت، حضرت زینب کبری(سلام الله علیه) ، همو که در بزرگواری و کرامتش بسیار سخن ها گفته و نوشته اند.

زینب(سلام الله علیه) تجسم زهد، ورع، علم، عفاف و شهامت و عقیله طاهره، متعلق به اخلاق الهی است. این بزرگوار (س) راه مقاومت در برابر باطل را به امت نشان داد و فداکاری در راه خدا و چشم پوشی از همه چیز را در راه برافراشتن پرچم حق به همه یاد داد.

ایثار، فداکاری، وزانت عقل، صبر و بردباری، علم وسیع و دانش وافر، سخنان سنجیده و منطقی او در فرصت های حساس توأم با آن مظلومیت و ستم های جانکاهی که به او وارد آمده است ، از او چهره یک شخصیت بی نظیر، رزم آور شجاع ، جهادگر بی باك و سخنور توانا را در قلوب و اذهان ترسیم نموده است که تا چرخ زمان حرکت دارد، تا نسل ها در روی زمین حیات دارند و تا زمین دور خورشید می گردد این چراغ فروزان، نورافکن جهانیان و نسل های آینده خواهد بود. یاران امام حسین علیه السلام که شهید شدند،راه امام را قبول کردند ودر جوار ایشانند،وآنها ئیکه بعد از امام زنده بودند،باید زینبی باشند، و ا لا یزیدی یا در راه یزیدند.

وفات(شهادت) آن حضرت:

حضرت زینب سلام ا... علیها، شیرزن دشت کربلا سرانجام پس از عمری دفاع از طریق حقه ولایت و امامت در ۱۵ رجب سال ۶۳ هجری قمری در ضمن سفری که به همراه همسر گرامیشان عبداللّه بن جعفر به شام رفته بودند، وفات نموده و بدن مطهر آن بانوی بزرگوار در همانجا دفن گردید.

مزار ملکوتی آن حضرت (دمشق/سوریه)، اینك زیارتگاه عاشقان و ارادتمندان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام می باشد.

زینب جان!شرمنده ایم که بهای حسینی شدن ما به ((بی حسین شدن تو بود))وشرمنده تر آنکه تو،بی حسین شدی وما حسینی نشدیم.!

دانیکه چرا چوب شود ،قسمتش آتش بی حرمتیش بر لب ودندان حسین است

دانیکه چرا آب فرات است گل آلود شرمندگیش از لب عطشان حسین است

دانیکه چرا خانه حق گشته سیه پوش زیرا که خدا صاحب خانه ،عزادار حسین است

۳۹-درس عبوراز دنیا به برزخ وقیامت :

ما انسانهاپس از عبور از صلب پدر، به رحم مادر واز رحم مادر به دنیا واز دنیا به قبر و برزخ واز برزخ به قیامت در حا ل عبوروحرکتیم.

لذا اینکه میگویند کل نفس ذائقه الموت .هر کسی مرگ را می چشد،صحیح تر آنست که بگوئیم،هر نفسی در حا ل چشیدن مرگ است.(از بدو تولدکه شروع به نفس کشیدن میکند)وساعت شنی یا کو کی یا باطری شروع بکارمی کند وبمرور دشارژ میشود.در طولاین مسیر بقدرت ا لهی واستفاده از شیر مادر وآنچه از خوراکیهاونوشیدنیهاوآموزشهاوتربیتها به او اعما ل می شود یا کسب میکند،او را قوی وقویتر میکند ،تا سن جهل سا لگی وبعد ازچهل سا لگی بمروری نیروها تحلیل می رود،تا به افو ل و مرگ منتهی شود.(ا لبته استثنا عا تی هم وجود دارد)

در طول راه از سه دریا باید عبور کنیم،که در یای اول بدون زحمت طی می شود.وآن دریای رحمت است.که همچون خورشید

واکسیژن ورزق وحیات شامل همه افراد وموجودات زمینی خواهد شد.درفراز اول دعای کمیل امیر المو منین میخوانیم.
ا لهم انی اسئلک برحمتک ا لتی وسعت کل شی(خداونداهمانا من تو می خواهم به رحمتت که شامل هر مو جودی است).بنا بر این تا زمانیکه در دنیا زندگی میکنیم از رحمت الهی بر خورداریم ،مگر اینکه با اعما ل خودمان موجبات غضب وعذاب را فراهم کنیم.

۴۰-در یای دوم دریای محبت :

برای ورود به دریـای محبت بایـد از علاقه که مقطعی و پست ترین دوستی است، شـروع نمودوآنرا رها کرد. قرآن آنچه مورد علاقه انسان است رامثل ما لو ثروت، ،مقام،شـهرت ،زیبائی، افتخار،قومیت ، نژادوورکـب وهمسـر واولادو....را متاع دنیا می دانـد.ومتاع دنیا را قلیل وغرور وفریب میداند.تا دلبستگی وعلاقه به امور مذکو داریم نمی توانیمبه دریای محبت وارد شویم.

محبت بـا لاـتر از علاـقه است.وحاضـر است ازآنچه مورد علاـقه اش هست خرج کنـد ،تـا محبت خود را ابراز نمایـد،ولی نه تـا پای جـان،زیرا جـاده محبت هماننـد خیابان دو طرفه است،لـذا اگر یکطرف کوتاهی کنـد ،دیگری دلخور شـده وچه بسا منجر به جـدائی شوند.

۴۱- سوم دریای ولایت :

کسـی کـه از دریـای رحمت ودریـای محبت گذشـته می توانـد وارد دریـای ولاـیت وکمـا ل و کامیـابی شـود.زیرا ولاـیت از عشـق سرچشـمه میگیرد،وعاشق حقیقی برای رسـیدن به معشوق از آنچه مورد علاقه ومحبتش است می گـذرد تاحـد جان،تا به معشو قش برسد.

یـاران امـام حسـین علیه السـلام به دریـای ولاـیت وخلیفه الله امـام زمانشـان رسـیدند،ودر این راسـتابا پیروی از حجت خـدا کامیـاب ورستگار شدند.

خداونداحیات وممات ما همانند حیات وممات اولیا ئت قرار بده.آمین یا رب العا لمین

۴۲-خواسته های معشوق:

انسـانیکه لیـاقیت عاشق شـدن پروردگارخویش را پیـدا نموده،حـد اقل هـدیه خود به معشوق راعبودیت وبنـدگی وقطع وابسـتگی از اشـیاء(آنچه برایم مـا لکیت ایجـاد میکنـد)واطراف و افراد کرده،زیرا اشـیاء اسیر دست انسـان است وخداونـد متعـا ل انسـان را برای خودش خلق کرده تا او را به کما ل که هدف خلقت است برساند.

۴۳- عنا یت معشوش به عا شقش :

انسانیکه به لیا قت عبودیت حضـرت حق رسـید،در مرحله کمال قدم گذاشته،وپس از طی طریق کمال ، به تمام که خلیفه الهی است ،خواهد رسید.

در حـدیث قدسـی داریم عبـدی عبـادی یجعلـک مثلی او مثلی .(بنـده من عبودیت وبنـدگی مرا بجـا آور تا ترا مثلی از خود (منهای وحـدانیت)قرار دهـم.ودر قرآن کریـم می فرمایـد ،ومـا خلقـت جـن وانس الاـ لیعبـدون،مـا اجنه وانسـان را خلـق نکردیم مگر برای عبـادت.در هر سا لی اول با یـد در موردیکه ضـعیف هستیم به کما ل برسـیم،بعـدا "تمام شویم.منظور از تمام شـدن تمام شـدن عمر یکسـا ل است،در این مرحله قـوه عقـل وقـوه روح وقوه نفس تحت فرمانـدهی قلب قرار میگیرنـد،وقلب وروح یکی شـده ،ومزین به ایمان واقعی خواهـد شد.نور ایمان تجلی گاه قلب و دل است،اگر قلب از روح جدا شد ،اعضا ء وجوارح گناه و خطا می کند.رئیس اعضـاء زبـان است وبقیه اعضـاء در اماننـد اگر زبـان کنترل شود.در روایت است چه بسـا نعمتی از طریق زبان که گفتن حرف لهو یا لغوبوده از شخص سلب شده ،

قا ل ا لصادق عله السـلام :اذا اراد الله بعبـد خز یا "اجری فضـیحه علی لسانه (هر گاه خداونـد رسوائی بنـده ای را بخواهـد ،از طر یق زبانش اورا رسوا می کند).و حضـرت علی علیه السلام :می فرمایند : ا لتعقیب بعد الغداه وبعد العصر یزید فی الرزق (خصا لص۵۰۴)

ذکر ودعا پس از نماز صبح وعصر روزی را افزون می کند.که توسط زبان جاری می شود.یکی از گناهان کبیره مسخره نمودن مومنین و مومنات است،که خداوند به پیامبرش می فرماید ،ای پیامبر اگر هفتاد بار برای (مسخرکننده آمرزش بخواهی قبول نمی کنم،زیرا ترور شخصیت کرده ومردم رااز راه حق باز داشته).تنها چیزی که روح را از قلب جدا میکند،حب الدنیا است ونتیجه آن کوری دل است .نور ایمان اگر نباشد،کشور دل تاریک است.روح که از قلب جدا شد ،دل کورو تاریک شده شروع به گناه ومعصیت می کند .روح یعقوب است وقلب یوسف واعضاء وجوارح یازده برادران یوسف اند،و دنیا چاه است ،وچون یوسف از روح بهره مند شده بود ،از چاه خارج شد.ونفس ذ لیخا ست .

تا دل صدف در شریعت نشود جان،محرم اسرار طر یقت نشود

بگذار جوانی،که کسی در ره دین با نفس وهوا، پیر طر یقت نشود

ان الذین آمنوا و عملو الصا لحت سیجعل لهم الر حمان ودا "سوره مریم آیه ۹۶(هما نا آ نا نکه ایمان آوردنند وعمل صا لح انجام دادنند،زود است خداوند مهربان ،برای ایشان قرار دهد دوستی را .(یاور وپشتیبانی را)

ازاینجا ببعد شخص جزء صا لحین است.بطوریکه اگر چیزی را احتیاج ندارد،بخرد ،چیزی را از دست میدهد که احتیاج داشته است وآن نور ایمان است .اگر تصمیم بگیریم گناه نکنیم ،خداوند تمام در های بسته را برویمان باز میکند واگر گناه کنیم به نکبت و بد بیاری وبد بختی و بدعاقبتی خواهیم افتاد.(سوره اعراف آیه ۲۰۱).هر کسی زیبائی اندیشه را یافت ،به زیبائی تن نمی اندیشد.

خداوند دوست دارد شما متدین باشید وصا لح(ان الله حبب ا لیکم الایمان). المومن ینظر نور ربه(مومن به نور الهی نگاه میکند)

وآقایمان امام حسین علیه السلام جزء کا ملترین انسانها بوده وهستند ،بطوریکه در نمازهای پنجگانمان میخوانیم السلام علینا علی عبادالله الصا لحین (سلام ما بر شما بندگان مطیع وصا لح خداوند متعا ل)

۴۴- درس موا سات به جامعه بشری:

تمام پیامبران و ائمه اطهار از عدالت و دفاع از حقوق ضعیفان و نشر علوم و احکام الهی و مبارزه با فقر، و جهل را سرلوحه خود قرار می دادند و بالعکس حکام ظا لم و جور و بی عدالتی به پایمال نمودن حقوق ضعیفان و در فقر و جهل نگه داشتن توده مردم،تا به خواسته های حیوانی خود قائل شده و در نیل به اهداف خود از هیچ ظلم و جوری فروگزاری نخواهند کرد.

درس عدم تعلق به دنیا و آنچه دنیا محسوب می شود:

امام صادق علیه السلام می فرمایند: شیعیان ما از اینکه نعمتهای ظاهری دنیا در دست دیگران است غم و غصه نمی خورند زیرا نعمتهای دنیا همانند شکوفه های زودگذر و چند روزه می باشد، که مقطعی است ولی میوه، هم ماندگاری آن بیشتر است و استفاده های تغذیه هم دارند، بخصوص اگر میوه آخرتی باشد.)

لذا در مکتب تشیع اگر خیری وجود دارد، انحصاری نیست و اگر برادر شیعه احتیاجی داشت نبایستی دریغ داشت و کمک به برادر دینی و بی تفات نبودن را مواسات گویند.

تا توانی به جهان خدمت محتاجان کن ***بدمی یا درمی یاقلمی یا قدمی

خدمت به خلق پس از عمل به واجبات از با ارزش ترین اعمال محسوب می شود و برای چنین شخصی قدر و منزلت زیاد قائل شده تا جائی که سخاوت و ایثار و گذشت را در وجود انسانها از افضل صفات حمیده به حساب آورده و کسانی که دارای گرفتاریهای متعد د یا مریضی های متعد د هستند نوعاً آنانی هستند که خسیس و تنگ نظر و بی گذشت هستند و برعکس کسانی که دارای موا سات و گذشت هستند، از زندگی شیرین و قابل تحملی برخوردارند.سید جمال الد ین اسد آبادی ،میگوید ،اروپا ئیان از دینشان که دست بر داشتند،به تکنولژی وصنعت رسید ند،ولی مسلمین از آ ن موقعیکه دست از دینشان بر داشتند،وبه اعتقاداتشان سست وبی اهمیت شدند،مما لکشان تجزیه وجنگ وستیز ونفاق وکشت وکشتار بین آنان،با سیا ستهای بیگانه ،خصوصا انگلیس شکل

گرفت،وبا دور زدن دستورات اسلام(ایجاد خرافا ت وشبهه وتخیلات وسحر وجادو و....وخریدن زمامداران وقت ،برای پیاده نمودن اهداف پلیدشان همچون قانون کاپیتا سیون)مسلمین را درفقر وجهل ونادانی وخود ناباوری نگهداشتند.تا بحمدا لله انقلاب ایران به پیروزی رسید،که الگوئی خواهد بود برای بیداری دیگر مسلمین جهان،واین بیداریهابه ظهور حضرت صاحب ازمان خواهد رسید،اگر حقوق وتکلیف واحکام را ازهمدیگرجدا ندانیم،که خود گمراهی دیگری خواهد شد.

ما شیعیان باید طوری زندگی کنیم، که اگر کسی خواست مشرف به این مکتب غنی، تشیع شود اعمال ما شیعیان را که می بیند مجذوب شود، نه اینکه دستورالعمل مکتب تشیع را با زندگی واقعی و روزمر ه مان مغایر ببینند ؟.در اسلام ومکتب تشیع شخص مطرح نیست ،بلکه پیروی از دستورات خداوند وپیامبر وائمه اطهارسعادت دارین را بدنبال دارد و جای بسی تاسف و تأثر است که این چنین نباشد. باید گفت کسانی که از سعه صدر برخوردار نیستند، نه دیگران را به غم و نه به شادی، نمی توانند ببینید که این امر ناشی از عقده های دوران کودکی و بزرگ شدن در خانواده های عقده ای و بی فرهنگ اسلامی ناشی می شود.شیطان ازآتش خلق شده وفرشتگان از نوروانسان از خاک ،شیطان از ابتداء شیطان خلق نشد،بلکه فرشته ای بود که شش هزار سال عبادت کرده بود،ولی از دستور خالق خود امتناع ورزید،که رانده شده پرورگار شد.لذا مزد بندگی خود را زنده بودن تاروز قیامت طلب کردوخداوند به او عطا نمود.سپس به عزت وجلا ل خداوند قسم یاد کرد که بندگانت را ،بجز مخلصین (پیامبران وا ئمه اطهار واولیاء الهی)گمراه می کنم .

سوال اینجاست؟ شیطا ن به خدا وپیامبران وقیامت ایمان داشت(سه اصلی که دلیل بر مسلم بودن است)ولی چون اطا عت ازامر خداوند ننمود،رانده شد،در صورتیکه به عدالت خداوند وامانت ائمه اطهار هم یقین داشت وشیطان که از شطن گرفته شده است . لقب شیطا ن گرفت.بنابراین بسیاری از افرادیکه به زبان تنها ایمان دارند ودر عمل کم می آورند در خط شیطانند وبعضا "که منکر ضروریات ومسلمات قوانین قرآن میشوند ،خود شیطانند. حر بن یزید تحت تاثیر وساوس شیطان قرار داشت ،ولی با دعا وتفکر نجات پیدا کرد ورستگار شد.خداوندا از درگاهت مسئلت دارم در نسل ما شیعیان اطاعت از هوای نفس ووساوس شیطانی را تا آخر زمان توقف در دنیا دور فرما ،وما را بدار درآن راهیکه رضای تو در اوست وباز دار ازآن راهیکه غضب وسخط تو در اوست .

آقا امیرالمؤمنین فرمودند: نیکی کن تا به تو نیکی شود و رحم کن تا به تو رحم شود.

صدها فرشته بوسه برآن دست می زندکز کار خلق یک گره بسته واکند

۴۵- در س ایمان : ایمان تجلیگاه قلب ود ل است ، اگر قلب از روح جدا شد،اعضا و جوارح خطا می کنند وتنها چیزی که روح را از قلب جدا می کند ،بی ایمانی است ، ایمان که نباشد د ل کور میشود،واعضا شروع به گناه کردن می کند.به همین دلیل است گفته اند مجالست با افراد گناهکار انسان را به شک وتردیدوسپس بی ایمانی سوق می دهد.ایمان مراتبی دارد که اگر مرتبه صدرا برای ائمه اطهارفرض کنیم،دیگران از کسانی شروع میشود که ایمانشان تاجائی باقیست که شکمشان برا ه باشدولی اگر فقروگرسنگی آمددینشان هم می رود،مرحله بعد شکمی نیستندولی نه اهل جهاد مالی ونه اهل جهاد جسمیندوبایک کشیده خوردن یا بی احترامی دیدن دست از ایمان ودینشان می کشند،مرحله سوم آنانیکه هم پای گرسنگی هم پای فقر وبی حرمتی ظاهری واسارت مقطعی وحتی پای مال وجان واهل وعیال وعشیره وقبیله برای حفظ وصیانت دین ومکتب سعاتمند شیعه ایستاده اند اینان همچون کوه استوار وهمچون طلای قرمز، با شدائد ومشکلات برافروخته تر می شود.

در روایتی هشتمین ستاره تابناک ولایت علی بن موسی الرضا علیه السلام بدین مضموم می فرمایند : ایمان شخص کامل نمی شود تا خصلتی از خداوند وخصلتی از پیامبر وخصلتی از ا مام معصوم در او نباشد.وا ما خصلتی که از خداوند باید داشته باشد کتمان سر مومن است وخصلتی که از پیامبر باید داشته باشد ،اخلاق نیکو ومدارا کردن با دیگران است ،وخصلتی که از امام معصوم باید داشته باشد سخاوت داشتن است.(واما السائل فلاتنهرفقیر را ناامید مکن اگرچه یک حبه انگور باشد،چون او آبرویش به پای

توریخته،حداقل با زبان خوش با او برخورد کن)

وروح انسان با عبادت و بندگی و تحمل مشکلات بزرگ میشود ،اگر کسی روحش کوچک با شد،با کوچکترین نا ملا یمات دست از اعتقاداتش بر می دارد وخود را تابع زر وزور وقدرت وتزویرمی کند،لذا ظرفیت روحی افراد همان ظرفیت ایمانی افراد است.که گفته اند

الهی به مستان میخا نه ات به عقل آفرینان دیوا نه ات

ا لهی به آ نان که در تو گمند نها ن از د ل و دیده مرد منند

معی ده ،چو ریزیش در سبو بر آرد از د ل ،آواز هو(خدا)

۴۶- درس عاطفه و انسانیت به جامعه بشری:

امام حسین علیه السلام از مکه به کربلا در تشرف حرکت بودند که ابوحنیفه با همراهی خانواده شان مخالفت کرد ولی امام که پایان کار را می دیدند و خانواده خود را از نظر عاطفی نبایستی تنها می گذاشتند و از آنان به عنوان سفیر عاشورا، بهره برداری برای تقویت حدود الهی و دین جدشان استفاده شده است.

تا جائی که بشر فعلی باید از خط فکری امام تا انقراض بشریت استفاده کند. مردم اروپایی که احساسات و عاطفه خانوادگی را از دست داده اند. به علت این است که انسان هم احتیاج دارد به دیگران محبت کند و هم از دیگران محبت ببیند و اگر این ابراز محبت یک طرفه شد، پس از مدتی منجر به قطع محبت و ارتباط می گردد.

به همین دلیل است که اروپائیان به جای عواطف خانوادگی، عواطف حیوانی را جایگزین کرده اند و از حیواناتی مثل گربه و سگ پرستاری و ابراز محبت می کنند.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: اگر کسی به شما محبتی ابراز داشت، این محبت همانند یک یوقی (گردنبندی) به گردن شماست تا آن محبت را تلافی و یا شکر و سپاسگزاری آن را به جا آورید.

در جریان عاشورا در مرحله اول که حرّ سد راه حضرت شده بود، حضرت شروع کننده جنگ نشدند، بلکه به لشکر حرّ آب دادند و از آنها و اسبهایشان پذیرایی نمودند.

ولی در عوض آنها محبت را با جسارت و بی حرمتی جواب دادند و از درجه انسانیت افول کرده و از درجه حیوانیت هم، خود را بی ارزشتر نمودند.

۴۷- درس تکامل انسانیت: انسان دارای قوه غضبیه ،و قوه ناطقه وقوه شهویه است.

انسانهائیکه قوه غضبیه را با علم وقوه ناطقه را با تد بیروحلم و قوه شهویه را باحیاء تحت کنترل خود ،درآورده اند،به تکامل انسانیت رسیده اند.

وآقایمان امام حسین علیه السلام ،وسیزده معصومین ،از نورواحدی هستند ،بطوریکه پدرشان امیر المو منین علیه السلام میفرماید، ایمان شخص کامل نمی شود،تا اینکه خلقت من(پیامبر ودر ائمه معصو مین)را از نور بداند.و در جای دیگر بدین مضموم می فرماید،خداوند نور ما چهار ده معصوم را در حالی خلق کرد ،که آدم هنوز درمیان آب وگل بود.کسا نیکه سه قوه مذکور را در اختیار دارند،مصداق دو بیتی زیرند.

تن آدمی شریف است بجان آدمیت نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

اگر آدمی به چشم است وگوش وبینی چه میان نقش دیوار وچه میان آدمیت

اگر این درنده خوئی زطبیعتت بمیرد رسد آدمی بجائی، که بحز خدا نبیند

بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت (سعدی ره)

اشاره آخر، به فراز وکان قاب قوسین او ادنا از دعای ندبه است.

۴۸- درس حریت وآزادگی:اسوه حریت وآزادگی خود امام حسین علیه السلام میباشند.وسپس یاران با وفایشان از جمله حر بن یزید ریاحی،که چون خود را در سر دو راهی دید،غلبه عقل بر نفس را ترجیح داد واز لشگر یزیدیان به جند الله هجرت نمودورستگار شد.که این تصمیم کار شجاعانه بود که در آن مقطع شجاعت می خواست. چون فرمانده یک سپاه چند هزار نفری کم مقامی نبوده ونیست.با تمام این اوصاف چون اول کسی بود که راه امام را سد کرد.سر اوهمراه سرهای شهدا به کوفه برده نشد ،وقبیله اش اورا خارج از کربلا بخاک سپردند. ولی عمر سعد وامثال وی نفس ودنیا را بر عقل ودین ترجیح دادند واز هجرت بسوی جند الله سرباز زدندودرلشگر شرک وکفرباقی مانند.وبه خیال باطل خود پس ازواقعه توبه خواهند نمود،در صورتیکه امیرالمو منین علیه السلام جهت قبولی توبه واستجابت دعاء هرکس یازده مورد زیر را در نهج البلاغه یادآور میشوند،که به اختصار ومضمومیت عبارتند از:

۱-معرفت خدا شناسی خود را کامل واصلاح کنیم،وحق اورا(شریک قرار ندادن باخداوند رب العالمین) رعایت کنیم.

۲-پیامبر ختمی مرتبت را بخوبی بشناسیم وبه دستورات وسنت وی عمل نمائیم.

۳-قرآن را بخوانیم وبه مفاد آن عمل نمائیم.

۴-می گوئیم خداوندا از مجازات می ترسم،ولی کارهائی میکنیم که ما رابه آتش نزدیک میکند (مانند غیبت ودروغ وتهمت و....)

۵-همه ما به پاداش الهی مانندبهشت ونعم آن (مثل حوری واطعمه واشربه و....) علاقه داریم ولی درعمل کاری انجام میدهیم که ما را ازبهشت دور میکند.

۶- همه ما از نعمتهای خداوند در دنیا استفاده می کنیم(از نظر غذا،پوشاک ،مسکن ودیگرنعم....)ولی شکر آنرا بجا نمی آوریم.

۷-همانا خداوند اعلان کرده شیطان دشمنی است روشن وآشکار که از او اطاعت نکنیدودر گفتارتان اورا دشمن خود بدانید،ولی در عمل اورا دوست خود می دانیم وخواسته های شیطان را اجابت می کنیم.

۸-شماانسانها،عیب ونقص خود رانمی بینید،ولی به عیب دیگران می پردازید.نقاط ضعف دیگران را می بینید ولی عیوب خودتان را پشت سر خود قرار می دهید،تا نبینید ودیگران هم نبینند،چطورانتظار دارید،با این عیوبی که دارید خداوند دعای شما را مستجاب نماید.

۹-قبل از توبه باید پاک بود،وصدقه ای به مستحقی پرداخت یا کار خیری انجام دهیم وسپس صلوات بر پیامبر واهل البیت او بفرستیم.

۱۰- اطعمه واشربه خود را پاک وحلال وطاهر قرار دهیم.

۱۱-از گفتن امر بمعروف ونهی از منکر با شرایطش پرهیز نکنیم.

۱۲-قلب خود را از دشمنی بندگان خوب خداوند مهربان پاک کنید(محبت چهارده معصوم وپیروانشان) وسپس دعا کنید ،انشا الله به استجابت خواهد رسید.

۱۳-مجدوصلوات بر پیامبر واهل البیت آن بزرگوار بفرستید،چون خود خداوندوملائکه بر وی درود وصلوات می فرستند،وفرستادن صلوات در ابتدا وانتهای دعا خواسته ودعا شما را گارد ومحافظت کرده تا به استجابت برسد.از طرف دیگر امام صادق علیه السلام میفرمایند،اگر برای دعا وگرفتن حاجتی به مکانی مراجعه کردید ،ومطرح کردن آن حاجت فراموشتان شد ،خداوند ببرکت صلواتی که در آن مکان فرستادید ،حاجتتان را قبول میکند.وامام محمد باقر علیه السلام میفرمایند،اگر بنا بدلایلی موفق بخواندن نماز شب نشدید ،با فرستادن،صلوات ثواب نماز شب را برایتان منظور میکنند

۱۴-پس از توبه واستجابت دعایمان مصمم به رعایت موارد ذکر شده داشته باشیم ودر این راستا ازخداوند متعال وچهار ده معصوم

پاک بخواهیم ما را ثابت قدم وعاقبت بخیر نمایند .

۴۹- درس اقامه نماز :درظهر عاشورا خود حضرت اذان واقامه نماز را گفتند،ودر حالی نماز را بپا داشتندکه مورد هجوم تیرهای یزیدیان قرار گرفتندو چند نفرکشته وزخمی دادند،بنده وجنابعالی چه عذری برای به تاخیر انداختن نمازمان داریم،بخصوص در مواقعیکه حقوقی از دیگران در کار نیست.دروقت نمازطواف هم متوقف می شود،واگر شرایط جماعت نیست خواندن اذان واقامه مستحب موکد است ،زیرا با گفتن اذان واقامه دوصف فرشته که ازمغرب تامشرق امتداد دارد به شما اقتدامیکنند.

۵۰-درس اتمام حجت: ایشان با علم یدنلی که از پروردگار عالم داشتند،براحتی می توانستندبرای خود ودیگران آب تهیه کنند،ولی برای اتمام حجت بندگی خود وقساوت قلب یزدیان ،کودک شش ماهه خود حضرت علی اصغر را بمیدان آوردند،وفرمودنند اگر میگوئید بهانه است خودتان او را آب دهید وبمن بر گردانید،که جواب ایشان تیر سه شعبه اشغی اشغیای حرمله گلوی آن بزرگوار را نشانه گرفت،وبه گفته یکی از محققین اروپائی که تصور میکرد ،واقعه عاشورا بر سر متامع دنیوی بوده،موقعیکه چگونگی شهادت علی اصغر را تحقیق نمود ،متوجه حقانیت والهی بودن امام حسین شد وشیعه گردید.

۵۱-مدیریت زمان: در زمان ما انواع مدیریتها مطرح است مثل مدیریت دولتی ،مدیرت صنعتی ،مدیریت بحران ومدیریت زمان و........در حالیکه امام حسین علیه السلام در ۵۷ سالگی بشهادت رسیدن ،ولی پس از هزار کسری از شهادت ایشان روز بروز بیشتر وبهتر حقانیت ایشان به مردم جهان ثابت شده وپیروان جدیدی را می پذیرند.

دشمنت کشت ولی نور تو خاموش نگشت آری آن جلوه که خاموش نشود نور خداست

امام هشتم علیه السلام می فرمایند:کسیکه برای مصائب جدم حسین گریه کند واشگ او بر صورتش جاری شود خداوند تمام گناهان صغیره .کبیره اورا (به شرط توبه واقعی)می آمرزد.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

هیچ چشمی و اشکی نزد خداوند محبوب تر از چشم و اشکی نیست که بر حسین علیه السلام بگرید و جاری گردد.

ثواب آنچه جمع آوری شده را تقدیم می کنم به پیشگاه امام عصر تا ایشان هم تقدیم نمایند به ارواح کبار آبائشان انشاالله مورد تائیدشان باشد.

۵۲-هدف ونیت امام حسین علیه السلام:در سال پنجم هجری در معراج به پیامبرگفته شد ازطرف خداوند متعال،که در سه مورد امتحان خواهی شد.(در صورتیکه در سال هیجدهم هجری واقعه عاشورا انجام می شود).

اول،جوع و گرسنگی وایثار کردن بر دیگران،پیامبر عرضه می دارد،قبول کردم وتسلیم شدم وصبروتوفیق آنرااز خدا خواستارم .

دوم اینکه ترا تکذیب می کنندوشما باید حتما جانشین خود را معرفی واعلان نمائی و باید باmalت وجانت باکفارمبارزه کنی واز تمام شدائدی که به شمامی رسدصبر کنی،پیامبرعرضه داشت قبول کردم وتسلیم شدم وتوفیق وصبر از طرف توست.

سوم یارسول الله چیزهائیست که مربوط به اهل البیت است ،اولش برادرت امیرالمومنین را شهید می کنندواو را ازحقش محروم میکنندوحق فاطمه را غصب میکنند(منظورفدک است که بدستور جبرائیل پیامبر به دخترشان هدیه نمودند)وبه دخترت ظلم میکنندواورامیزنندرحالیکه حامله است بلکه درب منزلش را آتش می زنندوداخل حریم منزلش شده وبر اثر صدمات وارده فرزندش را از دست میدهدواو دو پسر دارد که اولی رابامکروزهرمی کشند ودومی رابه سمت جهاد دعوتش می کنندوبه شهادت می رسانند. کفار درکشتن او عجله میکنندوبه یکدیگر کمک می کنند،حسین را ذره ذره میکنندوبازجر می کشندیا رسول الله فقط اورانمی کشند بلکه فرزندانش را می کشند وغارت اشیاء حتی گوشواره کودکان را از گوش میکشند(ملعونی بنام حسین بن نمیر دید دختر بچه ای لب خیمه ایستاده وگوشواره اش حرکت می کند اوراتعقیب کرد تا به اورسید وبدون معطلی گوشواره را

کشیدوگوش آن طفل معصوم را پاره کرد)(نقل از کتاب بحار مجلسی در جواب آنانیکه می پرسند امام میدانست شهید میشود یاخیر و....)امام هشتم میفرماید،حسین رامثل گوسفند قربانی گشتند......

خداوند متعال برای صبر امیرالمومنین جزای اورابهشت وساقی حوض کوثر قرار داد.وحوض کوثر وجهنم رابرای امیرالمومنین علیه السلام سرد وسلامت قرار داد،وکسیکه یک سرسوزن محبت امیرالمومنین را داسته باشد جهنمی نیست.واگرهمه مردم برمحبت امیرالمومنین اجتماع میکردن ،خداوند جهنم را نمی آفرید.وجزای پسر اول که با مکروحیله شهید کردند،آنستکه عرش خودم را بواسطه این او وبرادرش زینت میدهم وبرایشان کرامتی قرار میدهم که به قلب ومغز هیچکس خطورنکرده است .وکسانیکه به زیارت قبرحسین می روندهمانندزیارت پیامبررفتن است.وبرمن خداواجب است که زائر خودم راکرامت کنم.میزبان زائر کربلاخداست.ای پیامبرزائرکربلاهمنشین توست دربهشت ومنم که ضمانت می کنم حوئج دنیاوآخرتش رابرآورده کنم .وبرای پاداش فاطمه ،فاطمه می ایستدنزدعرش خدا وخداوند میفرماید،فاطمه امروزترا حاکمقرار داده ام وتعدادی سوال می کنند خداوندا امروز حاکم محشر توئی یا فاطمه؟ خداوند می فرماید،امروزحاکم فاطمه است ومن خدای عا لم،ای فاطمه هرکه بتو ظلم کرده ،اختیار دردست توست،فاطمه عرضه می دارد خدایا می خوهم حسن وحسینم را ببینم.ودرمحشر اباعبدالله بدون سردرحالیکه سرمبارکشان در دستشان است به محشر وارد میشوندوآقاامام حسن در حالیکه خون از گلویشان جاریست وارد محشر میشوند.حضرت زهرا ناله ای می زنند وغش میکنند،بعد بهوش میآیند ومیگویند حاجت بخواه،حضرت می فرماید شیعیانم را وشیعیان فرزندانم را می خواهم شفاعت کنم .بغیر کافر ومنافق وآنانکه شک در عظمت اهل البیت دارند همه بخشیده میشوند.(درجه ومقام هرکس بستگی به عملکرد دنیای او با خود ودیگران دارد).

روز قیامت اولین پرونده در مورد اولین ظالم ،قاتل محسن واولی و.قنفوض است می آورندکه تنها این دو نفر قاتل نبودند ،بلکه بیست وچند نفر بودند که هر کدام بنحوی به فاطمه اذیت وآزار میکردند.فاطمه به امیر المومنین میگوید ،بدان ای ابوالحسن که دومی تازیانه را از قنفوض گرفت وخود می زد.

دادگاه حکم میکند که این دو ملعون را با تازیانه های آتشین بزنندکه اگر یکی از این تازیانه هارا به دریاهای عالم بزنند آتش می گیردواگر به کوهها بزنند کوهها پراکنده می شوند.ودرجهنم در تابوت آتشین قرارشان می دهند،وبه آنهائیکه تحت ولایت اولی ودومی بوده اند،می گویند چه کسانی شما را گمراه کرده ،از جن وانس .جواب می دهند از اجنه شیطان واز انسانها اولی ودومی و........در محشر آقا اباعبدالله الحسین بدون سر،در حالیکه سر مبارشان در دستشان است وارد می شوندوآقا امام حسن در حالی وارد میشوند که حون از گلویشان جاریست .حضرت زهرا ناله ای می زند و غش می کنند،بعد به هوش می آیند،وخداوند به ایشان میفرماید حاجت بخواه ،حضرت می فرماید ،شیعیانم را وشیعیان فرزندانم رانجات بده،غیر از کافر ومنافق وآنکه شک در عظمت اهل البیت دارد همه بخشیده میشوندوامیر المومنین هم نسبت به بقیه غاصبان اقدام می کنند .

هدف امام حسین علیه السلام در چند بیت زیر آمده است.

آمدم درکربلاتاباخدا سودا کنم ازدل وجانم حکم اورا موبمواجرا کنم

آمدم تادر ره عهدی که بستم باخدا د ین وقرآن رابه خون خویشتن احیاکنم

آمدم تابرگک آزادی اسلام را با نثار خون هفتادودوتن امضاء کنم

آمدم تا نخل توحیدخدارابارور بانثاراکبروعباس مه سیما کنم

آمدم تابرعلیه دشمنان جد خود با قیام خویش برپا،محشر عظمی کنم

آمدم تا تشنه لب، جان درره جانان دهم نقش خودرادرزمین کربلا ایفا کنم

آمدم تا بندگان رارهنمائی سوی حق بااسیری رفتن ذریه زهرا کنم

آمدم تا بانثار کودک ششماهه ام زاده مرجانه رابیچاره ورسوا کنم

۵۳–درس کمی عده یاران امام حسین علیه السلام(۷۲ نفر)درمقابل یزیدیان(۲۰۰۰۰–۴۰۰۰۰نفر نوشته اند) ولی سه الی چهار سال که از واقعه عاشورا گذشت ،حقیقت وراستی بر خدعه ونیرنگ وریا ودروغ غلبه نمود وروز بروز وسال بسال عاشورا با محتوای بیشتری درجهان مطرح وعاشقان این راه بیشتر وبیشترمی شوند،لذا اگر درجریان یا اتفاقی یا پیش آمدی غیر مطرقبه وناخواسته،بنده یا جنابعالی یک نفر وطرف مقابل ده یابیشتر بنا به قول خداوند متعال(کم من فعتن قلیله غلبه فعته کثیره چه بسا تعداد قلیلی که بر تعداد کثیری پیروز شدند)ورویه ا مام حسین علیه ا لسلام اقتدا کرده ومطمئن باشید کسیکه ازاصول شریعت منحرف نشود پیروز است اگرچه بظاهر یا درمقطعی از زمان مغلوب به نظر آید.

۵۴–در لعن هائیکه به قاتلان امام حسین علیه السلام تا دامنه قیامت نثار میشود،

در زیارت عاشورا که به قولی از خود خداوند متعال نقل شده است وتوسط امام محمد باقر علیه السلام نشر وتوصیه شده است،(در ۲۲ فراز آن لعن آمده ،که عدد ۲۲جمع دوعدد ۱۱ میباشد وعدد یازده کلمه هو میباشد که(ه) پنج است و،(و) شش است وتوصیه شده است موقع صبح وشب خواندن یازده سوره توحید (قل هو الله احد....) را درذکر روزانه خود قرار دهید تا از شرور شیاطین جنی وانسی در امان باشید) علاوه بر اشخاصی که بنیان گذار ظلم وجور وخدعه وتزویر وریا وشرک وبی عدالتی بوده اند(جلسه سقیفه بنی صاعده واعضای شرکت کننده با نظر موافق)، اطلاق به افرادیکه میشود که در همان خط فکری سیر وتلاش میکنند ،جریان بنی ا میه وبعدا بنی ا لعباس از سقیفه شروع شدوتا امروزبه فلسطین ولبنان وتاظهورحضرت بقیه الله ادامه خواهد داشت. ازطرف دیگر این واقعه را یک واقعه تاریخی وتمام شده تلقی نکنیم،بلکه شیعیان جهان با هوشیاری کامل متوجه تکرار جریان ا مویان وعباسیان که هدف وسیله را توجیه میکنند وبرای رسیدن به دنیای ایده آل تمام ارزشهای اسلامی وحتی انسانی را در زیر لگدهای خود وستوران،وتسلیهات نظامی روز له میکنند. که عینیت آنرا در حکومت اسرائیل وایادی ا و وهابیهای آل سعود ودیگر هم پالکیهایشان می بینیم.

بخدا پناه می بریم واز او استمداد می طلبیم که بنده وجنابعالی موقع قرائت زیارت عاشوراخودمان ،خودمان را لعن نکنیم.

۵۵–درس صله رحم : چنانچه گذشت امام حسین علیه السلام در هجرت خود به کربلا،زن وفرزند وبستگان خود را بهمراه آوردند،ولی درشب عاشورا به همگان اتمام حجت نمودندوفرمودند،اگربرای تمنیات دنیوی همراه من هستید،ویا بدهکاربمردمید (حق الناس) بدانیدفردا اینجا به کسی رحم نمیکنند،ومن بیعت خود را ازشما بر میدارم، تا از تاریکی شب استفاده کنیدوبروید،تعدادی باخدا حافظی وتعدادی بدون خدا حافظی رفتند،وتنها بستگان واقعی ماندند،لذا امام به قدرت امامت خود جایگاه آنان را نشانشان دادند،به همین دلیل روز عاشورا با حداکثر توان وقدرت مبارزه کردندواز شهادت هیچگونه ترس وهراسی نداشتند.بعکس یزدیان اجتماع وهمبستگی کردند در قطع رحم وبدتر از آن به ظلم وستمگری وقتل وغارت واسارت عزیزان پیامبر خاتم،در صورتیکه تنها مزد رسالت پیامبر مودت ودفاع از حریم اهل البیت بوده وهست.

در جوامع ایرانی صله رحم فقط به دید وباز دید همدیگر رفتن است،اگرچه این رفت آمدها خوب وپسندیده است ،ولی صله رحم واقعی آنست که اگر بستگان شما مشکلی دارندودر توان شماست که آن مشکل را باز کنید ،کوتاهی نکنید ،که اگر کوتاهی کردید،ولا اینکه طرف مقابل نفهمد شما قاطع رحم هستید ،چه برسد به اینکه حسادت ورزید وموجبات ناراحتی ومشکلاتی را برایش فراهم کنید که دیگر نمی توان به شما انسان گفت .پناه مبریم از شرور شیاطین جنی وانسی.

۵۶–درس آبرومندی:در زیارت عاشورا می خوانیم الهم اجعلنی عندک وجیه بالحسین علیه السلام .خداوندا برای من آبروئی قرار ده به آن، آبروی امام حسین علیه السلام.آبروی امام حسین از اطاعت مولای خود، خداوند متعال نشعت گرفته زیرا امام با خداوند وارد معامله شده وهمه هستی خود را درراه خدا ایثار نمود.آبرومندی دنیا زدهها به ثروت وجواهرات وپست ومقام وزیبائیهاست،که تمام

اینها عاریتی وموقت است وبعضا مثل جواهرات باید مدام نگرن حفظ وسرقت نشدنش باشند که گفته اند .

علم ومال وحشمت وجاه وقران فتنه آرد بر کف بدگوهران ،از طرف دیگر این آبروهای ظاهری تا دردنیا هستید بدرد میخورد ولی ازموقع مرگ ،چیزی بجز تقوا وتوشه هائیکه بدرد مسافرت بدون بازگشت می خورد بکار نمی آید.مال به نزد اهل کمال تا لب گوراست بعد از آن اعمال صالح.

آقایمان امام حسین علیه السلام روز بروز بر آبرویش افزوده می شودواز مکاتب دیگر حتی هندویان مثل گاندی انقلاب کبیر هند را از واقعه عاشورای امام حسین تبعیت کرده است .

هرکسی در دنیا وآخرت آبرو می خواهد باید پیروی از امام حسین علیه السلام وخط مشی اوکند.زیرا قطره چون واصل به دریا میشود دریا شود،ورنه قطره قطره ودریا دریاست. ازطرف دیگر در دنیا اگر حداکثر صد سال هم زندگی کنیم در مقابل قیامت که هر روزش پنجاه هزار سال است اندک وناچیز است وهیچ عاقل وعالمی بینهایت زمان را به یک دقیقه نمی فوشد .از خداوندتوفیقی همانند پیامبر وائمه اطهار داریم .از طرف دیگر کسی آبرودارد که رضایت خالق را بر رضایت مخلوق مقدم دارد،اگرچه بظاهر ودر زمانی کوتاه مورد تمسخر وانتقاد قرار گیردکه باید از بدگویان کج فکر هیچگونه ملالی بخود راه ندهد.

الهم اجعل محیا،محیا محمد وآل محمد ومماتی،ممات محمد وآل محمد برحمتک یا ارحمن الراحمین

۵۷-درسی تنهائی حسین علیه السلام- امام تنها شده بود و دیگر مرد سالمی نبود که به کمک امام بیاید لذا امام فرمودند: هل من ناصر ینصرنی آیا کسی نیست که مرا یاری و کمک کند؟! در این هنگام علی اصغر گهواره اش را تکان، تکان داد و شروع به گریه کردن و جواب مثبت به پدر را داد، امام در حالی که شمشیر در دست راست داشتند، دست چپ را داخل بند قنداق علی اصغر کرده و او را برای اتمام حجت هرچه بیشتر به لشکریان یزدید نشان دادند و فرمودند این طفل شیرخوار را اگر آب بدهید می میرد و اگر آب ندهید هم می میرد و اگر می گوئید من طفل را بهانه کرده ام، بیائید بگیرید، آبش بدهید و به من برگردانید که در جواب عمر سعد بن هرمله گفت چرا جواب حسین را نمی دهی، هرمله لعنت الله علیه گفت پدر را نشانه بگیرم یا پسر ر؟ عمر سعد لعنت الله علیه گفت مگر سفیدی گلوی پسر را نمی بینی و آن لعنت ازل و ابد گلوی طفل شیرخوار را نشانه گرفت بطوری که گردن مبارک به پوست فقط وصل بود و علی اصغر خواست گریه کند، چون که پدر را تنها دید تبسم کرد و حسین علیه السلام خون گلوی طفل شیرخوارشان را به طرف آسمان پرتاب کرده و فرمودند خداوندا، این قربانی را از ما قبول فرما. درسی که از این صحنه می گیریم این است که اتمام حجت تا جائی که گمانمان برای هدایت معاندان و مشرکان می رود باید انجام شود و برای رسیدن به هدف نهایی که حقانیت دین خداوند است از هیچ چیزی نبایستی فرو گذار کنیم حتی از طفل شیرخوارمان.وندای امام حسین جهت یاری طلب نمودن هنوز از زبان امام زمان ،صاحب العصر وزمان بگوش می رسد.واگر چه درهفته روزهای دوشنبه وپنجشنبه اعمال محبین وشیعیانشان به نظر مبارکشان می رسد ،ولی بنده وجنابعالی در ابعادی که در توان داریم ،چقدر سعی وکوشش نموده ایم،انبساط خاطر ونزدیک شدن ظهورشان را با اعمال صالح خودفراهم آوریم.

۵۸-امام حسین علیه السلام در روز عاشورا از شمشیر پدرشان امیرالمؤنین و عمامه پیامبر استفاده نمودند و این بخاطر اثبات حقانیتراه جدشان پیامبر بود و در این رابطه درسی که می گیریم این است که اسلامیت به اسم نیست، بلکه به عمل است و اهل البیت و داخل خانه بودن به عنوان(همسر پیامبر بودن) نیست بلکه به متابعت است از قرآن و عترت.

که قرآن به زنان پیامبر می فرماید: در خانه بمانید! نه اینکه جنگ جمل به پا کنید و ...

نام فروردین نیارد گل به باغخانه روشن نگردد از اسم چراغ

۵۹-درسی دیگر که امام حسین به ما می آموزند، این است که شیعیان واقعی العارفون بالله هستند، یعنی خداشناسی در خلوت و جلوت دارند.وخود را درهر حال وموقعیتی در محضر خدامی بینند.ومعتقدندآشکار ونهان انسانهابرای خداوندآشکار است.لذا سعی

در عمل خالص وصالح دارند.

۶۰-درسی دیگر اینکه، آمرون بامرالله هستند یعنی از اوامر الهی اطاعت می کنید و در این راستا، سمعاً و طاعتاً می باشند نه یومن ببعض و یکفر ببعض که هم الکافرون می باشند. (کسانی که نماز می خوانند و حرام هم می خوردند و خلوت و جلوت آنها فرق دارد و ... خود را مسلمان ندانند)

درس دیگر از امام حسین این است که مؤمن عزت نفسانی دارد، ذلت و حقارت با مؤمن سازگاری ندارد، ذلت وخواری با روح ایمان سازگاری ندارد.

۶۲-درس دیگر از امام حسین علیه السلام: وصایای حضرت به حضرت سجاد و هدایت اوامر به مدیریت حضرت زینب کبری و رهبری و بصیرت امام سجاد حضرت زین العابدین علیه السلام زیرا کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود. و سفارشاتی که آقا اباعبدالله الحسین به این دو بزرگوار کردند خود قابل تجزیه و تحلیل و پیشگوئی های امام بوده است.

۶۳-درس دیگر،اینکه پیامبر اکرم درخطبه غدیر،فرمودند:علی علیه السلام ،امامی است که از طرف خداوند برگزیده شده وانکار کننده اش توبه اش پذیرفته نیست ،هر چند عبادت زیادی کرده باشد.(این همه بخاطرولایت عملی از اهل البیت است (اگرخداوند تکبرورزیدن وزور وثروت ونیروهای جنی و انسی وحیوانات را میخواست در اختیار پیامبرانش قرار میداد(اگر چه در باطن در اختیارشان بود)اما خداوند تکبر وخود بر تر بینی را برای همه پیامبران وائمه اطهارصلوات الله علیهم والسلام ،منفورشمرده است.

۶۴-درس عاطفه و انسانیت به جامعه بشری:ام حسین علیه السلام از مکه به کربلا در تشرف حرکت بودند که ابوحنیفه با همراهی خانواده شان مخالفت کرد ولی امام که پایان کار را می دیدند و خانواده خود را از نظر عاطفی نبایستی تنها می گذاشتند و از آنان به عنوان سفیر عاشورا، بهره برداری برای تقویت حدود الهی و دین جدشان استفاده شده است.

تا جائی که بشر فعلی باید از خط فکری امام تا انقراض بشریت استفاده کند. مردم اروپایی که احساسات و عاطفه خانوادگی را از دست داده اند. به علت این است که انسان هم احتیاج دارد به دیگران محبت کند و هم از دیگران محبت ببیند و اگر این ابراز محبت یک طرفه شد، پس از مدتی منجر به قطع محبت و ارتباط می گردد.

به همین دلیل است که اروپائیان به جای عواطف خانوادگی، عواطف حیوانی را جایگزین کرده اند و از حیواناتی مثل گربه و سگ پرستاری و ابراز محبت می کنند.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: اگر کسی به شما محبتی ابراز داشت، این محبت همانند یک یوقی (گردنبندی) به گردن شماست تا آن محبت را تلافی و یا شکر و سپاسگزاری آن را به جا آورید.

در جریان عاشورا در مرحله اول که حرّ سد راه حضرت شده بود، حضرت شروع کننده جنگ نشدند، بلکه به لشکر حرّ آب دادند و از آنها و اسبهایشان پذیرایی نمودند.

ولیهمراهان حر در عوضآن همه محبت ،با جسارت و بی حرمتی جواب دادند و از درجه انسانیت افول کرده و از درجه حیوانیت هم، خود را بی ارزشتر نمودند.

۶۵-درس اصلاح فرهنگ وزندگی:

اصلاح فرهنگ یک جامعه به تفکر وباورهای قلبی آنان بستگی دارد،حال چه قانون وموازین الهی باشد ،چه قوانین بشری.ولی مسلمین که ازقرآن پیروی میکنند ،باید از آیه ولکم فیکم رسول الله اسوه الحسنه برای شما پیامبر اکرم وائمه اطهار بهترین الگو هستند.

در واقعه کربلا به ظاهر همگی خود را مسلم میپنداشتند! ولی در عمل یزیدیان فقط وفقط به خواسته های خود وزن وفرزند ودنیا و مال دنیاباور ویقین داشتند.وتفکر آنان محدود به دنیا می شدودین را تا جائی قبول داشتند که به دنیا واعتبارات دنیوی وخواسته

هایشان لطمه ای نخورد.

۶۶-درس ارزشها و ضد ارزشها:

اگر درخانواده یا جامعه ای ارزش وضد ارزش ،صداقت وراستگوئی،با دروغ وتزویر ،قوانین با روابط نامشروع وخدا محوری ویکرنگی با کلاه برداری وحیله وخدعه ،ارزششان عوض شد ،آن جامعه دیر یا زود محکوم به فنا وشکست است .

زیرا یزیدیان هدفشان هوای نفسشان ورسیدن به دنیا وتمنیات آن بودند،وهیچ از عقل سلیم وقرآن وسنت اطا عتی نداشتند.بلکه حلوای شیرین ونقد را مخواستند!که مهرههای اصلی به بدترین شکل وخفت وخاری بدرک واصل شدند.

امام حسین علیه السلام می فرمایند:عزت وبی نیازی با همدیگر از منزل خود خارج شدندودر مسیرشان به خانه توکل برخورد نمودند،وآنجا (درخانه توکل)سکونت گزیدندوسعاتمند شدند.(یعنی اگر کسی عزت وبی نیازی میخواهد باید خود را به خدای بلا شریک بسپارد ومتکی به او باشد ((من استعان بغیر الله ذل))کسی که از غیر خداوند کمک واستعانت بخواهد ذلیل میشود.(مگر اینکه جزءپیامبران وجانشینان راستین پیامبران باشند)

۶۷- درس تفکر الهی:

آنانکه با تفکر الهی ومقدس تشیع، زندگی می کنند ،دنیا را همانند خانه اجاره ای یا هتل ومهماسرا می بینند،وشهادت در راه خدا ومکتب غنی تشیع را جز سعادت ورستگاری نمی دانندودر زندگی روزمرگی نه ترس ونه خوفی دیده می شود.وسعی بر آن دارندکه از قرآن واهلبیت پیروی کنند وخود را به کمتر از بهشت نخواهند فروخت.همانند شهدا بحق کربلا،که از بدو شهادت در ناز ونعمت قرار گرفته اند وتا انقراض بشریت ،چگونه زیستنشان وایثارشان زبان زد خاص وعام ،ودوست ودشمن خواهد بود.

۶۸-درس تکرار تاریخ-واقعه عاشورا درسال ۶۱ هجری قمری به وقوع پیوسته،ولی تاریخ تکرار میشود،چون کل یوم عاشورا وکل ارض کربلااست.

اگر من وشما در واقعه کربلا ۶۱ حضور داشتیم ،در کدام جبهه مبارزه میکردیم ،آیا با پذیرش حق از باطل فاصله می گرفتیم وانشا الله جزءیاران امام بودیموحالا- که در آن مقطع زمانی نبودیمآرزو نمی کنیم،که ای کاش ما با شما بودیم ودر دفاع از حریم اهل البیت شهید می شدیم،اگر میگوئیم یا لیتنی کنت معهم ودر عمل از امام زمان خود مطابعت می کنیمجزءشهدای کربلا خواهیم بود.ولی اگر از دستورات امام زمانمان سرپیچی وتعلل وخود محوری میکنیم،جزءفراریهاویا بی تفاوتهاوخدای ناکرده دشمنان امام محسوب میشویم.

۶۹-درس دنیا زدگی-در جریانات زندگی اگر دنیا ومادیات ونعم آن بیش از اهداف امام حسین علیه السلام وامام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف در نظرمان ارزش دارد ،بدانیم دنیا زده ایم وعشق به دنیا بر حب ومودت واطاعت امام که ولایت است برتری دارد.کاسب وتاجروکارمند واقشار دیگرکه در مسجدبرای نماز حضور دارندولی فکر ودلش در معامله ودر آمدواهداف دنیوی است ،درحقیقت نماز نخوانده،بلکه آنچه در نماز حضور قلب داشته بهرمند است(همانند یک راننده که مراقب است از خطوط وخط قرمزها عبورنکند واگر قصوری شد فورا اصلاح میکند ،عمل کنیم).حال باید نماز خود را با نماز روز عاشورا مقایسه کنیم ،که موقع اذان نماز جزءکدام افراد آنروز هستیم ،مامومین یا محافظان یا بی تفاوتها یا خدای نکرده تیر اندازان به نمازگزاران؟!

۷۰-درس محرم وصفر-محرم وصفر همانند فروردین واردیبهشت برای اعراب شروع سال بود،که با شادی شروع می شد.ولی بعداز شهادت پیامبر ختمی مرتبت وشروع ظلم وغصب وشهادت دیگر عزیزان پیامبروبدعت گذاریهاوبی عدالتی ها این دو ماه ماههای انده وحزن رقم خورده شد،تا حقانیت ،حق برباطل ،عدل برظلم وجور، وپاکی وصداقت ورستگاری بر دروغ وتزویرو ریا وناپاکی وخدعه وحیله گری آشکار شود.

محرم وصفر،زمان بالیدن است درکنار نالیدن واشک ریختن،بساطش آموزه است نه موزه وتاتر،تمرین خوب نگریستن است

وشعورمذهب است.وکسانی به این اهداف نایل میشوند که عقلشان (حجت الهی وباطنی هر انسان عاقل)هر حقر را تائید وحمایت وهر باطلی را تکذیب وسرکوب کند.معیار حق وباطل راهم قرآن وعترت تعین می فرمایند ولاغیر.در این راستا دنیا وتمام زیبائیهایش را قلیل بدانیم وهیچگاه هیچکس وهیچ چیز وهیچکسی رابه آخرت که کثیر وجاودان است را به دنیا که قلیل وزود گذر است نفروشیم.واز صبر وتقوا وعمل صالح وتفکر در نعم آخرت،خود را ازحرامهای دنیا باز داریم وبه حلالهاوآنچه مقدرمان شده راضی شویم تا خداوند متعال هم از اعمال کم وخالص ما راضی شود.

۷۱–درس نهضتهای موفق: در هر کجای این کره خاکی نهضت وانقلابی که الگوی آن قیام وایستادگی آقا اباعبدالله الحسین ویاران با وفایشان بوده وخواهد بود،موفق وسربلند است .مگر اینکه بمرور زمان از آن خط منحرف شده وامیال نفسانی ووساوس شیطانی،آننهضت وانقلاب را به بیراهه وضعف سوق دهد.

۷۲–درس ترور شخصیت–از زمان پیامبر منافقان وکفار، با نسبتهای ناروای ساحر وکاذب ،شخصیت واقعی پیامبر وهدف ایشان را مقشوش میکردند،ودر هر زمان این حالت بین مومنین ومنافقین وکفار وجود دارد.

۷۳–درس علت العلل:هر اقدامی چه خوب وچه بد دلیلی داردواگر چه دنیا شلوغ وپر جمعیت است وروز بروز هم بر نفوس آن افزوده می شود ،ولی بی حساب وکتاب نیست .در کربلا یزیدیان ابراز نمودند کشتن حسین بخاطر دشمنی وکینه ای بوده که از فتح های پدرشان علی ابن ابیطالب داشته اند،لذا یزیدیان ایمانی به اسلام نداشتند وهمه اش سیاسی کاری بوده است.

۷۴– درس مبارزه با ظلم :مبارزه با ظلم وظالم اگر تعطیل شود ،نوعی همکاری محسوب میشود وظالم را برای ستمهای بزرگ وبزرگتر گستاخ وجسور میکند ،ظلمی که به آقا اباعبدالله در کربلا شد ،شروعش از کوجه های مدینه سرچشمه دارد،که فاطمه دخت پیامبر پس از استدلال حق خود با آیات قرآن دومی سد راه شدوبا جسارت وقلدری سند فدك را گرفت وپاره کرد،این بی حرمتی یزدیان را در کر بلا گستاخ نمود که خون عزیزان پیامبررا بریزند. الهم العن اول ظالم ظلمه بحقه آل محمدوآخره تابعه له علی ذالك.

۷۵–درس آخر:روایات واحادیث باید منطبق با آیات قرآن باشدوهر حدیث وروایتی بایستی از نظر سند وعلم رجال و.....تائید شودواهمیت مکتب تشیع به عتیق وبکر بودن آنست .پیامبری که می فرماید اگر غیبت مومنی را انجام دهید تا چهل روز اعمال صالح شما به پرونده غیبت شونده منتقل می شودواگر عمل صالحی نداشتید گناهان غیبت شونده به پرونده شما وارد می شودوروز قیامت بسیاری می گویند این پرونده ما نیست واعمالی مثل مکه وعمره وعتبات وکارهای خیر انجام داده ایم که وجودندارد،ندا می رسد شما غیبت فلان شخص را کردید واعمال خوبتان به وی منتقل شدوبالعکس (مسبب غیبت هم ازگناه بی بهره نیست).در قرآن هم غیبت کردن را خوردن گوشت میته برادر مومن خوانده وتا چهل روزتوفیقات معنوی از غیبت کننده سلب می شود.حال کجای قران وحدیث ودین ومسلکی ترورهای انتحاری را تائید کرده یا می کند.فقط منطق کفر وزر وزور وتزویر ودنیا طلبی اینگونه انتحارها وبمب گذاریهای نا جوانمردانه را که منجر به کشته شدن افراد بی دفاع واطفال ومردم عادی، برای زندگی حیوانی، چند روز دنیا دامن مزند ولاغیر

کمتر ازقتل و غیبت ،نیش دار بودن زبان ،حتی با کنایه است که بعضا منجر به خسارات مالی وجانی وآبروی طرف مقابل خواهد شدکه شخص خاطی ضامن است وجزءحق الناس است.ودر خانه قبر بستگی به نوع نیشی که زده،به مار ومور وعقرب وغیره تبدیل شده ومتوفا را آزار می دهند ،وتا زمانیکه صاحب حق حلال نکند در بیابان برهوت خواهد بود.

دل که رنجید ازکسی خرسند کردن مشگل است

شیشه بشکسته را پیوند کردن مشگل است

شاید درسهای آموزنده دیگری ازواقعه کربلا استخراج شود ،که این حقیر آنرا به زمان دیگری موکول خواهم کرد واگر عمر

وتوفیق یاریم نبود آنرا به دیگر هم مسلکانم واگذار مکنم .ودرآخربه خود ودیگران توصیه میکنم
ما شیعیان بایـد طوری زندگی کنیم، که اگر کسـی خواست مشـرف به این مکتب غنی، تشیع شود اعمال ما شیعیان را که می بیند مجذوب شود،ودر زندگیمان خدامحور وچهار ده معصوم را الگو قرار دهیم.(در همه ابعاد زنگی) نه اینکه دسـتورالعمل مکتب تشیع را با زنـدگی واقعی و روزمر ه مان مغایر ببیننـد.خوب باشـید واحسان کنیـد تا خداوند هم به شـما احسان کند .ودیگران را بگذارید بجای خودتان وهر چه برای خودتان دوست دارید ا ول برای بقیه بخواهید. تا در دنیا وآخرت رستگار وکامیاب شوید.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

هیچ چشمی و اشکی نزد خداوند محبوب تر از چشم و اشکی نیست که بر حسین علیه السلام بگرید و جاری گردد.
ثواب آنچه جمع آوری شـده را تقـدیم می کنم به پیشـگاه امام عصـر تا ایشان هم تقـدیم نمایند به ارواح کبار آبائشان انشاالله مورد تائیدشان باشد.
حال فرازهائیکه از زیارات مختلف که به وجود مبارک امام حسـین علیه السـلام در زیارات مختلف اطلاق شـده است بتعداد ۱۲۰که نام گرانقدر یا اشاره شده است،به قرار زیر است. وسپس ادامه دروس عاشورا.
در زیر فرازها وسلام ها ئی چنداز خلعتهای الهی (اززیا رات مختلف به آن بزرگ بی همتا) را یادآورمی شوم.

۱-السلام علیک یا بن رسول رب ا لعا لمین .

سلام بر تو ای فرزند فرستاده پروردگا رجها نیان.

۲-السلام علیک یا بن امیر ا لمو منین.

سلام بر تو ای فرزند امیر مو منین علی بن ابیطا لب .

۳-السلام علیک یابن فاطمه الزهرا.

سلام برتو ای فرزند فاطمه ا لزهرا(دخت پیا مبر)

۴-السلام علیکیا حبیب الله، السلام علیک یا صفوه الله.

سلام بر تو ای دوست خدا،سلام بر تو ای بنده خا ص خدا .

۵-السلام علیک یا امین الله .

سلام بر توای امین سر خدا.

۶- السلام علیک یا حجته ا لله.

سلام بر تو ای حجت (دلیل ،ا لگو،معیار، معک ،......راه)خدا.

۷- السلام علیک یا نور ا لله.السلام علیک یا صراط ا لله

سلام بر تو ای نور(را هنما ، روشنائی،.....راه)خدا.سلام بر تو ای راه راست خدا.

۸-السلام علیک یا بیان حکم ا لله، السلام علیک یا ناصر دین ا لله.

سلام بر تو ای مبین (بیان کننده)حکم خدا،سلام بر توای یاری کننده دین خدا.

۹-السلام علیک ایها السید الزکی،السلام علیک ایها ا لبر ا لوفی.

سلام بر تو ای آقای ،نیکو کاری.سلام بر تو ای بز گوار ،وفادار.

۱۰-السلام علیک ایها ا لحق الحقیق،السلام علیک ایها الشهید ا لصدیق.

سلام بر تو ای مقام حق و حقیقت، سلام بر تو ای شهید صدیق

۱۱- اَلسَّلامُ عَلی مَن جَعَلَ اللهُ الشِّفاءَ فی تُربَتِهِ.

سلام بر آن کسی که خداوند شفا را در خاک قبر او قرار داد.

۱۲- أَلسَّلامُ عَلَی الْحُسَینِ الَّذی سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ

سلام بر حسین که جانش را تقدیم(دستور الهی) نمود.

۱۳- أَلسَّلامُ عَلی مَنِ الْاِ جابَـةُ تَحْتَ قُبَّـتِهِ

سلام بر آن کسی که محل اجابت دعا در زیر بارگاه اوست.(حتی مجالس امام حسین علیه السلام)

۱۴- أَلسَّلامُ عَلی خامِسِ أَصْحابِ الْكِسْآءِ

سلام بر پنجمین اهل کسا

۱۵- أَلسَّلامُ عَلی حُجَّةِ رَبِّ الْعالَمینَ

سلام بر حج پروردگار جهانیان

۱۶- السلام عَلی وَلی الله و حبیبه

سلام بر ولی خدا و دوست او

۱۷- السلام عَلی خلیل اللهِ و نَجیبه

سلام بر خلیل خدا بنده نجیب او

۱۸- السلام عَلی صفی الله و بن صفیه

سلام بر بنده برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش

۱۹- السلام عَلی الحسین المظلوم الشهید

سلام بر حسین مظلوم و شهید

۲۰- السلام علی اَسیر الکُربات وَ قتیل العبرات

سلام بر آن بزرگواری که به گرفتاریها اسیر بود و کشته اشک روان گردید.

۲۱- السلامُ علیکَ یا اَبا عبدالله الحسین

سلام بر تو ای پدر بندگان خداوند ای حسین(ای که با جان دادنش دین جان گرفتبعد از او ویرانیش سامان گرفت)

.

۲۲-السَّلام عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ: سلام بر تو ای فرزند رسول خدا

۲۳- السَّلام عَلَیْکَ یَا ابْنَ أَمِیرِ المُؤْمِنِینَ، وَابْنَ سَیِّدِ الوَصِیِّینَ: سلام بر تو ای فرزند امیرالمومنین و ای فرزند اوصیاء

۲۴- السَّلام عَلَیْکَ یَا ابْنَ فاطِمَةَ الزّهراءِ سَیِّدَةِ نِساءِ العالَمِین: سلام بر تو ای فرزند فاطمه که بزرگ زنان جهانیان است.

۲۵- السَّلام عَلَیْکَ یَا ثَارَ اللهِ وابْنَ ثارِهِ وَالْوِتْرَ المَوْتُورَ: سلام بر تو ای آنکه خونخواه تو و پدرت، خداوند است و آنکه انتقام خونت گرفته نشد.

۲۶- السَّلام عَلَیْکَ وَعَلَی الأرواحِ الّتی حَلّتْ بِفِنائِکَ، عَلَیْکُمْ مِنّی جَمیعاً: سلام بر تو و ارواح پاکی که به آستان مقدست سرسپردند. بر همه شما باد و از من.

۲۷- ما بَقِیتُ وَبَقِیَ اللیْلُ وَالنّهارُ یاأبَاعَبْدِ اللهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِیَّةُ: سلام خدا تا هستم و شب و روز برجاست ای اباعبدالله چه بسیار بزرگ است مصیبت شما.

۲۸- السلام علی ا لحسین وعلی علی بن ا لحسین وعلی اولاد ا لحسین وعلی اصحاب ا لحسین.

سلام بر حسین علیه السلام وبر علی بن ا لحسین زین العا بدین علیه السلام وبر فرزندان واصحاب حسین علیه السلام

۲۹- السلام علیک یا داعی ا لله وربانی آ یا ته.

سلام برتو ای دعوت کننده خلق بسوی خدا ومظهر آ یات ا لهی و مرآت صفا ت ربا نی.

۳۰- السلام علیک یا باب الله و دیان دینه.

سلام بر تو ای درگاه خداو حاکم وحافظ دین خدا.

۳۱- السلام علیک یا رحمه ا لله و دلیل ارادته .السلام علیک یا تا لی کتاب ا لله وتر جمانه.

سلام بر تو ای حجت خدا(بر حق عا لم)و راهنمای بندگان به مقا صد ا لهیت،سلام ما بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا (حتی با لای نیزه)و مفسر ومبین حقا یق آن.

۳۲- االسلام عَلَیْنا وَعَلَی جَمِیعِ أهْلِ الإسلام، وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِیبَتُکَ فِی السَّمَوَاتِ عَلَی جَمِیعِ أهْلِ السَّمَوَاتِ: سلام ما وهمه پیروان اسلام بر مصیبت عظمی شما، و بر همه اهل اسلام و چه گران و عظیم است مصیبت شما در آسمانها بر همه اهل آسمانها.

۳۳- فَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً أسَّسَتْ أساسَ الظُّلْمِ وَالجَوْرِ عَلَیْکُمْ أهْلَ البَیْتِ: لعنت خدا بر مردمی که برپاداشته اند، بنای ظلم و ستم را بر شما خاندان پیغمبر.

۳۴- وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً دَفَعَتْکُمْ عَنْ مَقامِکُمْ: لعنت خدا بر مردمی که شما را از مقام خودتان کنار زدند.

۳۵- وَأزالَتْکُمْ عَنْ مَراتِبِکُمُ الّتِی رَتَّبَکُمُ اللهُ فِیها: و دور کردند، شما را از رتبه ای که خداوند به شما داده بود.

۳۶- وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْکُمْ ، وَلَعَنَ اللهُ الْمُمَهِّدِینَ لَهُمْ بِالتَّمْکِینِ مِنْ قِتالِکُمْ: و لعنت خدا بر مردمی که شما را کشتند و لعنت خدا بر مردمی که فراهم نمودند وسایل جنگ با شما را.

۳۷-بَرِئْتُ إلی اللهِ وَإلَیْکُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ أشْیاعِهِمْ وَأتْباعِهِمْ وَأوْلِیائِهِمْ: روی می آورم بسوی خدا و بسوی شما از آنها(یزدیان) و از دوستان و پیروان و اولیای آنها.

۳۸-یَا أبَا عَبْدِ اللهِ ، إنِّی سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَکُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُمْ إلی یَوْمِ القِیامَةِ: ای اباعبدالله الحسین من در صلح هستم با کسی که با شما در صلح است و در ستیزم با کسی که با شما(راه نما) در ستیز است تا روز قیامت.

۳۹- وَلَعَنَ اللهُ آل زِیَاد وَآلَ مَرْوانَ، وَلَعَنَ اللهُ بَنِی اُمَیَّةَ قاطِبَةً: و خداوند لعنت کند آل زیاد و خاندان مروان و بنی امیه را همگی.

۴۰- وَلَعَنَ اللهُ ابْنَ مَرْجانَةَ، وَلَعَنَ اللهُ عُمَرَ بْنَ سَعْد ، وَلَعَنَ اللهُ شِمْراً: و خدا لعنت کند پس مرجانه(ابن زیاد) و خدا لعنت کند عمر پس سعد را و خدا لعنت کند شمر را.

۴۱-وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً أسْرَجَتْ وَألْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ لِقِتالِکَ: و خدا لعنت کند مردمی را که اسبها را زین و لگام زدند و نقاب افکندند برای جنگ با شما.

۴۲-بِأبِی أنْتَ وَاُمِّی لَقَدْ عَظُمَ مُصابِی بِکَ ، فَأسْالُ اللهَ الّذِی أکْرَمَ مَقامَکَ ، وَأکْرَمَنِی بِکَ ، أنْ یَرْزُقَنی طَلَبَ ثارِکَ مَعَ إمام مَنْصُور مِنْ أهْلِ بَیْتِ مُحَمَّد صَلّی الله عَلَیْهِ وَآلِهِ.

پدر و مادرم به فدایت، برای شما که بزرگ است اندوه من، برای شما می خواهم از خدائی که گرامی داشت مقام ترا و به من عزت بخشید بخاطر تو اینکه نصیبم کند، خونخواهی ترا در رکاب امام پیروز(حضرت مهدی ارواحنا له فداک) از اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله که درود خدا بر او و خاندانش.

۴۳-اللهمّ اجْعَلْنی عِنْدَکَ وَجِیهاً بِالحُسَیْنِ عَلَیهِ السَّلام فِی الدُّنْیا وَالآخِرَۀ : خداوندا قرار ده مرا نزد خودت آبرومند بخاطر حسین علیه السلام در دنیا و آخرت.

۴۴-یـاَا أبَا عَبْدِ اللهِ ، إنِّی أتَقَرَّبُ إلی اللهِ وَإلَی رَسُولِهِ ، وَإلی أمِیرِ المُؤْمِنینَ ، وَإلَی فاطِمَةَ ، وإلی الحَسَنِ وَإلَیْکَ بِمُوالاتِکَ ، وَبِالْبَرَاءَۀِ

مِمَّنْ قَاتَلَکَ وَنَصبَ لَکَ الحَربَ ، وبالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ أساسَ الظُّلْمِ وَالجَوْرِ عَلَيْکَمْ ، وَعلی أشياعِکَم وَأبْرَأَ إلی اللهِ وَإلی رَسُولِهِ وَبِالبراءِةِ مِمَّنْ أَسَّسَ أساسَ ذلِکَ : ای حسین جان، من تقرب می جویم به درگاه خدا و پیشگاه رسولش و بسوی امیرمؤمنان و بسوی فاطمه و امام حسن و بسوی تو، بوسیله دوستی تو و بیزاری از آنانکه بپاکردند، بنای ظلم را(اولین شروع کنندگان خطا و گناه و انحراف در دین اسلام را)

۴۵- وَبَنی عَلَيْهِ بُنْيانَهُ ، وَجَرَی فی ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ عَلَيْکُمْ وَعَلَی أشْياعِکُمْ: و بنا نهادند کاخ ستم خود را بر حق شما و ظلم و جور بر شما را پیشه خود ساختند و پیروان شما.

۴۶- بَرِئْتُ إلی اللهِ وَإلَيْکُم مِنْهُمْ ، وَأتَقَرَّبُ إلی اللهِ ثُمَّ إلَيْکُمْ بِمُوالاتِکُم وَمُوالاةِ وَلِيِّکُمْ ، وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ أعْدائِکُمْ ،وَالنَّاصِبِينَ لَکُم الحَرْبَ: بیزاری می جویم بدرگاه خدا و به پیشگاه شما از آنها و تقرب می جویم بوسیله دوستی شما و دوستان شما بسوی خدا و سپس سوی شما و به بیزاری از دشمنان شما و آنانکه علیه شما جنگ بپا کردند.

۴۷- وَبِالبَرَاءَةِ مِنْ أشْياعِهِمْ وَأتْباعِهِمْ : و بیزاری از دوستان و پیروان آنهائی که جنگ علیه شما را به پا کردند.

۴۸- إنِّی سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَکُمْ ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُمْ ، وَوَلِیٌّ لِمَنْ والاکُمْ ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداکُمْ : من در صلحم با کسی که با شما در صلح است و در جنگم با کسی که با شما در جنگ است و دوستم با دوستدار شما و دشمنم با آنکه با شما دشمن است.

۴۹- فَأسْألُ اللهَ الَّذِی أکْرَمَنی بِمَعْرِفَتِکُمْ ، وَمَعْرِفَةِ أوْلِيائِکُمْ: و از خداوند که گرامیم داشته، خواستارم آشنایی شما و آشنایی دوستان شما را.

۵۰- وَرَزَقَنی البَراءَةَ مِنْ أعْدائِکُمْ ، أنْ يَجْعَلَنی مَعَکُمْ فی الدُّنْيا وَالآخِرَةِ: و توفیق و روزیم ده بیزاری از دشمنان شما به اینکه ق۴رار دهد مرا با شما در دنیا و آخرت.

۵۱-وَأنْ يُثَبِّتَ لی عِنْدَکُمْ قَدَمَ صِدْق فی الدُّنْيا وَالآخِرَةِ ، وَأسْألُهُ أنْ يُبَلِّغَنِی الْمقامَ الْمَحْمُودَ لَکُمْ عِنْدَ اللهِ: و پابرجا دارد برای من در پیش ما ثبات قدم را در دنیا و آخرت و از او می خواهم که مرا به مقام پسندیده شما در پیش خدا برساند.

۵۲-وَأنْ يَرْزُقَنِی طَلَبَ ثَارِی کم مَعَ إمَام هُدِیٍّ ظَاهِر نَاطِق بالحَقِّ مِنْکُمْ: و خونخواهی شما را در رکاب امام زمان علیه السلام که راهنمای آشکار و گویای بحق است نصیبم گرداند.

۵۳-وَأسْألُ اللهَ بِحَقِّکُمْ وَبِالشَّأنِ الَّذِی لَکُمْ عِنْدَهُ أنْ يُعْطِيَنِی بِمُصابِی بِکُمْ أفْضَلَ ما يُعْطِی مصاباً بِمُصِيبَتِهِ ، مُصِيبَةً مَا أعْظَمَها وَأعْظَمَ رَزِيّتَهَا فِی الإسْلام وَفِی جَمِيعِ أهلِ السَّموَاتِ وَالارْضِ: از خدا خواستارم بحق شما و به مقامی که برای شما است و در نزد او، اینکه پاداشم دهد در برابر اندوهی که بخاطر شما دارم بهترین پاداش را که به یک مصیب زده از مصیبتی که دیده می دهد براستی چه مصیبت و اندوه بزرگی در اسلام و در همه آسمانها و زمین است.

۵۴- اللهُمَّ اجْعَلْنی فی مَقامِی هذا مِمَّن تَنالُهُ مِنْکَ صَلَواتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ: خداوندا قرارم ده در این مکان که هستم از کسانی باشم که برسد به از طرف تو درود و رحمت و آمرزش.

۵۵- اللهُمَّ اجْعَلْ مَحْيایَ مَحْيا مُحَمَّد وآلِ مُحَمَّد ، وَمَماتی مَماتَ مُحَمَّد وَآل مُحَمَّد: خدایا قرار ده زندگیم را همانند زندگی محمد صلی الله علیه و آله محمد و مرگم را مانند مرگ محمد و آل محمد.

۵۶- السلام علی قتیل الادعیاء: سلام بر کشته شده بدست مردمان پست.

۵۷- اَلسَّلامُ عَلیَ الشِفاهِ الذّابِلات: سلام بر آن لب هایی که ضربه خورد.

۵۸- السَّلامُ عَلیَ قتیل المظلوم: سلام بر کشته شده مظلوم

۵۹- أَلسَّلامُ عَلَی الْعِتْرَة الْقَريبَةِ: سلام بر کسی که اهل البیت غریب بود.

۶۰- أَلسَّلامُ عَلَی الْمُحْتَسِبِ الصّابِرِ: سلام بر آن کسی که حسابگر بود و صبر کرد.

۶۱- أَلسَّلامُ عَلی مَنْ هُتِکَتْ حُرْمَتُهُ: سلام بر کسی که حرمتش هتک شد.

۶۲ – أَلسَّلامُ عَلَی الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ: سلام بر کسی که سرش بالای (نی) نیزه رفت.

۶۳ –أَلسَّلامُ عَلی ولی الله و حبیبه: سلام و درود بر ولی خدا و حبیب(دوست)خدا.

۶۴- أَلسَّلامُ عَلی خلیل الله و نجیبه: سلام و درود بر خلیل خدا و برگزیده خدا.

۶۵- أَلسَّلامُ عَلی صَفی الله و ابنِ صَفیه: سلام و درود بر بنده برگزیده خدا و فرزند صفی خدا.

۶۶- أَلسَّلامُ عَلی الحسین المظلوم الشهید: سلام و درود بر حسین ستمدیده شهید.

۶۷- السلام علیك یابن رسول الله: سلام و درود بر تو ای فرزند رسول خدا.

۶۸- أَلسَّلامُ علیك یابن سید الاوصیاء: درود و سلام بر تو ای فرزند آقای اوصیاء.

۶۹- أَلسَّلامُ علیك یا اباعبدالله، السلام علیك و رحمه الله و برکاته: سلام و درود بر تو ای حسین، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو.

۷۰-اَلسَّلامُ عَلَیکَ یابْنَ الْبشیرِ النَّذیرِ، وَابْنَ سَیدِ الْوَصِیینَ: سلام و درود بر تو ای فرزند بشارت دهنده و ترساننده و فرزند آقای جانشینان.

۷۱- السلام علیك یا خیره الله و ابن خیرته: سلام و درود بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش.

۷۲-السلام علیك اَیها الامام الهادی الزّکی و علی ارواحٍ حلت بفنائك: درود بر تو ای امام راهنمای پاکیزه و بر روان هایی که فرود آمدند.

۷۳- السلام علیك یا ابا عبد الله الحسین و علی من ساعدك و عاونك و واساك بنفسه و بذل مهجته فی الذّب عنك :درود بر تو ای اباعبدالله الحسین و بر هرکه پشتیبانی تو را کردو با جانشین تو همدردی کرد و بذل و نثار نمود خون دلش را در راه دفاع تو

۷۴- السلام علیك یا مولای و علیهم و علی روحك و علی ارواحهم و علی تربتك و علی تربتهم: سلام و درود بر تو ای سرور من و بر آنان و بر روان تو و روان آنان و بر خاك تو و بر خاك آنان.

۷۵- السلام علیك یا مولای یا ابا عبدالله یابن خاتم النبیین و یابن سید الوصیین و یابن سیدهٔ نساء العالمین: سلام و درود بر تو ای مولای من ای اباعبدالله ای فرزند خاتم پیغمبران و ای فرزند سید و اوصیاء و ای فرزند بانوی بانوان جهانیان

۷۶- السلام علیك یا شهید یابن الشهید: سلام و درود ای شهید و ای فرزند(دو) شهید.

۷۷- السلام علیك یابن سیدهٔ العالمین و علی المستشهدین معك سلاما متصلا ما اتصل اللیل و النهار: درود و سلام ای فرزند آقای دو جهان(امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب) و بر شهید شدگان با تو، درود همیشه تا پیوسته است شب و روز.

۷۸- السَّلامُ عَلَی الشُّهَدآءِ مِنْ وُلْدِ امیرالمؤمنین: درود و سلام بر شهیدان از فرزندان امیرالمؤمنین.

۷۹- َلسَّلامُ عَلَیكَ یا وارِثَ ادَمَ صِفْوَهِٔ اللّهِ سلام بر تو ای وارث حضرت آدم برگزیده خدا

۸۰-َلسَّلامُ عَلَیكَ یا وارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللّهِ سلام بر تو ای وارث حضرت نوح پیامبر خدا

۸۱- اَلسَّلامُ عَلَیكَ یا وارِثَ اِبْراهیمَ خَلیلِ اللّهِ سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا

۸۲- اَلسَّلامُ عَلَیكَ یا وارِثَ مُوسی كَلیمِ اللّهِ سلام بر تو ای وارث موسی هم گفتار خدا

۸۳- اَلسَّلامُ عَلَیكَ یا وارِثَ عیسی رُوحِ اللّهِ سلام بر تو ای وارث حضرت عیسی روح خدا

۸۴- اَلسَّلامُ عَلَیكَ یا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبیبِ اللّهِ سلام بر تو ای وارث حضرت محمد حبیب خدا

۸۵- اَلسَّلامُ عَلَیكَ یا وارِثَ عَلِی اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَلِیِّ اللّهِ سلام بر تو ای وارث علی امیر مؤ منان ولی خدا

۸۶-َلسَّلامُ عَلَیكَ یا وارِثَ فاطمه الزهراء: سلام و درود بر تو ای وارث فاطمه زهرا.

۸۷- اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا بْنَ محمد مصطفی: سلام و درود بر تو ای فرزند محمد مصطفی

۸۸- اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا بْنَ علی مرتضی: سلام و درود بر تو ای پسر علی مرتضی

۸۹- اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا بْنَ خدیجه الکبری: سلام و درود بر تو ای فرزند خدیجه کبری.(نوه در حکم فرزند است)

۹۰- اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا ثارَ اللّهِ وَابْنَ ثارِهِ و الْوِتْرُ الْمَوْتُورُ: سلام و درود بر تو ای خونی که خدا طلبید و فرزند خونی که خدا طلبید و تنها دادخواه خون توست.

۹۱- السلام علیک یَا بْنَ خاتَمِ النَّبِیّینَ، وَ ابْنَ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ وَابْنَ اِمامِ الْمُتَّقینَ، وَابْنَ قآئِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلینَ اِلی جَنّاتِ النَّعیمِ: سلام و درود بر تو ای فرزند خاتم پیغمبران و فرزند سید اوصیاء و فرزند پیشوای پرهیزکاران و فرزند رهرو سفیدرویان بسوی بهشتهای پرنعمت

۹۲- اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صَریعَ الْعَبْرَةِ السّاکِبَةِ، وَقَرینَ الْمُصیبَةِ الرّاتِبَةِ: سلام بر تو ای کشته اشک ریزان و همدم مصیبت پیاپی و مرتب

۹۳- اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلی جَدِّکَ وَاَبیکَ، وَاُمِّکَ وَاَخیکَ، وَعَلَی الْأَئِمَّةِ مِنْ بَنیکَ، وَعَلَی الْمُسْتَشْهَدینَ مَعَکَ: سلام بر تو و بر جد و پدر و مادر و برادرت باد و هم بر امامان از فرزندانت و بر شهید شدگان با تو

۹۴- وَالسَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ، بِاَبی اَنْتَ وَاُمّی یا بْنَ رَسُولِ اللّهِ بِاَبی اَنْتَ وَاُمّی یا اَبا عَبْدِ اللّهِ: سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش پدر و مادرم بفدایت ای فرزند رسول خدا پدر و مادرم به فدایت ای ابا عبداللّه

۹۵- این حسین کیست که عالم همه دیوانه اوستاین چه شمعی است که عالم همه پروانه اوست

دشمنت کشت ولی نور تو خاموش نشدآری آن جلوه که خاموش نشود نور خداست

امام فرمودند: من به زودی می روم و مرگ بر انسان جوانمرد عار نیست، مرگ با عزت بهتر است از زندگی با ذلت، اگر مردم مرگ را آنگونه که باید و شایسته ۱۰۳- است، درست درک می کردند و به آن می اندیشیدند هر آیینه دنیا خراب می گشت.

۹۶- اَلسَّلامُ عَلی اَوْلِیآءِ اللّهِ وَاَصْفِیآئِه: سلام بر بندگان مقرب خدا و بر برگزیدگانش

۹۷- اَلسَّلامُ عَلی اُمَنآءِ اللّهِ وَاَحِبّآئِه: سلام بر آنانکه امین خدا و دوستان اویند

۹۸- اَلسَّلامُ عَلی اَنْصارِ اللّهِ وَخُلَفآئِهِ : سلام بر یاران خدا و جانشینانش

۹۹- اَلسَّلامُ عَلی مَحآلِّ مَعْرِفَةِ اللّهِ

سلام بر جایگاههای معرفت خدا

۱۰۰- اَلسَّلامُ عَلی مَساکِنِ ذِکْرِ اللّهِ

سلام بر مسکنهای ذکر خدا

۱۰۱- اَلسَّلامُ عَلی مُظْهِری اَمْرِ اللّهِ وَنَهْیِهِ

سلام بر آشکار سازندگان امر و نهی خدا

۱۰۲- اَلسَّلامُ عَلَی الدُّعاةِ اِلَی اللّهِ

سلام بر خوانندگان (مردم) بسوی خدا

۱۰۳- لسَّلامُ عَلَی الْمُسْتَقِرّینَ فی مَرْضاتِ اللّهِ

سلام بر استقرار یافتگان در خوشنودیهای خدا

۱۰۴- اَلسَّلامُ عَلَی الْمُخْلِصینَ فی طاعَةِ اللّهِ

سلام بر مخلصان در فرمانبرداری خدا

۱۰۵- ا لسَّلامُ عَلَی الْأَدِلاّءِ عَلَی اللّهِ: سلام بر راهنمایان بسوی خدا

۱۰۶- اَلسَّلامُ عَلَی الَّذینَ مَنْ والاهُمْ فَقَدْ والَی اللّهَ، وَمَنْ عاداهُمْ فَقَدْ عادَی اللّهَ، وَمَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللّهَ، وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ

اللَّه، وَمَنِ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَمَنْ تَخَلّی مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلّی مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: خدا سلام بر آن بزرگوارانی که هر که دوستشان دارد خدای را دوست داشته و هر که دشمنشان دارد خدای را دشمن داشته و هر که آنان را بشناسد خدای را شناخته و هر که نشناسدشان خدای را نشناخته و هر که بدانان چنگ زند به خدا چنگ زده و هر که آنان را رها کند خدای عزوجل را رها کرده است

۱۰۷- اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَهْلَ بَیْتِ النُّبُوَّةِ،وَمَوْضِعَ الرِّسالَةِ، وَمُخْتَلَفَ الْمَلائِکَةِ، وَمَهْبِطَ الْوَحْیِ وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ، وَخُزّانَ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَی الْحِلْمِ، وَاُصُولَ الْکَرَمِ، وَقادَةَ الْأُمَمِ، وَاَوْلِیآءَ النِّعَمِ، وَعَناصِرَ الْأَبْرارِ، وَدَعآئِمَ الْأَخْیارِ، وَساسَةَ الْعِبادِ...

سلام بر شما ای خاندان نبوت و جایگاه رسالت و مرکز رفت و آمد فرشتگان و جای فرود آمدن وحی (الهی) و معدن رحمت (حق) و گنجینه‌داران دانش و سرحد نهائی بردباری و اصول و اساس کرم و بزرگواری و پیشوایان ملتهاو در اختیار دارندگان نعمتها و ریشه و اصول نیکان و استوانه‌های خوبان و زمامداران بندگان...

۱۰۸- اَلسَّلامُ عَلی اَئِمَّةِ الْهُدی، وَمَصابیحِ الدُّجی وَاَعْلامِ التُّقی، وَذَوِی النُّهی، وَاُولِی‌الْحِجی، وَکَهْفِ الْوَری، وَوَرَثَةِ الْأَنْبِیآءِ، وَالْمَثَلِ الْأَعْلی

سلام بر پیشوایان هدایت و چراغهای تاریکی و نشانه‌های پرهیزکاری و صاحبان‌خرد و دارندگان عقل و فطانت و پناهگاه مردمان و وارثان پیمبران

۱۰۹- اَلسَّلامُ عَلی مَحآلِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَمَساکِنِ بَرَکَةِ اللَّهِ، وَمَعادِنِ حِکْمَةِ اللَّهِ، وَحَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ، وَحَمَلَةِ کِتابِ اللَّهِ، وَاَوْصِیآءِ نَبِیِّ اللَّهِ، وَذُرِّیَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ،

و رحمت خدا و برکاتش (نیز بر ایشان باد) سلام بر جایگاههای شناسائی خدا و مسکنهای برکت‌خدا و کانهای حکمت و فرزانگی خدا و نگهبانان راز خدا و حاملان کتاب خدا و اوصیاء پیامبر خدا و فرزندان رسول خدا صلی اللّه علیه و آله، و رحمت خدا و برکاتش (نیز بر ایشان باد)

۱۱۰- اَلسَّلامُ عَلَی الدُّعاةِ اِلَی اللّهِ وَالْأَدِلاَّءِ عَلی مَرْضاتِ اللّهِ، وَالْمُسْتَقِرّینَ فی اَمْرِ اللَّهِ، وَالتّآمّینَ فی مَحَبَّةِ اللَّهِ، وَالْمُخْلِصینَ فی تَوْحیدِ اللَّهِ

سلام بر خوانندگان بسوی خدا و رهنمایان بسوی موجبات خوشنودی خدا و استقرار یافتگان در فرمان خدا و کاملان در دوستی و محبت خدا و مخلصان در یگانه‌پرستی خدا

۱۱۱- اَلسَّلامُ عَلَی الْأَئِمَّةِ الدُّعاةِ وَالْقادَةِ الْهُداةِ، وَالسّادَةِ الْوُلاةِ، وَالذّادَةِ الْحُماةِ، وَاَهْلِ الذِّکْرِ وَاُولِی الْأَمْرِ، وَبَقِیَّةِ اللَّهِ

بر خداوند در گفتار و آنانکه بدستورش عمل کنند، و رحمت خدا و برکاتش (بر ایشان باد) سلام بر امامان دعوت کننده (بحق) و پیشوایان راهنما و آقایان سرپرست و دفاع کنندگان و حامیان (از دین خدا)و اهل ذکر و فرمانداران و نمایندگان خدا

۱۱۲- اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمینَ اللَّهِ فی اَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ عَلی عِبادِهِ اَشْهَدُ اَنَّکَ جاهَدْتَ فِی اللَّهِ

سلام و درود بر تو ای امین خدا، در روی زمین و حجت خدا بر بندگانش، گواهی می دهم که تو جهاد کردی در راه خدا

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَی الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ عَبْدَیْکَ، وَوَلِیَّیْکَ، وَابْنَیْ رَسُولِکَ، وَسِبْطَیِ الرَّحْمَةِ، وَسَیِّدَیْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ، اَفْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلی اَحَدٍ مِنْ اَوْلادِ النَّبِیّینَ، وَالْمُرْسَلینَ

خدایا درود فرست بر حسن و حسین دو بنده و دو نماینده‌ات و دو فرزند پیامبرت و دو سبط (دو نوه پیامبرت) پیامبر رحمت و دو آقای جوانان اهل بهشت بهترین درودی را که بفرستی بر یکی از فرزندان پیامبران و مرسلین .

۱۱۳- ا لسلام علیك یا بن رسول ا لله.

سلام بر تو ای فرزند رسول (فرستا ده) خدا.

۱۱۴–ا لسلام علیك یا بن امیر المو منین.

سلام بر تو ای فرزند ا میر ا لمومنین (علی بن ابیطا لب).

۱۱۵–السلام علیک یا بن سیده نساء ا لعا لمین.

سلام بر تو ای فر زندبزرگ زنان عا لم.(دخت پیامبرو همسر اما م ومادر یازده امام معصوم)

۱۱۶–ا لسلام علیك یا حبیب ا لله.

سلام بر تو ای دوست خدا.

۱۱۷–السلام علیک یا صفوه ا لله.

سلام بر تو ای بنده خاص خدا.

۱۱۸–السلام علیک یاامین ا لله.

سلام بر تو ای امین سر خدا.

۱۱۹–ا لسلام علیك یا بیان حکم ا لله.

سلام بر تو ای مبین حکم خدا.

۱۲۰–ا لسلام علیك ایها ا لشهید ا لصد یق یا ابا محمد ا لحسن بن علی و رحمه ا لله و بر کا ته .

سلام بر توای شهید صدیق، ای ابا محمد حسن بن علی و رحمت و بر کا ت خدا بر شما.

خداوندا درود بفرست بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اهل البیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و تسریع در امر فرج ذخیره امامت فرما و لعن کن دشمنان ایشان را برکت ده این درود را ابراهیم و آل ابراهیم که شامل شریعت و طریقت و حقیقت دین چون هم خدا و هم پیامبر و هم ولایت در صلوات مذکور آمده و تولی و تبری و استمرار آنها تا حضرت ابراهیم علی صلواتنا علیه.

تمام عالم وجود در محضر پیامبرو ائمه اطهار آشکار است مگر کنه ذات خدا.

و آن بدین دلیل است بی نهایت در محدود نمی گنجد ولی بقیه مسائل همانند خمیری که در کف دست مطیع شماست، به همین ترتیب تمام عالم وجود(مگر ذات خداود متعال) در تصرف چهارده معصوم از ضمیر کف دست ما آشکارتر است.

آقا اباعبدالله الحسین از اول بنا بود که شهید شوند، زیرا در بدو تولد ایشان جبرائیل خدمت پیامبر رسید و ضمن تبریک پیغام شهادت امام حسین علیه السلام را به پیامبر رساند و پیامبر متأثر شدو و گریان شدند ولی جبرائیل نوید داد که مقام شفاعت(برای آن گروه از شیعیان که بصورت انسان، وارد محشر می شوند و تحت قبه ایشان دعا را (که مصلحت باشد) به اجابت و شفا در تربت ایشان و بقیه الله را در نسل ایشان قرار دادند.

ولی مؤمن (ائمه اطهار) واقعی را در آسمانها آنطوری می شناسند که در زمین مرد، زن و بچه اش را می شناسد.

مؤمن از ملک مقرب هم بالاتر است، زیرا ملک نمی تواند گناه کند ولی مؤمن می تونـد گناه کند ولی تقوا را پیشه خود قرار می دهد، لذا اگر کسی به دنیا و مادیات وابسته نباشد مؤمن است و بهشتیان را، ملائک با تعجب می نگرند که چطور مجذوب دنیا نشدندو در ورود به بهشت به مؤمنین می گویند، سلامٌ علیکم بما صَبرتم، نعمل عقبی الدار هنیئاً لک، اُدخلوها بسلام آمین: سلام بر شما به آنچه صبر نمودید، خوب سرای آخرتی دارید، گوارایتان باد، داخل شوید به سلامت.

ولی در درب جهنم، خازنهای آن با شدت و غضب با جهنمیان برخورد کرده و می پرسند مگر پیامبران را قبول نداشتید و نماز نمی خواندید و جهنمیان می گویند، اگر عقل خود را بکار می بردیم و گوشمان شنوا بود الان اینجا(جهنم) نبودیم.

اینکه می گویند اشکی جهنم را خاموش می کند، آن اشکی است که از چشم مؤمن بریزد نه اینکه شخص فاسق یا فاسدی اشک بریزد و بیرون از مجلس حسین با کارهایش اشک امام حسین را در آورد، کجا می تواند با اشک مؤمن یکسان باشد.

لذا معصوم فرمودند هر کس که خدا را اطاعت کند و به ما وابسته باشد نفعی برای او هست ولی اگر خدا را پیروی نکند، حتی دوستی ما برای او نفعی ندارد.

ملك الموت، موقع ملاقات با میت فاسق و فاجر با درشتی و کتك مواجه می شود و با توهین و مشت های محکم پذیرایی می شوند و با توهین با آنان برخورد می کنند.

ولی در مقابل مؤمن که صاف و سالم زندگی کند و ایمانش را نگه داشته، مثل یك بنده ذلیل که در مقابل مولای جلیلش اجازه می گیرد، می پرسد بیایم یا خیر، اگر اجازه داد جلو می اید و با عزت او را قبطه می روح می کند و به مؤمن می گوید بخدا قسم از پدر و مادرت به شما مهربانترم. در زمان غیبت اگر کسی خود را از گناه باز دارد ثواب هزار شهید از شهداء بدر و اد را دارد.

ثابت قدمها در دین ثوابشان از هزار شهید بالاتر است.

یك طرف سکه شهرت و دنیا است و طرف دیگرش اوج واقعی و رستگاریست. اسیر شهوات، مثل الاغ است بلکه بدتر از آن.

مویه و گریه کردن برای نقصان مالی و جانی چندان توصیه نشده است و کسی که عزیزی را از دست می دهد یا مالی و آبرویی از او می رود فقط باید به خدا پناه برد و صبر پیشه نماید ولی برای اولیاء الهی و معصومین خصوصاً آقا اباعبدالله الحسین فضیلت است همینطور زیارت قبورشان ، ولی باید این گریه ها و زیارات انسان را متحول نماید و در مراجعت از زیارت یا مجلس عزاداری امه اطهار تصمیم بگیرید به خلق و خوی و رویه آنها اقتداء کنیم و از آلودگیهای شیطانی دست برداریم.

کسی که خود را شیعه می داند، در گرفتاریهای خانوادگی و شهری و میهنی خود بی تفاوت نیست و با تلاش و کوشش خود و دیگران مشکلات مادی و معنوی همدیگر را بر طرف می نمایند و الا معاند به حساب می آیند و از تشیع جز نامی نخواهند داشت.

چه برسد به اینکه با مخفی کاری و حق کشی و حق و ناحق کردن ویا خدای نا کرده آبروی شیعیان واقعی و ائمه اطهار را برده و مانع تبلیغ مکتب شده و اگرچه نامش فرعون، یزید و معا ویه و ... نیست بلکه عملش در راستای جنایات و بی عدالتی های آنهاست لذا آب نمی بیند والا شناگر ماهری است.

حکومت اسلامی یعنی حکومت فرامین الهی بر مردم و مردم هم سمعاً و طاعتاً باید باشند و از خود سلیقه و نظری ندارند زیرا خداوندی که ما را خلق کرده و هر عضوی از بدنمان ر ا با حکمت و درایت در بدنمان قرار داده، بهتر می داند که چه چیزی برایمان حلال یا حرام است و چه کاری به نفع یا ضررمان است ولی بشر ممکن است در مقطی از زمان بگوید آپاندیس عضو زائد بدن است و در کودکی بایستی عمل شود و پس از چند سال بگوید اشتباه کردیم آپاندیس تا مادامی که عود نکد نبایستی عمل شود و در حکم درین بدن است.

کسی که به زیارت چهارده معصوم رفته و در مراجعت از صفات و رفتار آنها درسی نگرفته، چطور می تواند ادامه دهنده حماسه پیشوایان باشد، زیرا گریه و زیارت شرکت در حماسه و استمرار راه ایشان است.

و عاشورا یك حادثه نبود، بلکه یك فرهنگ شیعه گری است که مال و ثروت را برای حفظ آبرویمان بخواهیم و آبرویمان را برای حفظ دینمان که دین با قبول قلبی و اقرار به زبان و عمل به جوارحمان محقق می شود. کسانی که در سه مورد اخیر و یا حتی در یکی از آنها کم بیاورند، به همان اندازه معاند و کافر به دین است.خدا نکند همچون استخرآبی ذلال باشیم، که بامطلا طم شدن ویا حرکت کف آن ،تمام لجنها وکثا فات بروی آب آمده وذلا لی آب را تاریك وکدر نموده ودیگران از نظاره به آن مشمعزکند.لذا شیعه بایستی آبروی ائمه اطهارباشد،وازآنچه حرام است،پرهیز نماید،

مگر تقیه داشته باشد ویا از روی عصبانیت ، زبان یا قلب یا عمل خود را منحرف کند.(درچنین مواردی باید در اولین فرصت توبه وجبران واصلاح نماید) لذا تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

اربعین: چهلمین روز شهادت آقا اباعبدالله الحسین، اربعین است که علی القاعده سال بعد از شهادت آقا اباعبدالله الحسین جابرابن

عبدالله که هفت معصوم و پنج امام را درک کرده بود و نابینا شده بود به همراه عطیه که خود مرد دانشمند و مفسر قرآن بود گفت، ای عطیه مرا به کنار فرات ببر تا غسل کنم و چون جابر غسل نمود از قبل دو حوله آورده بود، لذا دو حوله ای را به حالت احرام به خود بست و با یک گیاه خوشبو خود را معطر نمود و در حالیکه دستش در دست عطیه بود به قبر مطهر امام حسین بدون راهنمائی عطیه رفت و تا به تربت پاک آن بزرگوار رسید، عطیه از جابر پرسید از کجا فهمیدی اینجا قبر آن بزرگوار است؟ جابر گفت از بوی حسین و سلام کرد و گفت یا حبیبی و چون جوابی نشنید گفت: چطور می توانی جواب دهی در حالی که بین سر و بدن تو فرسنگها فاصله است.

جابربن انصاری هم حسین را دوست می داشت، هم عملش را و لذا گفت ای حسین من اَحَبَ قوم مَعَ حشرهم کسی که عمل قومی را دوست بدارد با آن محشور می وشد و گفت یا لیتنی کنت معکم ای کاش من هم با شما بودم و در رکابت شهید می شدم.

صدای جرس کاروان زینب به گوش رسید و با نزدکی شدن به قبر مطهر، مثل برگ های پائیز که از درختان می ریز، کاروانیان خود را از مرکب هایشان به زمین انداختند و اول بچه ها را اجازه زیارت دادند و سکینه گفت: بابا ای کاش نمی دیدم روزی را که از تو جدا شدم و حضرت زینب کبیر آمدند و وا اَخاه و یا علی و یا زهرا و یا جدا سر دادند تا جای که بیهوش شدند، چون به هوش آمدند ، گفت برادر جان، امانت هایی که به من دادی همه را برگرداندم، فقط یک امانت تو را در خرابه شام جا گذاشتم.

حرکت امام حسین علیه السلام از مکه تا کربلا، حرکت از پیش تعیین شده بوده.

حرکت امام حسین علیه السلام و اسراء از کربلا تا شام، حرکت تنظیم برنامه بوده.

و حرکت اسراء از شام به طرف کربلا و مدینه نقطه اوج نهضت حسینی بوده.

زیرا حضرت زینب به یزید بن معاویه فرمودند ما رأیت الا ـ جمیلاً ـ من این حرکت و نهضت را چیزی جزء زیبایی ندیدم.پس از حسین، رسالت رسید به زینب نبود نام حسینی ، اگر نبود زینب به حرمت زهراست ، وگر نه می گفتم هم از ملک بود افضل ،هم از بشر زینب

و امام خانواده خود را به همراه آوردند و برای تطبیق و تطابق و علل مبقیه اسلام: لذا هر کجا مشکلی هست اگر حدود الهی رعایت شده باشد، در کنارش زیبایی است. از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نقل است که فرمودند: علامات مؤمن پنج چیز است، ۱- پنجاه رکعت نماز خواندن در شبانه روز که مراد هفده رکعت فریضه و سی و چهار رکعت نافله است ۲- زیارت اربعین خواندن در روز اربعین ۳-انگشتر در دست راست نمودن ۴-جبین را در سجده بر خاک گذاشتن ۵- بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن است.

ترجمه زیارت اربعین:

سلام بر ولی خدا و دوست او سلام بر خلیل خدا و بنده نجیب او سلام بر بنده

برگزیده خدا و فرزند برگزیده‌اش سلام بر حسین مظلوم و شهید سلام بر آن بزرگواری که به گرفتاریها

اسیر بود و کشته اشکِ روان گردید خدایا من براستی گواهی دهم که آن حضرت ولیّ (و نماینده) تو و فرزند ولیّ تو بود و برگزیده‌ات و فرزند برگزیده‌ات بود که کامیاب شد به بزرگداشت تو، گرامیش کردی بوسیله شهادت و مخصوصش داشتی به سعادت و برگزیدی او را به پاکزادی و قرارش دادی یکی از آقایان (بزرگ) و از رهروان پیشرو و یکی از کسانی که از حق دفاع کردند و میراثهای پیمبران را به او دادی و از اوصیائی که حجت تو بر خلقت هستند قرارش دادی او نیز در دعوت مردم جای عذر و بهانه‌ای(برای کسی) نگذارد و بیدریغ خیرخواهی کرد و جان خود را در راه تو داد تا برهاند بندگانت را از (گرداب) جهالت و نادانی و سرگردانی (در وادی) گمراهی و چنان شد که همدست شدند بر علیه آن حضرت کسانی که دنیا فریبشان داد و فروختند

بهره (کامل و سعادت خود را) به بهای پست ناچیزی و بداد آخرتش رادرمقابل بهائی اندک و بی‌مقدار و بزرگی کردند و خود را در چاه هوا و هوس سرنگون کردند، و تو و پیامبرت را بخشم آوردند و پیروی کردند از میان بندگانت آنانی را که اهل دو دستگی و نفاق بودند و کسانی را که بارهای سنگین گناه بدوش می‌کشیدند و بدین جهت مستوجب دوزخ گشته بودند آن حضرت (که چنان دید) با شکیبائی و پاداش‌جوئی با آنها جهاد کرد تا خونش در راه پیروی تو ریخت و حریم مقدسش شکسته شد خدایا آنان را لعنت کن به لعنتی و بال‌دار و

عذابشان کن به عذابی دردناک سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند آقای اوصیاء گواهی دهم که براستی تو امانتدار خدا و فرزند امانت‌دار اوئی سعادتمند زیستی و ستوده از دنیا رفتی و گمگشته و ستمدیده و شهید درگذشتی و نیز گواهی دهم که خدا براستی وفا کند بدان وعده‌ای که به تو داده وبه‌هلاکت رساند هرکه را که دست از یاریت برداشت و عذاب کند کسی که تو را کشت و گواهم دهم که تو بخوبی وفا کردی به عهد خدا و جهاد کردی در راه او تا مرگت فرا رسید خدا لعنت کند کسی که تو را کشت و خدا لعنت کند کسی که به تو ستم کرد و خدا لعنت کند مردمی که شنیدند جریان کشتن و ستم تو را و بدان راضی بودند خدایا من تو را گواه می‌گیرم که من دوست دارم هر که او را دوست دارد و دشمنم با هر که او را دشمن دارد پدرم و مادرم بفدایت ای فرزند رسول خدا گواهی دهم که تو براستی نوری بودی در پشت پدرانی بلند مرتبه و رحمهائی پاکیزه که آلودهات نکرد اوضاع زمان جاهلیت به آلودگیهایش و در برت نکرد از لباسهای چرکینش و گواهی دهم که براستی تو از پایه‌های دین و ستونهای محکم مسلمانان و پناهگاه مردمان با ایمانی و گواهی دهم که تو براستی پیشوای نیکوکار با تقوا و پسندیده و پاکیزه و راهنمای راه‌یافته‌ای و گواهی دهم که همانا امامان از فرزندانت روح و حقیقت تقوی و نشانه‌های هدایت و رشته‌های محکم (حق و فضیلت) و حجتهائی بر مردم دنیا هستند و گواهی دهم که من به شما ایمان دارم و به بازگشتتان یقین دارم با قوانین دینم و عواقب کردارم و دلم تسلیم دل شما است

و کارم پیرو کار شما است و یاریم برایتان آماده است تا آنکه خدا در ظهورتان اجازه دهد پس با شمایم نه با دشمنان شما درودهای خدا بر شما و بر روانهای شما و پیکرهایتان و حاضرتان و غائبتان و آشکارتان و نهانتان آمین ای پروردگار جهانیان

نقشه بیست و پنج گنج بزرگ دنیا از زبان امام صادق علیه السلام

۱–طلبتُ الجنهٔ، فوجدتها فی السخأ:بهشت را جستجو نمودم، پس آن را در بخشندگی و جوانمردی یافتم.

۲– و طلبتُ العافیهٔ، فوجدتها فی العزلهٔ:و تندرستی و رستگاری را جستجو نمودم، پس آن را در گوشه گیری (مثبت و سازنده) یافتم.

۳– و طلبت ثقل المیزان، فوجدته فی شهادهٔ «ان لا اله الا الله و محمد رسول الله»: و سنگینی ترازوی اعمال را جستجو نمودم، پس آن را در گواهی به یگانگی خدا تعالی و رسالت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) یافتم.

۴– و طلبت السرعهٔ فی الدخول الی الجنهٔ، فوجدتها فی العمل لله تعالی: سرعت در ورد به بهشت را جستجو نمودم، پس آن را در کار خالصانه برای خدای تعالی یافتم.

۵–و طلبتُ حب الموت، فوجوته فی تقدیم المال لوجه الله: و دوست داشتن مرگ را جستجو نمودم، پس آن را در پیش فرستادن ثروت (انفاق) برای خشنودی خدای تعالی یافتم.

برگ عیشی به گور خویش فرست کس نیارد ز پس، تو پیش فرست

۶–و طلبت حلاوهٔ العبادهٔ، فوجدتها فی ترک المعصیهٔ: و شیرینی عبادت را جستجو نمودم، پس آن را در ترک گناه یافتم.

۷–و طلبت رقهٔ القلب، فوجدتها فی الجوع و العطش: و رقت (نرمی) قلب را جستجو نمودم، پس آن را در گرسنگی و تشنگی

(روزه) یافتم.

۸–و طلبت نور القلب، فوجدته فی التفکر و البکأ: و روشنی قلب را جستجو نمودم، پس آن را در اندیشیدن و گریستن یافتم.

۹–و طلبت الجواز علی الصراط، فوجدته فی الصدقهٔ: و (آسانی) عبور بر صراط را جستجو نمودم، پس آن را در صدقه یافتم.

۱۰–و طلبت نور الوجه، فوجدته فی صلاهٔ اللیل: و روشنی رخسار را جستجو نمودم، پس آن را در نماز شب یافتم.

۱۱–و طلبت فضل الجهاد، فوجدته فی الکسب للعیال: و فضیلت جهاد را جستجو نمودم، پس آن را در به دست آوردن هزینه زندگی زن و فرزند یافتم.

۱۲–و طلبت حدب الله عزوجل، فوجدته فی بغض اهل المعاصی: و دوستی خدای تعالی را جستجو کردم، پس آن را در دشمنی با گنهکاران یافتم.

۱۳–و طلبت الرئاسهٔ، فوجدتها فی النصیحهٔ لعبادالله: و سروری و بزرگی را جستجو نمودم، پس آن را در خیرخواهی برای بندگان خدا یافتم.

۱۴–و طلبت فراغ القلب، فوجدته فی قلهٔ المال: و آسایش قلب را جستجو نمودم، پس آن را در کمی ثروت یافتم.

۱۵– و طلبت عزائم الامور، فوجدتها فی الصبر:و کارهای پر ارزش را جستجو نمودم، پس آن را در شکیبایی یافتم.

۱۶– و طلبت الشرف، فوجدته فی العلم: و بلندی قدر و حسب را جستجو نمودم، پس آن را در دانش یافتم.

۱۷–و طلبت العبادهٔ فوجدتها فی الورع: و عبادت را جستجو نمودم، پس آن را در پرهیزکار یافتم .

۱۸–و طلبت الراحهٔ، فوجوتها فی الزهد: و آسایش را جستجو نمودم، پس آن را در پارسایی یافتم.

۱۹–و طلبت الرفعهٔ، فوجدتها فی التواضع: برتری و بزرگواری را جستجو نمودم، پس آن را در فروتنی یافتم.

۲۰–و طلبت العز، فوجدته فی الصدق: و عزت (ارجمندی) را جستجو نمودم، پس آن را در راستی و درستی یافتم.

۲۱–و طلبت الذلهٔ، فوجدتها فی الصوم: و نرمی و فروتنی را جستجو نمودم، پس آن را در روزه یافتم.

۲۲–و طلبت الغنی، فوجدته فی القناعهٔ: و توانگری را جستجو نمودم، پس آن را در قناعت یافتم.

۲۳–و طلبت الانس، فوجدته فی قرائهٔ القرآن: و آرامش و همدمی را جستجو نمودم، پس آن را در خواندن قرآن یافتم.

۲۴–و طلبت صحبهٔ الناس، فوجدتها فی حسن الخلق: و همراهی و گفتگوی با مردم را جستجو نمودم، پس آن را در خوشخویی یافتم.

۲۵–و طلبت رضی الله، فوجدته فی برالوالدین: و خوشنودی خدا تعالی را جستجو نمودم، پس آن را در نیکی به پدر و مادر یافتم.

پیامبرفرمودند: هرکس از این دنیا به آخرت می رود باید ده هدیه ببرد و در هر هدیه چهر مطلب

هدیه ای برای حضرت عزرائیل

حق و حق دار را رد نمایند.

آنچه از شما قضا شده است را ادا کنید.

شوق رفتن بطرف خدا داشته باشید.

آماده مرگ باشید.

هدیه قبر

ترک سخن چینی کنید

طهارت را رعایت کنید(طهارت جسم، طهارت از بول و طهارت نفس)

قرائت قرآن، آنچه برایتان میسر است را بخوانید.

قرائت نماز شب نمائید.

هدیه نکیر و منکر

صدق السان، راستگوئی باشید

ترک الغیبه، غیبت نکنید و نشنوید

قول الحق، حق را بگوئید و لا به ضرر شما باشد یا کشته شوید

تواضع داشته باشید(آنقدر متواضع باشید که بعضی فکر می کنندعد دی نیستید)

هدیه میزان

کضم الغیض(خشم خود را فرو بردن)

ورع الصادق(تقوای صادقانه)

تقوای حقیقی(به آنچه خداوند به شما داده، قانع باشید) و حیا کنیم از خدا در خلوتمان

کاری نکنید که بخواهید، مورد مغفرت دیگران قرار گیرید.

هدیه صراط

اخلاص العمل یعنی عمل یکی برای یکی تا موحد شوید

حسن الخلوق(لقد خلقنا الانسان فی احسن التقویم) انسان در بهترین ساعات خلق شده است، حب دنیا انسان را از خوشی دنیا باز می دارد و خوش معنوی را از او می گیرد. اولین کسی که باید خوش اخلاق کنیم خودمان، پدر و مادر، همسر و فرزند و دیگران

پیامبر فرمودند: کسی که بد اخلاق باشد از من نیست.

افراد خوش اخلاق، حرکت گلبولهای قرمز خونشان سریعتر می شود و چهره اش باز و محفظه های پوست بسته نمی شود.

کثرت ذکر الله، زیاد یاد خدا کردن، فذکرو ذکراً کثیراً، یا حی و یا قیوم یا من لا اله الا انت برحمتک التغیث

احتمال العزاء، تحمل کردن اذیت و آزار دیگران

هدیه خازن جهنم:

البکاء من خشیت الله، گریه کردن برای ترس از خدا

چشم گریه، چشمه فیض خداستگریه بر هر درد بی درمان دواست

صدقه السره ، صدقه در پنهانی دادن و سعی کنید زیاد معروف نشوید ولی کار زیاد بکنید و دیده نشوید، کم بشناسندت یا نشناسندت.

ترک معاصی، ترک کردن گناهان(علت ترک نکردن گناهان، کنترل نکردن شکم، کسی که در سیری غذا می خورد، قصی القلب است، لذا باید به جا بخورید و حلال و طیب بخورید.)

نبودن یقین به مقدسات و معنویت، انسان را به گناه آلوده می کند

البرّ بوالدین، نیکی کردن در حق والدین، چه زنده باشند و چه مرده.

حتی اگر آنها به شما ظلم هم بکنند، شما نیکی کنید و صبور باشید، عاق والدین را پیامبرمان فرمودند، حتی یک لحظه را هم شامل می شود. پس مواظب والدینتان باشید.

هدیه های بهشت

الصبر علی المکاره: صبر بر مصیبت ها و معصیت ها

الشکر علی النعمه: شکر بر نعمتها چه جسمی، چه روحی و چه مادی

الانفاق المال فی طاعه: آنچه در تصوف انسان است، انفاق کنید چه موارد مالی و چه موارد علمی و اجتماعی

الحفظ الامانهٔ علی الوقف: آنچه وقف شده است در حفظش کوشش کنیم که مهمترین آن حفظ ولایت امیرالمؤمنین و رویه ایشان است.

هدیه های پیامبر

محبت کردن به پیامبر(خود پیابر رحمت للعالمین است)

پیامبر فرمودند: اول ما خلق الله نوری: اول چیزی که خدا خلق کرد نور من بوده است.

کسی که محبت پیامبر را در دل دارد، کاملاً از ایشان پیروی می کند.

حضرت زهرا فرمودند: سه چیز را دوست دارم، تلاوت کتاب الله، انظر فی وجه رسول الله، انفاق فی سبیل الله

اَلاقتداع لسنهٔ: پیروی کردن از سنت پیامبر، زیرا هفتاد درصد سنت پیامبر از حضرت ابراهمی آورده شده است، لذا عمل به سنتهای پیامبرصلی الله علیه و آله و سلم همیشه انسان را در صحت و تندرستی و تعدیل ناراحتیهای روحی و روانی نگهدار است.

المحبت لاهل البیت: محبت کردن به خانواده(اهل البیت) پیامبر

رابطه پیامبر با مردم رحمت است: و ما ارسالناک الا رحمهٔ للعالمین

رابطه مردم با مردم مودت است: قل لا اسلکم علیه اجراً الا مودتاً للقربا

رابطه خدا با مردم رحمت و مودت و آرامش است: و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودهٔ و رحمهٔ انّ فی ذلک لایات لقوم یتفکرون(روم آیه ۱)

حفظ الا لسان علی الفحشاء:

زبان را از فحش و ناسزاگویی حفظ کنید که اگر رعایت نکردید، پیامبر روز قیامت نگاهتان نمی کند.

پیامبر اکرم در زمان احتظار و رحلتشان از دنیا صفات خود را به ائمه اطهار هدیه دادند عدالت خود را به امیرالمؤمنین، صبر خود را به امام حسن مجتبی، شجاعت خود را به امام حسین، زهد خود را به امام سجاد و...

هدیه جبرائیل

قلت اَلکل: کم خوری

قلت النوم: کم خوابی

مداومت الحمد، مداومت به خواندن سوره حمد و گفتن شکر.

اگر به مدت چهل روز از مباهات خودتان کم کنید(از خواب و خوراک و چیزهای غیر ضروری) احساس راحتی و آرامش خواهید کرد.

معده هرکسی به اندازه مشت باز او می باشد، اگر غذای زیادتر از حد میل کنید به شیارهای معده به همان اندازه که فشار می آورد به همان اندازه سلولهی مغز را قدرت تفکر و فرتمرکزی آن را کند می کند.

مداومت در قرائت سوره حمد برای رفع گرفتاریها بسیار مؤثر است.

سوره حمد را سبعهٔ المثانی هم می گویند، چون دو بار در هر نماز خوانده می شود و حرف بیست و هشت حرف عربی در سوره حمد وجود دارد و اگر آن را بر مرده ای هفتاد مرتبه خواندید و زنده شد تعجب نکنید تمام قرآن در سوره حمد خلاصه شده است و سوره حمد بخاطر اهدنا صراط المستقیم مربوط به حضرت علی علیه السلام است و چون از طبقه هفتم آسمان به پائین آمده ایم بایستی با هفت آیه حمد در نماز عروج کنیم و بهتر است سوره حمد را با هفت نفس بخوانیم نه یک نفس.

هدیه خداوند

اَلامر بالنعروف: خوبیها را توصیه نمودن به خود و دیگران

و النهی عن المنکر: بدیها و منکرات را از خود و دیگران بازداشتن

النصیحت لکل احد: خیرخواهی برای همه کس

مؤمن خیرش به همه می رسد و امام صادق علیه السلام فرمودند: مؤمن مثل گوسفند از همه اعضای آن برای همه استفاده می شود.

الرحمهٔ لکل احداً: مهربانی با همه داشته باشید.

هرکس اندوه و مشکلی را از مؤمنی برطرف نماید خداوند در روز قیامت اندوه را از قلبش برطرف سازد.

قال الامام علی بن موسی الرضا صلوات الله و سلام علیه:

مَن زارَ قَبرَ الحسین علیه السلام شطّ الفرات، کانَ کمن زارَ الله فوق عَرشه

هر مومنی که قبر امام حسین علیه السلام را کنار شط فرات در کربلا زیارت کند، همانند کسی است که خداوند متعال را بر فراز عرش زیارت کرده باشد.

امام رضا علیه السلام فرمودند: مَن رَضی عن الله تعالی بالقلیل من الرزق رضی الله منه بالقلیل من العمل

هرکس به رزق و روزی کم از خدا راضی باشد، خداوند متعال از عمل کم او راضی خواهد بود.

و فرمودند: مَن فَرَج عَن مومن فرج الله عن قلبه یوم القیمهٔ

هرکس گشایشی بر مؤمن حاصل کند خداوند متعال در روز قیامت گشایش در قلبش ایجاد می کند.

ها هنا سفنن ا لنجا ح و سفینه ا لحسین(علیه السلام) اسرع

ما ائمه کشتی نجا ت هستیم ولی کشتی حسین سریعتر است

ان الحسین(علیه ا لسلام) مصبا ح ا لهدی وسفینه النجاح

همانا حسین علیه ا لسلام چراغ هدایت وکشتی نجات است

قیامت بی حسین(علیه السلام)غوغاندارد شفاعت جزحسین(علیه السلام)معنا ندارد

اگرآید هزاران یوسف از راه حسین(علیه السلام)بن علی همتا ندارد

سرش درروزمحشربی کلاه است هر آنکس جز حسین(علیه السلام)مولاندارد

حسینی باش تا در محشر نگویند چرا پرونده ات امضاء ندارد

اگر پرونده ای امضاء ندارد رضایت نامه از زهرا ندارد

امام حسین(علیه السلام)می فرمایند:اگر کسی بی پروا آبروی مردم را می ریزد،سعی کن ترا نشناسد.(تا از شرش در امان مانی)ونیز فرمودند.

ان العزوالغنی خرجا یجولان فلقیاء التوکل فاتستوطنا.

همانا عزت وبی نیازی از جایگاه خود خارج شدند،پس توکل را ملاقات کردند وآنجا(نزد توکل) منزل گزیدند. (فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام)

هر که غمت را خرید،عشرت عالم فروخت با خبران از غمت ،بی خبر از عا لمند

به سینه هرکه تمنای کربلا دارد همیشه دردل خود روضه ای بپا دارد

کسی که عشق تو دارد،دگر چه کم دارد بدون عشق تو عالم کجا وفا دارد

بغیر تو که کرم می چکد زانگشتش کجا پادشهی این همه گدا دارد

تو،همچو من سر کویت هزاران داری ولی بدان که گدایانت فقط ترا دارند

مترسانیدم از روز قیامت که قیامت قد وبالای حسین است

بهشت ارزانی خوبان عالم بهشت من تماشای حسین است

به وقت مرگ چشمم را مبندید که چشم من به سیمای حسین است

مناجات

اگر عبد گنه کارم تورا دارم چه غم دارم.......اگر مرغ گرفتارم تورا دارم چه غم دارم

اگر آلوده و پستم وگر خالی بود دستم.......وگر سنگین بود بارم تورا دارم چه غم دارم

اگر آتش برافروزی تن و جان مرا سوزی.......چه باک از شعله نارم تورا دارم چه غم دارم

هم از لطفت بود هستم هم از جام تو سر مستم.......هم از شوق تو سرشارم تورا دارم چه غم دارم

چه در صحرا چه در دریا چه در پایین چه در بالا.......بهر جانب که رو آرم تورا دارم چه غم دارم

کیم من عبد شرمنده سیه روی و سر افکنده.......که با این جرم بسیارم تورا دارم چه غم دارم

تهی از برگ و از بارم میان لاله ها خوارم.......نباشد کس خریدارم تورا دارم چه غم دارم

قرار من، شکیب من، طبیب من، حبیب من،.......دوایم ده که بیمارم، تورا دارم چه غم دارم

تو ستار العیوبی، تو غفار الذ نوب هستی.......الا ستار و غفارم، تورا دارم چه غم دارم

سیه رویم، سیه بختم، بدین پرونده سختم.......بدین اشکی که میبارم، تورا دارم چه غم دارم

نه آبی در سبو دارم، نه نایی در گلو دارم.......نه بر رو آبرو دارم ،تورا دارم چه غم دارم

منم میثم، که پیوسته به احسان تو دل بسته.......به غیر از تو، که را دارم ،تورا دارم چه غم دارم

روایت شده از پیامبر اکرم صلوات الله علیه به اباذر غفاری بدین مضموم:

ای اباذر اعمال انسانهای مومن به آسمان اول می رود اگر صاحب آن عمل غیبت کرده ،همانجا آن عمل متوقف می شود،اگر صاحب عمل غیبت نکرده، فرشته مامور آسمان اول اجازه عروج به آسمان دوم را میدهد،در آسمان دوم باز فرشته مربوطه کنترل میکند،اگر عمل آلوده به دنیا طلبی نبوده اجازه عبور به آسمان سوم را میدهند،وهمینطور در طبقه سوم ،حسد–در طبقه چهارم تکبر وغرور–درطبقه پنجم— ریا،در طبقه ششم– رحم و مروت (قسی القلب نباشد)در طبقه هفتم – حجاب (هم برای آقایان هم برای بانوان،که گفته اند ،از زانو ببالا برای آقایان کشف عورت محسوب میشود،وبانوان قرص صورت و کفین تاموچ مجاز است ،بدون یک تار مو بطور عمد،در محافل عمومی و نامحرم داری)

اباذر به پیامبر عرض کرد یا رسول الله ،رعایت این اعمال خیلی سخت است ،حضرت فرمودنند، یک راه دارد .وآن اینکه بدی دیگران را مطرح نکنید،که از آن ببعد اباذر کمتر صحبت می کرد وبیشتر شنونده بود،مگر مطر ح نمودن آیات قرآن وفضا ئل اهل البیت علیهم آلاف و تهیت وسلام.

قا ل الصا دق علیه ا لسلام: لو رایت قساوتا فی قلبک ، او سقما فی جسمه او نقصا نا فی ما ل وقلیلا فی رزقه ، فعلم انک تکلم فی ما یرزیک .

اگر دیدی قسا وتی در قلبت پیدا شد،یا مریض شدی یا نقصان در ما لت ایجاد شد ویا رزقت کم شد،بدان صحبتی کرده ای که نیاز به آن نداشته ای.

خداوند برای زبان چهار نگهبان قرار داده ویک فرمانده ،که عبارتند از عقل(فرمانده) ودولب ودو فک (بعنوان نگهبان)

بر سر سفره ای ماهی بریان شده ای آوردنند،صاحبدلی گفت ،میدانید که چرا این ماهی بجای آغوش دریا وخانواده اش ،کف سفره است ،کسی از حضار جواب ندادنند،لذا وی گفت بعلت اینکه موقعی دهانش را بازکرده که نبایستی باز میکرد.(با دیدن

کرمی قلاب ماهیگیر را ندیده وصید شده است)

بجز حسین مرا ملجاء وپنا هی نیست

در این عقیده یقین دارم ،اشتبا هی نیست

ره نجات حسین است و دوستی حسین

بسوی حق بجز اینطریق،ترا راهی نیست

از پیامبر اکرم روایت شده است ،کسیکه به مسجد رفت وآمد کند،تا دانش مفیدی بیاموزد یا به دیگران یاد دهد،پاداش عمره وحجی کامل خواهد داشت (لذا مساجد تنها برای نماز ونماز جماعت نیست از آنها استفاده بهیمه تری بشود)در قنوت نمازتان این دعا را بخوانید:

الهم انی اسئلك الامن والایمان بک والتصدیق بنبیك والعافیه من جمیع البلاوالشکر علی العافیه و

الغنی عن شرار الناس،یا رب العافیه خیرممایدعوننی الیها

خداوندا همانا من از تو استعانت می خواهم امنیت وایمان بتو را و تائید پیامبرت وسلامتی از همه بلاها وتوفیق شکربر سلامتی وبی نیازی از شرور مردم،ای خداوند سلامتی،بهتر ازآنچیزیکه ممکن است از تو بمن برسد.

حدیث پایانی::

قا ل من زارنی فی تلك ا لبقعه كان كمن زار رسول الله ،كتب الله تعا لی تلك له ثواب ا لف حجه مبروره وا لف عمره مقبو له .

امام رضا علیه السلام فرمودند:کسیکه مرا در این بقعه زیارت کند ،همانند کسی است که پیا مبر را زیارت کند وبرای او ثواب هزار حج مقبو ل وهزار عمره مبرور است.

آقا یمان امام حسین علیه ا لسلام:در صحنه کر بلا وهم اکنون بیشتر از آب تشنه لبیك پیروانش به اهداف جد بزرگوارش حضرت ختمی مر تبت وپدر گرامیشان امیر المو منین بودنند،اما افوس ،اینکه بعضا زخمها یش را نشان مردم دادنند، وبزرگتر ین دردش را بی آبی پنداشتند.

الهی بحق بزرگان دین ** به آن پیشوایان راه یقین

بحق ده وچهار معصوم پاك** كزایشان پدیدارشدآبوخاك

الهی بحق حسین شهید ** که مارا زرحمت مکن ناامید

به بیمار تب دارزین العبا** مریضان اسلام راده شفا

به موسی بن جعفر شه انس** وجان اداءساز قرض همه شیعیان

به حق علی بن موسی الرضا** زجان غریبان بگردان بلا

الهم صل علی محمد وآل محمد وعجل فرجهم والعن عدوهم وبارك علی ابراهیم وآل ابراهیم(گفتن این صلوات ثواب هزار متبه صلوات را دارد)

و السلام علی من التبع الهدی : اربعین سنه ۱۴۳۳ عباسعلی حقیقی زاده اصفهان ۰۹۱۳۳۱۹۹۷۴۱

جهت مطالعه دیگر نوشتارهای این حقیر میتوانید به یکی از سایتهای اینترنت مانند google مراجعه وبه فارسی serchکنید ،اهل البیت +حقیقی زاده ، وسپس عباسعلی حقیقی زاده را کلیک چپ نمائید وکتاب مورد نظر خود را انتخاب ومطالعه فرمائید وبه دیگران هم توصیه نمائید .همراه ۰۹۱۳۳۱۹۹۷۴۱جهت هر گونه انتقاد ونقدوراهنمائی معرفی میگردد.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹